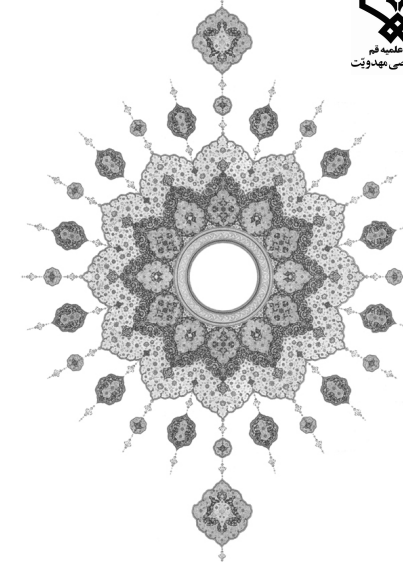






حوزه علمیه قم
مرکز تخصصی مهدویت



حدیث انتظار (۲)

جمعی از نویسندگان

عنوان و نام پدیدآور : حدیث انتظار
مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۴-
مشخصات ظاهری : ج.
فروست : مجموعه کتابهای تبلیغ معارف مهدوی
شابک : ۱۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱ :

۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۲۷-۵-۵

۸۰۰۰۰ ریال: ج. ۲

۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۶۸-۸-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبای مختصر
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
یادداشت : ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فیبا).
شناسه افزوده : حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۲۰۶۷۱

حدیث انتظار (۲)

- مؤلف: جمعی از نویسندگان
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- صفحه آرا: رضا فریدی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: دوم / پاییز ۱۳۹۵
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۶۸-۸-۲
- شمارگان: هزار نسخه (تاکتون دوهزار نسخه)
- قیمت: ۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه امار (۲۲)/ بن بست شهید علیان، پ ۲۴/ ص پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴۰ / ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۲۳) / فاکس: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۶۰

○ www.mahdi313.ir
○ entesharatmarkaz@chmail.ir

فهرست مطالب

سخنی با خواننده	۶
تلاوت وحدت	۹
بیعتی تا همیشه	۱۵
نهم ربیع الاول روز امامت و مهدویت	۲۷
پیشنادهایی برای نهم ربیع الاول	۳۹
گاه شماری «تایم لاین» نهم ربیع الاول ۲۶۰ هجری	۴۹
نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!	۸۳
چگونه برای عید آغاز امامت امام زمان <small>علیه السلام</small> ایده هایی نو و جذاب داشته باشیم؟	۹۰
امام مهدی <small>علیه السلام</small> مرا دوست دارد	۹۹
نهم ربیع الاول؛ آغاز امامت امام عصر <small>علیه السلام</small> فرصت‌ها و چالش‌ها... ۱۱۵	۱۱۵
ویژه کودک و نوجوان	۱۶۵

سخنی با خواننده

بسم الله الرحمن الرحيم

نهم ربیع الاول؛ سالروز آغاز امامت و ولایت حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام به لحاظ تأثیر عمیق و ماندگارش در حیات اعتقادی شیعیان نقطه عطفی در تاریخ شیعه به شمار می‌رود و درست از همین‌رو، نیازمند حجم عظیمی از فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی برای بازنمایی این رخداد عظیم است. گذشت زمان، نه تنها از اهمیت بحث درباره این رویداد مهم تاریخی نکاسته، بلکه بر آن افزوده است و امروزه بسیاری از صاحب‌نظران رویکرد کلان تبلیغی و فرهنگی این روز را برای آشنایی نسل حاضر با آموزه امامت و مهدویت امری حیاتی می‌شمرند.

متأسفانه باید گفت که برخی در این ایام، نه غالباً از منظری واقع‌بینانه، بلکه یک‌سویه و جهت‌دار در صدد دامن زدن به اختلافات مذهبی هستند. به عبارتی به جای این‌که درصدد کشف و شناسایی حقایق و ظرفیت‌های بیان و بلاغ معارف مهدوی در جامعه باشند، درصدد برگزاری جشن‌هایی به

مناسبتی خاص هستند. و پر پیداست که این امر، بدون دامن زدن به اختلافات مذهبی شدنی نبوده است. این اختلاف‌پراکنی‌ها همچون بذری است که در چنین مواقعی کاشته می‌شود، و با گذشت زمان اگر به موقع آفت‌زدایی صورت نگیرد، ریشه می‌دواند و آرام آرام شاخ و برگ خود را نشان می‌دهد تا در زمان مناسب به ثمر نشیند.

آگاهی از این امر، به کسانی که در پی درک حقیقتند هشدار می‌دهد که در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بزرگ سالروز آغاز امامت و ولایت حضرت حجت‌العلی غافل نبوده و در داوری‌های خویش حتی‌الامکان مصلحت‌های امت واحده اسلامی را مدنظر داشته باشند. نهم ربیع الاول هر چه بود و هر چه هست سالروز امامت بزرگ‌مردی است که در راه شکست جبهه باطل مردانه می‌ایستد. پس ما نیز از این مقدار مردانگی درباره او دریغ نورزیم که راست بگوییم و راستی‌ها را بگوییم؛ و امید این جستار، همه آن است که اتمام حجتی باشد در ظرفیت‌شناسی تبلیغی این روز بزرگ و گرامی.

معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت، اهتمام ویژه به این روز را نیاز حیاتی و فوری باورمندان به آموزه سترگ مهدویت می‌داند و در این راستا، سلسله مباحثی را در قالب کتاب حدیث انتظار به علاقه‌مندان ارائه کرده است. نوشتار پیش‌رو کوششی در ارائه بیان فرصت‌های تبلیغی در این باره و مواجهه با فرصت‌سوزی‌ها است؛ گامی هرچند اندک که امید است مقبول افتد.

این جستار حاصل تلاش علمی فضلالی ارجمند و بزرگوار در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم می‌باشد؛ در این جا می‌سزد از حمایت‌های مدیر محترم مرکز حجت‌الاسلام والمسلمین کلباسی و حجج اسلام و اساتید بزرگوار و گرانقدر آقایان محمدرضا فؤادیان، محمد یوسفیان، محمود ابادری، حجت حیدری چراتی، هادی حسین‌پور، محمد حسن مهدوی‌نیا، امیر محسن عرفان، حسن ملایی و علی مصلحی و همچنین آقایان حجت‌الاسلام محمود مسیبی و آقای سعید حیدرعلی که در امور اجرایی تدوین این اثر اهتمام داشته‌اند، کمال تشکر و امتنان را داشته باشیم. برآنیم - اگر خداوند متعال توفیق فرماید - به تدریج ادامه این جستار را تقدیم شما خوبان نماییم. پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راهنمای ما در ارائه مجموعه‌هایی از این دست خواهد بود. امید آن داریم انتشار این کتاب مورد رضایت حضرت حجت‌العلی قرار گیرد و برای همه شیفتگان و طالبان معارف دینی مفید واقع شود.

و من الله التوفیق

مرکز تخصصی مهدویت - حوزه علمیه قم

معاونت تبلیغ و ارتباطات

محمد رضا نصوری

برادرانه‌ی ملت‌هایی باشد که از نظر شکل ظاهری و سابقه‌ی تاریخی و منطقه‌ی جغرافیایی، شباهتی به یکدیگر ندارند.^۱

«علما و روشنفکران و سیاستمداران دنیای اسلام درس وحدت و یکپارچگی را برای ملت‌های خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش کشیدن بار امانتی سنگین و شالوده‌ریزی امت متحد و یکپارچه‌ی اسلام آماده سازند.»^۲

«امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد، یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی، ظرفیتهای جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه‌ی مستکبران، رنگ باخته و نیات پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج آشکار شده است و از سوی دیگر، جهان‌خواران که سودای حاکمیت بر سراسر جهان را در سر می‌پروراند، از بیداری و وحدت امت اسلامی بیمناکند و آن را سدّی در برابر سیل ویرانگر نقشه‌های خود می‌شمرند و در تلاش برای پیشدستی و پیشگیری از آنها، امروز، روز اخوت عملی در همه‌ی عرصه‌ها و در برابر همه‌ی فتنه‌ها است. روز فراهم ساختن زمینه برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. روز اجابت دعوت الهی در همه‌ی زمینه‌ها است. روزی است که باید آیه‌ی «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و

تلاوت وحدت

وحدت و همدلی در کلام

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت توفیقاته)

«اسلام به ما آموخته است که انسانها با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، فطرت همسانی دارند که آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری فرا میخواند و همین سرشت همگانی است که اگر از انگیزه‌های گمراه‌کننده به سلامت عبور کند، انسانها را به توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون می‌گردد. این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که قادر است پایه و پشتوانه‌ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت - توأماً - گردد و شعاع معنویت را بر همه‌ی فعالیت‌های مادی و دنیایی انسانها نفوذ دهد و بهشتی دنیایی - پیش از بهشت اخروی موعود ادیان الهی - برای آنان فراهم آورد. و نیز همین حقیقت مشترک و همگانی است که میتواند شالوده‌ی ریز همکاری‌های

۱. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب به حجّاج بیت‌الحرام، ۱۳۸۰/۱۲/۱.

آیهی «لا تقولوا لمن اتقى اليكم السلام لست مؤمناً» و آیهی «اشداء على الكفار رحماء بينهم» را بار دیگر بر دل‌های خود تلاوت کنیم.^۱

«تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیا عليهم السلام به دست شما قابل عمل است.»^۲

«ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه اینکه دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی‌الظاهر، تا قبل از ظهور ولی‌عصر ارواحنا فداه، نخواهد شد. اما می‌گوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملت‌ها و دولتهای مسلمان، با یک دل حرکت کنند. و این، عزت و قدرت آنهاست. عزت و قدرت، در سایه‌ی اسلام است. عزت و قدرت، در سایه‌ی همبستگی و همدلی اسلامی شما ملت ایران است. عزت و قدرت، در سایه‌ی تقوا و تمسک به قرآن است. عزت و قدرت، در سایه‌ی نترسیدن از غیر خداست. اینها را اگر ما رعایت کردیم، دیگران باشند یا نباشند؛ همراه ما باشند یا مقابل ما باشند، خدای متعال پشتیبان ما خواهد بود. و ما این راه را به فضل الهی ادامه خواهیم داد و میدانیم که خدای متعال با ماست و توجّهات ولی‌عصر ارواحنا فداه، این شاء الله شامل حال شما ملت است.»^۳

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد و تعاونیهای شهری خراسان، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت سالروز ولادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام جعفر صادق علیه السلام

«امروز مصلحت کشور، مصلحت ملت و مصلحت انقلاب، اتحاد کلمه و اتحاد دلهاست. بعد از صحبتی که ما یکی، دو ماه قبل از این در توصیه به وحدت در نماز جمعه به ملت ایران عرض کردیم، برخی از شخصیت‌های سیاسی نامه نوشتند و پیغام دادند که ما حاضر هستیم؛ بنده هم از آقایان خواستم، به تدریج آمدند و با بعضی از این مسئولان و شخصیت‌های برخی از گروه‌بندیها و جناح‌بندی‌های سیاسی که در بین آنها شخصیت‌های محترم، علمای بزرگ و اشخاص سیاسی سابقه‌دار هستند صحبت کردیم؛ همه هم پذیرفتند؛ عملاً هم کارها و اقدام‌هایی کردند و فضای سیاسی جامعه، به میزان زیادی از آن التهاب دشمن‌پسند خارج شد و دل‌ها به هم نزدیک گردید؛ که بنده خیلی تشکر میکنم. حالا باز بر سر این قضیه، بعضیها چیزی بگویند؛ بعضیها در جواب، چیز دیگری بگویند؛ هایی در مقابل هویی، جنجالی درست کنند؛ من مجدداً تکرار میکنم و از کسانی که جناحها و گروه‌های سیاسی جامعه‌ی ما را شکل میدهند، خواهش میکنم که به متن مردم، به اخلاص و صفای مردم نگاه کنند، ببینند این ملت چگونه ملتی است. نباید کاری کرد که دل‌های مردم به تصور اینکه گروه‌های سیاسی در مرکز نشسته‌اند و با همدیگر دعوا می‌کنند، بلرزد و آزرده و اندوهگین شود. باهم مهربانی کنند.»^۱

→

صادق علیه السلام، ۱۳۷۱/۶/۲۴.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۷/۹.

«خدا را شکر که به الطاف پروردگار و به توجّهات حضرت ولی الله الاعظم، ارواحنا فداء، شما ملت رشید، هشیار و آگاه، وحدت و یکپارچگی تان را حفظ کردید و بعد از این هم باید با همه‌ی دقّت و توان و ظرفیت بالای خودتان، بر توطئه‌ها فایق آیید و این یکپارچگی را حفظ کنید.»^۱

«خدای متعال آن قدر عظمت در اجتماع یک ملت مؤمن گنجانده، که آن را با نصرت خود مقایسه کرده است؛ «هو الّذی ایدک بنصره و بالمؤمنین». این روحیه را نگهدارید. تا شما ملت ایران، این اتّحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه‌ی آرزوهای انبیا و اولیاء^{علیهم‌السلام} به دست شما قابل عمل است. آمال بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی، نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البتّه وعده‌ی الهی، حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیةالله (ارواحنا له الفداء) انجام خواهد گرفت.»^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.

۲. سخنرانی در مراسم بیعت اصناف مشهد، مسئولان بنیاد پانزده خرداد و نهضت

سوادآموزی و...، ۱۳۶۸/۴/۸.

روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود، غدیری دیگر است.^۱
شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالخصوص در این مرز و بوم که شیعه خانه امام زمان علیه السلام است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و عیدالله الاکبر همت گمارند.

باید در این روز با امام زمان علیه السلام خود، تجدید پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود - که به آن‌ها در روایات و دعاها به ویژه دعای عهد اشاره شده - مروری دوباره داشته باشیم و به بازشناسی و بازخوانی حقوق و تعهداتی که نسبت به آن امام نور و گنجینه عهد الهی و امید همه مستضعفان عالم بر عهده داریم، پردازیم که به فرموده صادق آل محمد علیهم السلام، این عهد خدای عزوجل با ما است.

حضرت در پاسخ یکی از یارانش در تفسیر آیه «لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهداً»^۲ می‌فرماید: «من دان بولاية امیر المؤمنین والائمة من بعده فهو العهد عندالله»^۳.

همانا عهد در نزد خداوند، پذیرش ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و امامان بعد از اوست.

امام زمان علیه السلام نیز خود را چنین معرفی می‌کند:

۱. بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۴.

۲. سوره مریم، آیه ۸۷.

۳. تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۳۶۲.

بیعتی تا همیشه

□ حجت الاسلام والمسلمین مسعود پورسیدآقایی^۱

«السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذه و وگده»^۲

یوم الله نهم ربیع الاول، سالروز آغاز امامت قائم آل محمد، خاتم الاوصیا، بقیه الله الاعظم علیه السلام و روز تجدید میثاق با آن امام همام و اهداف آرمان‌های بلند اوست.^۳

۱. استاد حوزه و دانشگاه.

۲. «سلام بر توای پیمان الهی که وفای به آن را خداوند از مردم گرفته و آن را محکم و مؤکد گردانده است»؛ «مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام (زیارت آل یس)؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲؛ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۹۲.

۳. هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در جست‌وجوی امام زمان خود بر آمده و به محضرش یار یافتند و بدینسان بیعت خود را اعلام نمودند. (کمال‌الدین، چاپ جامعه مدرسین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶) و نیز پس از پیدایش خوارج، شیعیان علی علیه السلام با آن حضرت بیعتی دوباره کردند. (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶).

«من مستودع العهد المأخوذ على العباد؛^۱ از گنجینه و جایگاه پیمانی که [از جانب خداوند] بر عهده بندگان نهاده شده است.»

در این جا به برخی عهدها و پیمان‌های خود نسبت به امام زمان علیه السلام، هم‌چنین به زمینه‌ها و ریشه‌های آن (معرفت و محبت) و جایگاه و پی‌آمدهای آن (تبعیت و اطاعت) اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت و به ترتیب از معرفت، محبت، ولایت، عهد و اطاعت، گفت‌وگو خواهیم کرد، شاید بتوانیم با استعانت از ذات ربوبی به انجام آن‌ها موفق شویم.

۱. معرفت امام

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست؛ «عارفاً بحقه»^۲ زیرا امام از ما به ما و مصالحمان آگاه‌تر و نسبت به ما از ما مهربان‌تر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه کشش‌های نفسانی آزاد است. او به راه‌های آسمان آگاه‌تر از راه‌های زمین است. تلیفیک این آگاهی و آزادی می‌شود عصمت و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و سرپرستی آن‌ها و تسلیم در برابر آن‌هاست:

انما كلف الناس ثلاثة: معرفة الائمة والتسليم لهم فيما

۱. نامه به شیخ مفید؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و.... در زیارت جامعه نیز در خواست ما از خداوند چنین است: «فبحقهم الذی اوجبت لهم علیک اسئلك ان تدخلنی فی جملة العارفين بهم و بحقهم.»

ورد علیهم والردّ الیهم فیما اختلفوا فیه.^۱؛ مردم به سه تکلیف مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری امور به ایشان در اموری که اختلاف پیش می‌آید.

ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق این چنین امامی آثار زبانباری هم‌چون چشم‌پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی، هلاکت و... را در پی دارد:

«السلام علیک یا سبیل اللّٰه الذی من سلک غیره هلك؛^۲ سلام بر توای

راه خدا! که هر کس غیر آن را رود، هلاک می‌شود.»

کسانی که اضطرار به ولی را این گونه احساس کرده‌اند، می‌توانند به محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأخر نجات یابند، که: «المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق»^۳، «فمعکم معکم لامع غیرکم»^۴ و از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند: «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام»^۵.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۵.

۲. مفاتیح الجنان، دعای حضرت صاحب الامر. و این یعنی امام نه یک راه که تنها راه است.

۳. مصباح المتعجب، ص ۳۶۱.

۴. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

۵. مفاتیح، زیارت عاشورا.

۲. محبت

محبت، ادامه معرفت است.^۱ با درک اضطرار به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می‌نشیند و عشق به او که عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست در قلب آدمی ریشه می‌گستراند.

بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست. آن محبتی که اجر رسالت است چنین عشقی است؛ «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی».^۲

آن چه که می‌تواند بر این محبت بیافزاید، درک این نکته است که این محبت یک طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است. این گونه نیست که فقط من امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حتی از من به من مهربان‌تر است؛ چون همان طور که اشاره شد، علاقه من به خودم غریزی است، ولی علاقه امام به من غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است و بر اساس سعه وجودی او و برخاسته از معرفت شهودی و وجودی اوست. همین است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «والله! لانا ارحم بكم منكم بانفسكم...»^۳ به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربان‌ترم.»

۱. «من عرفنی... احببنی»؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۴۱۹)، «الحبُّ فرع المعرفة»؛ (همان، ج ۱۲، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲)، «من عرف حقنا و احبنا...»؛ (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۴).

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

آن‌ها در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهناکند.^۱ یکی از یاران امام رضا علیه السلام از آن حضرت درخواست کرد که برای او و خانواده‌اش دعا کند. حضرت فرمود: «أَوَلَسْتُ أَفْعَلُ؛ آیا چنین نمی‌کنم؟!»

باری! بارقه چنین عشقی است که انسان را به طلب و دعا و انس و نجوای با امام می‌خواند و به تولی و تبری می‌کشاند و او را وامی‌دارد که داعی باشد و دیگران را به امام دعوت کند و در این راه استقامت داشته باشد و از هیچ نهراسد.

۳. ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می‌رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است؛^۳ یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه.

این ولایت است که رکن رکین، اساس دین، کلید و گشایش‌گر و راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است.

این ولایت است که تنها در مالک‌ها و سلمان‌ها و مقدادها یافت می‌شود

۱. امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «انا لنفرح لفرحکم، و نحزن لحزنکم... ما، در شادمانی شما شاد و در اندوه شما، اندوهگین می‌شویم»؛ (بصائر الدرجات، ص ۲۶۰).

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۱.

و در معاویه‌ها و احمد حنبل‌ها و جرج جرداق‌ها نشانی از آن نیست.

این ولایت است که تحمل آن سخت و سختی آفرین است و بدون عشق و ایمانی مبتلا و بلاکش و یا شهود و آگاهی و تا آخر خط را دیدن، کسی را یاری به دوش کشیدن آن نیست که، «ان امرنا صعب مستصعب لایحمله (یاحتمله) الا ملک مقرب، او نبی مرسل، او عبد مؤمن امتحن الله قلبه للايمان.»^۱

همین است که اگر کسی تمام شب‌ها به نماز بایستد، همه روزها روزه باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگذارد، اما ولی زمان خود را نشانسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و از اهل ایمان نخواهد بود.^۲

۴. عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه‌ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می‌شود؛ زیرا عشق و ولایت بدون عهده‌داری و مسئولیت‌پذیری، هوس‌ی بیش نیست که «عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها.»

عهد، التزام خاص و نوعی تعهدپذیری در مقابل شخص یا کاری است.^۳ باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم ملتزم سازیم و با او برای

۱. «عن ابی جعفر علیه السلام قال: اما لوان رجلاً قام ليله و صام نهاره و تصدق بجمع ماله و حج جميع دهره و لم يعرف ولايه ولى الله فيو اليه و يكون جميع اعماله بدلاته اليه ما كان له على الله حق في ثوابه ولا كان من اهل الايمان»؛ (وسائل الشيعه، ج ۱۸، ص ۴۴).

۲. «العهد هو التزام خاص في مقابل شخص او امر»؛ (التحقيق في كلمات القرآن الكريم).

۳. مفاتيح الجنان، دعای عهد.

انجام خواسته‌ها و آرمان‌هایش عهد ببندیم (عهداً)^۱ و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (عقداً)^۲ و در نهایت با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعة).^۳

عهد و عقد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید با بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه،^۴ هم اراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت‌ها و سستی‌ها جدا شد و فاصله گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بحران‌ها و مواقع حساس با یاران خود تجدید عهد کرده و از آنان بیعتی دوباره می‌گرفتند. امام مهدی علیه السلام نیز در عصر ظهور به خاطر شرایط سختی که یارانش پیش رو دارند از آن‌ها چنین بیعت می‌گیرد: ... مسلمانی را دشنام ندهند، ... حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق زنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند، ... لباس خز و حریر (لباس‌های فاخر و اشرافی) نپوشند، ... در زندگی به اندک بسنده کنند، ... امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^۵

۱. همان.

۲. همان

۳. «اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا و ما عشت من ایامی...»؛ (همان).

۴. منتخب الاثر، ص ۵۸۱.

۵. همان، ص ۳۸۶.

گفتنی است، کسانی می‌توانند در عصر ظهور به این عهدها عمل کنند که در عصر غیبت به عهد و پیمان‌های خود با امام علیه السلام - این گنجینه عهد الهی و خزانه و جایگاه پیمانی که خداوند بر عهده‌بندگان نهاده است - عمل کرده باشند. اهمیت این پیمان‌ها در عصر غیبت تا آن جا است که در روایتی از حضرت سجاد علیه السلام، همانا تنها راه نجات از فتنه‌ها شمرده شده است:

یا ابا خالد لتأتین فتن کقطع اللیل المظلم لاینجوا الا
من اخذ الله میثاقه، اولئک مصابیح الهدی و ینابیح
العلم ینجیهم الله من کل فتنه مظلمة...! ای اباخالد!
فتنه‌هایی هم‌چون شب تاریک خواهد رسید. تنها کسانی
از آن فتنه‌ها نجات خواهند یافت که خداوند از آنان
پیمان گرفته باشد. آنان چراغ‌های هدایت و چشمه‌های
علم هستند و خداوند آن‌ها را از هر فتنه تاریکی نجات
خواهد داد.

۵. اطاعت

با معرفت و محبت و ولایت امام، به عهد و پیمان با او و آن‌گاه تبعیت و اطاعت او می‌رسیم. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر چه عاشق‌تر، متعهدتر و مطیع‌تر «ان کنتم تحبون الله فاتبعونی...»^۱

امام باقر علیه السلام به جابر می‌فرماید:

«والله لاتنال ولایتنا الا بالعمل^۱؛ به خدا قسم! تنها با عمل است که می‌توان به ولایت ما رسید.»

در روایت دیگری از حضرتش سؤال شد: «ما حق الامام علی الناس؟ فقال: حقه علیهم ان یسمعوا له و یطیعوا؛^۲ حق امام بر مردم چیست؟ حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند.» همین است که در روایتی «حی علی خیر العمل» به ولایت اهل بیت تفسیر شده است؛ چون این چنین ولایتی به عمل منجر می‌شود و آن هم بهترین عمل. همین اطاعت و عمل است که رمز فرج و گشایش کارها، ظهور همه زیبایی‌ها و خوبی‌ها، عامل نصرت خدا و بهره‌مندی از همه مواهب و عنایات الهی، شرط محبوبیت در نزد خدا، دریافت امدادهای غیبی و دستیابی به بهشت لقا و حضور اوست.

اطاعت امام؛ یعنی بر سرقرارها ایستادن و به عهد و پیمان‌ها عمل کردن؛ یعنی بازخوانی و مرور مستمر و همیشگی میثاق‌ها و گردن کشیدن و مراقبت مدام بر انجام آن‌ها.

اطاعت امام؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته‌های او کردن «رحم الله عبداً حبس نفسه علینا»، و همیشه و همه جا، باور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواست‌ها و آرمان‌های او که همان خواسته‌های خداست، گام برداشتن.

۱. امامی شیخ طوسی، ص ۹۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۴.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶؛ کافی، ج ۸، ص ۸۰.

اطاعت امام؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن «من انتظر امرأ تهباً له»،
«فیوٹون للمهدی سلطانه.»

اطاعت امام؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل پذیری در جامعه و
نهادینه کردن آن.

اطاعت امام؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

اطاعت امام؛ یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و
احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و
مدرسه گرفته تا کوچه و بازار.

حدود سال ۵۶۰ هـ) به قتل خلیفه در نهم ربیع الاول اشاره کرده، اما مستند و منبع خود را ذکر نکرده است. هاشم بن محمد، عالم دیگر قرن ششم هجری در کتاب «مصباح الانوار» روایتی از احمد بن اسحاق قمی مشهور به حدیث رفع القلم را آورده که در آن قتل عمر به روز نهم ربیع الاول نسبت داده شده است.^۱ گویا به همین دلیل است که ابن ادریس حلی (۵۴۳-۵۹۸)

با اشاره به مرگ عمر بن خطاب در ۲۶ ذیحجه سال ۲۳ هـ می‌نویسد: این مطلب برای برخی شیعیان اشتباه شده و تصور کرده‌اند نهم ربیع‌الاول روز مرگ اوست. اما این اشتباه و خلاف اجماع مورخان است، چنانکه شیخ مفید^۲ نیز بر آن تاکید کرده است.^۳

حدود یک قرن بعد، ابن طاووس (م ۶۶۴) بدون نام بردن از خلیفه دوم یا شخص دیگری، می‌نویسد: گروهی از برادران ما و مردم عجم روز نهم ربیع الاول را بزرگ می‌دارند و معتقدند یکی از دشمنان خدا و رسولش در این روز مرده است.^۴ وی به جزئیات بیشتری اشاره نمی‌کند، اما با ظهور صفویه و رواج تشیع در ایران، گویی نهم ربیع الاول به عنوان زمان قطعی مرگ خلیفه دوم تلقی شده است، و مراسمی نیز در این روز برگزار می‌شد.^۵ برخی قائلان این نظریه، مانند هاشم بن محمد در کتاب «مصباح

نهم ربیع الاول روز امامت و مهدویت

□ مصطفی صادقی^۱

نوشتار حاضر در دو بخش سلبی و اثباتی به بررسی واقعه‌ای که در نهم ربیع الاول رخ داده است، می‌پردازد. جنبه سلبی در پی آن است که مشخص کند روز نهم ربیع الاول، ارتباطی به مرگ خلیفه دوم ندارد و جنبه اثباتی، از آن روست که مشخص شود از نظر تاریخی، سالروز آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.

بخش اول؛ جنبه سلبی

عده‌ای، نهم ربیع الاول را روز مرگ عمر بن خطاب، خلیفه دوم می‌دانند؛ این سخن و نظریه از قرن ششم به منابع راه یافته است. و پس از دوره‌ای سکوت، بار دیگر در عصر صفویه شهرت پیدا کرده و حتی بخشی از فرهنگ جامعه شیعه شده است. عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب «النقض» (نوشته

۱. استاد حوزه و دانشگاه.

۱. المختصر، ص ۴۴.

۲. سرایر ابن ادریس، ج ۱، ص ۴۱۹.

۳. الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۱۱۳.

۴. بحار الانوار، ج ۳۱، صص ۱۱۹ - ۱۲۰.

الانوار» مستند این قول را روایت احمد بن اسحاق قمی قرار داده‌اند و مستند دیگری برای آن ذکر نمی‌شود. مجلسی هم تصریح می‌کند که دلیل اصلی مرگ عمر در نهم ربیع الاول، همین روایت است^۱ که به رفع القلم شهرت یافت. این در حالی است که عالمان شیعه بر منبع و سند و محتوای این خبر اشکال گرفته و آن را مردود دانسته‌اند.^۲

این روایت در کتاب «المحتضر» نوشته حسن بن سلیمان حلی (قرن ۸ هـ) آمده است.^۳ همچنین مجلسی آن را به نقل از کتاب «زوائد الفوائد» منسوب به فرزند سید بن طاووس (قرن ۷ هـ) آورده^۴ که اکنون در دست نیست. گفته می‌شود در کتاب «مصباح الانوار» نوشته هاشم بن محمد، عالم قرن شش هجری هم وجود داشته است.^۵ نبود این خبر در منابع روایی دست اول، نخستین خدشه بر آن است.

از نظر سلسله اسناد، راویان نام‌برده شده در آن جز احمد بن اسحاق قمی در کتب رجالی یافت نمی‌شوند، و در سند روایت دیگری واقع نشده‌اند. از نظر متن مهم‌ترین اشکالی که به این خبر وارد است اینکه به نقل از رسول خدا به خدای متعال نسبت داده شده که به فرشتگان نویسنده اعمال

دستور داده تا سه روز قلم را از همه مردم بردارند و چیزی از گناهان آنان را ننویسند.^۱ این مطلب با آیه «فمن يعمل مثقال ذرة شراً يره» مخالفت دارد.

این همه در حالی است که مورخان شیعه و سنی تاریخ مرگ خلیفه دوم را روزهای آخر ذیحجه سال ۲۳ هجرت دانسته‌اند.^۲ حتی مرحوم مجلسی که خود نظریه نهم ربیع را نقل کرده است، می‌نویسد: «اینکه گفته‌اند قتل عمر در ماه ذیحجه بوده بین فقهای شیعه امامیه مشهور است.»^۳

نتیجه آنکه قول درست درباره مرگ خلیفه دوم، اواخر ماه ذیحجه است، اما در دوره‌هایی که احتمال می‌رود آغاز آن، عصر آل بویه بوده باشد، این زمان را که با ایام سوگواری سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام تلاقی می‌کرده است به بعد از ایام محرم و صفر یعنی ربیع الاول منتقل کرده‌اند. توضیح آنکه با روی کار آمدن دولت شیعی آل بویه (۳۲۲ - ۴۴۸)، مراسمی همچون غدیر و عاشورا گرامی داشته شد.^۴ و به نظر می‌رسد نزاع‌های فرقه‌ای، شیعیان را بدان سو برده که روز مرگ خلیفه دوم را شادمانی کنند.

بخش دوم؛ جنبه اثباتی

اکنون به بررسی ارتباط روز نهم ربیع الاول با مهدویت و امامت

۱. المحتضر، ص ۵۱؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۳۵.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۹؛ اثبات الوصیه، ج ۴، ص ۳۰۲؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۹۴؛ الارشاد، ص ۴۲.

۳. بحار الانوار، ج ۳۱، ۱۱۸.

۴. الکامل فی التاریخ، ج ۸، صص ۵۵۰ و ۵۸۹.

۱. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۲۰.

۲. نک: مجموعه رسایل آیت الله صافی، ج ۲، ص ۳۹۵.

۳. المحتضر، ص ۴۴.

۴. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۲۰.

۵. المحتضر، ص ۴۴.

دوازدهمین حجت الهی می‌پردازیم.

پس از شهادت هر امام، جانشین او که از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و به دستور خدای متعال و با تأکید پیشوای پیشین تعیین شده بود، به زعامت جامعه شیعه می‌رسید. خواص و نزدیکان آن امام ضمن تسلیت شهادت پدر (یا برادر در خصوص امام سوم) با پیشوای جدید بیعت می‌کردند؛^۱ هر چند اوضاع سیاسی و رعایت تقیه، غالباً مانع از بیعت عمومی یا حتی اطلاع همگانی از موضوع بود. در خصوص دوازدهمین امام شیعیان نیز همین روش جاری است. هنگامی که ابوالادیان نماینده امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام از مأموریت خود بازگشت، دید که مردم به اشتباه سراغ جعفر رفته و او را به مرگ برادر تسلیت می‌دهند و به امامت تهنیت می‌گویند. (ابن حمزه، ۱۴۱۹: ۶۰۸)

اگرچه شیعیان در مصداق به خطا رفته بودند، ولی این روایت نشان‌دهنده رواج آن شیوه معمول در میان امامیه نیز هست.

مشخص شدن زمان آغاز امامت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام متوقف بر آن است که زمان شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام روشن شود.

عالمان بزرگ امامیه مانند شیخ کلینی رَحِمَهُ اللهُ، شیخ صدوق رَحِمَهُ اللهُ، شیخ مفید رَحِمَهُ اللهُ و شیخ طوسی رَحِمَهُ اللهُ شهادت امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام را روز جمعه هشتم ربیع-الاول سال ۲۶۰ ثبت کرده‌اند.^۲ البته اقوال دیگری بر خلاف این قول مشهور

نیز هست؛ مانند اینکه مسعودی در «اثبات الوصیه» شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام را در ماه ربیع‌الآخر سال ۲۶۰ هجری دانسته است.^۱ البته وی در جای دیگر سخنی نزدیک‌تر به مشهور دارد و می‌نویسد: «حضرت صاحب در روز جمعه یازدهم ربیع‌الاول ۲۶۰ هجری امر امامت را بر عهده گرفت.»^۲ این احتمال هم هست که وی شهادت امام را با تولدش که در هشتم یا دهم ماه ربیع‌الآخر بوده خلط کرده باشد.

این اقوال یا قول به چهارم ربیع‌الاول یا ماه ربیع‌الآخر یا ۱۳ محرم یا اول ربیع‌الاول نمی‌تواند در برابر قول مشهور برابری کند. نظریه شهادت امام یازدهم عَلَيْهِ السَّلَام در هشتم ربیع‌الاول اختصاص به شیعه ندارد و مورخان اهل سنت، هم آن را ذکر کرده‌اند. ابن طاووس رَحِمَهُ اللهُ از عالمان و مورخان زیادی که هشتم ربیع‌الاول را روز شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام دانسته‌اند، نام برده است.^۳ به طوری که اختلاف در تاریخ شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به دیگر رویدادها یا وفیات بسیار کمتر و اتفاق نظر درباره آن جدی‌تر است. به طوری که یکی از محققان معاصر می‌نویسد: «اتفاق مورخان است که شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در هشتم ربیع‌الاول از سال ۲۶۰ اتفاق افتاده است.»^۴

خلاصه کلام آنکه نظریه مشهور و معتبر درباره زمان شهادت امام حسن

۱. اثبات الوصیه، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۲۷۲.

۳. الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۱۱۴.

۴. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۳۶.

۱. اثبات الوصیه، ص ۲۴۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۰۳؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ۴۷۳ و ج ۱، ص ۴۳؛ الارشاد،

ج ۲، ص ۳۱۳ و ۳۳۶؛ المقنعه، ص ۴۸۵؛ مصباح‌المتجهد، ج ۶، ص ۹۲.

عسکری علیه السلام روز هشتم ربیع الاول است و اقوالی که با این سخن مخالفت دارد قابل اعتنا نیست بخصوص که آن نظریه‌ها هر کدام به تنهایی توانایی برابری با قول مشهور را ندارند و قرینه‌ای بر صحت و ترجیح آنها وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

بنابراین روز نهم ربیع‌الاول مصادف با اولین روز امامت حضرت ولی‌عصر علیه السلام خواهد بود. البته امامت آن حضرت از همان لحظه شهادت پدر آغاز می‌شود، لیکن به احترام روز شهادت امام عسکری علیه السلام روز هشتم را به عنوان آغاز امامت برای تبریک‌گویی و برگزاری مراسم تلقی نمی‌کنند.

سید ابن طاووس رحمته الله پس از بیان شهادت امام عسکری علیه السلام در روز هشتم ربیع‌الاول می‌نویسد: آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام روز نهم ربیع‌الاول است و شاید علت بزرگداشت این روز همین باشد.^۱ کفعمی به نقل از شیخ مفید رحمته الله در مسار الشیعه می‌نویسد: هر که در این روز انفاق کند، آمرزیده می‌شود؛ همچنین اطعام و گشایش و پوشیدن لباس نو و عیادت در این روز مستحب است.^۲ این مطلب در کتاب فعلی مسار الشیعه نیست و ممکن است کفعمی آن را در نسخه دیگر یا منبع دیگری دیده و به خطا نسبت به شیخ مفید رحمته الله داده است، اگر نقل وی درست باشد، نشان از این است که عید

۱. الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲. مصباح کفعمی، ص ۵۱۰.

بودن این روز و انجام برخی اعمال مستحب، نزد شیعیان مرتکز بوده و این جز به دلیل بزرگداشت آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام نیست؛ چه آنکه همین عالمان، مرگ خلیفه در این روز را قبول نداشته‌اند و اتفاق دیگری نیز در این تاریخ ثبت نشده است. آنچه گاه در افواه گفته شده که مرگ عمر بن سعد است، نیز دلیلی ندارد.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، قاهره، اداره الطباعه المنیره، ۱۹۳۸م.
۳. ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، قم، انصاریان، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن طاووس، رضی الدین علی، الاقبال بالاعمال، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۵ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی (م ۶۹۳)، کشف الغمّة فی معرفه الأئمّه، قم، نشر رضی، ۱۴۲۱ق.
۸. افندی، عبدالله، تحفه فیروزیه (گزارشی از کتاب)، به کوشش رسول جعفریان، قم، بی نا، ۱۳۷۸ش.
۹. افندی، عبدالله، ریاض العلماء، قم، کتابخانه آیت الله نجفی، ۱۴۱۰ق.
۱۰. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انصاریان، ۱۳۷۷ش.
۱۱. حلی، حسن بن سلیمان، المحتضر نجف، حیدریه، ۱۳۷۰ق.
۱۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی (م ۴۶۲)، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

۱۳. رازی قزوینی، عبد الجلیل، *تقض بعض مطالب النواصب*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۱۴. شوشتری، محمدتقی، *رساله فی تواریخ النبی و آل*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. صافی، لطف الله، *مجموعه الرسائل*، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (م ۴۶۰)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق خرسان، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، *المصباح (جنة الامان الواقیه)*، قم، دارالرضی، ۱۴۰۵ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دارالرضا، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مسعودی، علی بن الحسین (م ۳۴۶)، *مروج الذهب*، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. مسعودی، علی بن الحسین، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. مفید، محمد بن محمد (م ۴۱۳)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، بیروت، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (م ۴۱۳)، *المقنعه*، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید،

- ۱۴۱۳ ق.
۲۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *مسار الشیعه*، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی (م ۴۵۰)، *رجال النجاشی*، تحقیق محمد جواد النائینی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. یعقوبی، احمد بن واضح (م ۲۸۴)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

عناوین پیشنهادی جهت سخنرانی در نهم ربیع الاول

- ما برای فهم روایت، احتیاج به متخصص داریم.
- روایات، قیام قبل از ظهور را نفی و نهی نمی‌کند.
- اطاعت از فقیه جامع شرایط مانند اطاعت از امام واجب است.
- مال حرام ما را از امام زمان علیه السلام دور می‌کند.
- امام مهدی علیه السلام مرا دوست دارد.
- حضور در جلسه گناه با عشق به امام علیه السلام تناسب ندارد.
- منتظران، احکام گریز نیستند.
- حاجت خود را از امام علیه السلام بخواهیم، اما امام علیه السلام را برای حاجت خود نخواهیم.
- امام هم می‌تواند بچه پنج ساله باشد.
- انحصار امام در دوازده.
- امامت بالاترین نعمت.
- ملاقات آرزوست نه وظیفه.
- نیاز به امام زمان علیه السلام.
- امام حسن عسکری علیه السلام برای آگاهی شیعه از امام مهدی علیه السلام دو کار ضد هم را انجام داد.
- آیا انسان کامل انتخاب شدنی است یا انتصابی است؟.
- امام، علم به غیبت دارد. (داستان ابوالادیان)

۳. شکر و عبادت خداوند متعال؛

۴. گشاده‌دستی و فراوانی برای خانواده.

اکنون جهت ترویج و تعمیق فرهنگ مهدویت با استفاده از فرصت نهم ربیع الاول، سالروز آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام در جامعه پاسخ بعضی از کارشناسان مهدویت را بیان می‌نماییم:

○ **حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی**

مهدویت): اصل مسئله مهدویت و امامت مهم است و نهم ربیع بهانه‌ای است برای پرداختن به این موضوع اصلی. بنابراین با شناساندن نهم ربیع و اهتمام به آن می‌توانیم ضمن بزرگداشت این روز، به تبیین نقش و جایگاه امام، مسئولیت و آثار معرفت‌امام پردازیم. همچنین با ترسیم آینده‌ای روشن برای بشریت، نقشی را که آن حضرت در تحقق آرزوهای دیرین بشر ایفا می‌کند، به نمایش بگذاریم. با این رویکرد، نهم ربیع بهانه‌ای است برای طرح اندیشه مهدویت که جزو اندیشه‌های اساسی تشیع است.

○ **حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی (نویسنده و پژوهشگر):** اگر

فعالیت‌های فرهنگی مربوط به امام زمان علیه السلام و موضوع مهدویت، همچنان که در نیمه شعبان انجام می‌گیرد در این روز هم صورت بگیرد، «نهم ربیع» هم در اذهان ماندگار می‌شود و وسیله‌ای می‌شود برای ایجاد علقه و پیوند بین شیعیان و امام زمان علیه السلام.

گاهی در این روز، برنامه‌های سبکی به مناسبت و انگیزه دیگری صورت می‌گیرد که مایه تفرقه و تقابل هم می‌شود. بهتر است که نهم ربیع را از

پیشنهادهایی برای نهم ربیع الاول

مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب شریف مفاتیح‌الجنان^۱ آورده است که روز هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، شهادت حضرت عسکری علیه السلام واقع شد، و حضرت صاحب‌الامر علیه السلام به منصب جلیل امامت نایل گردید. بنابراین زیارت این دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است و روز نهم ربیع‌الاول، روز عید بزرگ است. این روز، روز برطرف شدن غم‌ها و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم [این] ماه، [روز] شهادت امام عسکری علیه السلام بوده و این روز [نهم ربیع‌الاول]، روز اول امامت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام است، سبب مزید شرافتش خواهد بود.

در روایتی آمده هرکه در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده می‌شود و گفته‌اند: در این روز [چند امر] مستحب است:

۱. اطعام به دوستان و ایجاد فرح و شادی در بین آنان؛

۲. پوشیدن لباس نو؛

۱. مفاتیح‌الجنان، باب دوم اعمال سال، اعمال ربیع‌الاول.

حیث تعلقش به حضرت حجت و آغاز امامت خجسته آن حضرت مطرح کنیم و برنامه‌های شاد داشته باشیم. نشر بروشورهای مناسب و پخش کتاب و جزوه‌های مرتبط با این موضوع نیز شایسته است.

از طرفی هم در روایات ما آمده است که هر امامی بر گردن پیروان خودش، عهد و میثاقی دارد. اساساً اعتقاد به امامت امام معصوم علیه السلام، همراه است با یک سلسله تعهد و پیمان و ولایت و همبستگی و میثاق. «دعای عهد» را که در دوران غیبت می‌خوانیم، متضمن همین «عهدنامه» با آن امام غایب است که شیعه معتقد به آن حضرت، با مولای خویش پیمان می‌بندد که مطیع فرمان و مجری دستور و در خط آن حجت الهی باشد و جان بر کف و شهادت طلب در رکاب مولایش آماده هرگونه جان نثاری باشد و هرگز با گذشت زمان و طول کشیدن دوران غیبت، این میثاق را از یاد نبرد و در عقیده به آن حضرت، سست نگردد. با این حساب، اگر در مجالس و محافل، در چنین روزی دعای عهد خوانده شود و متنی فارسی که همین مضمون و میثاق را دارد، چاپ و تکثیر شود ضمن پخش آن، هم به صورت دسته‌جمعی این «میثاق‌نامه» را بخوانند و با مولایشان تجدید عهد کنند، هم پای آن برگه را امضا کنند و به عنوان یادبود این روز عید و میثاق، نگه دارند و هر چند وقت یک بار آن را مرور و تجدید خاطر کنند، برای ایجاد حس معنوی و روحی در ارتباط با امامت امام حی و زنده و معاصر و ناظر بر اعمال ما شیعیان، مؤثر خواهد بود.

○ **حجت‌الاسلام والمسلمین علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی):** برای رونق بخشیدن به مجالس این روز، اولین کاری که می‌توانیم بکنیم این است که سلسله مطالبی را برای گروه‌های دانشجویی و دانش‌آموزی که متناسب با فهم و درک آنان است مطرح کنیم، مثلاً نسبت و رابطه‌ای که رسول با امام و امام با رسول دارد و رابطه‌ای که امام و رسول با جامعه دارند را در این مطالب روشن کنیم. چون ما الآن پیامبرشناسی و امام‌شناسی‌مان ضعیف است؛ باید در قالب‌های مختلف اینها را منعکس کنیم. کار دیگری که می‌توانیم انجام دهیم این است که سخن‌گویان را تشویق کنیم که موضوع بحث آنان، بحث امامت و مهدویت باشد.

همین‌طور در این ایام در مدارس، یک سری میزگرد و بحث آزاد بگذاریم که دانش‌آموزان پرسش‌های مهدوی خود را مطرح کنند. مجله امان می‌تواند به گروه‌های دانش‌آموزی خط بدهد که آنها چه برنامه‌هایی را می‌توانند تدارک ببینند، شورای دانش‌آموزی چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. در قالب مقاله‌ای برای اولیای مدرسه و مدیران پرورشی و آموزشی مدرسه بیان کنیم که چه کار کنند. همچنین می‌توانیم به کانون‌های دانشجویی و دانشگاهی هم خط بدهیم؛ مثلاً گزارشی از یک کانون دانشجویی که سال گذشته در روز نهم ربیع کارهایی انجام داده‌اند را تهیه کنیم و برای دیگر کانون‌های دانشجویی بفرستیم.

○ **حجت‌الاسلام والمسلمین رحیم کارگر (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی):** برای رونق بخشیدن به این روز باید همزمان دو

نوع فعالیت را در دستور کار قرار دهیم. یکی فعالیت‌های تبلیغی - ترویجی و دیگری فعالیت‌های علمی - تخصصی.

فعالیت تبلیغی - ترویجی، کار رسانه‌ها، مطبوعات، نشریات، صدا و سیما و حتی سینما است. اینها باید با تمام قدرت در تبلیغ این روز وارد میدان شوند و کار تبلیغاتی خود را انجام دهند. مرکز تخصصی مهدویت و سایر مراکز مهدوی، با تمام قدرت وارد این حوزه کاری شوند و دانش پژوهان و مبلغان اسلامی را به همه جای ایران بفرستند. نه تنها مراسم جشن، بلکه مراسم سخنرانی، کلاس‌های پربار در این روز، توسط کارشناسان مهدویت برگزار شود، همچنین بروشورهای مناسب برای این روز تهیه شود تا بدین‌وسیله کار ترویجی - تبلیغی صورت پذیرد. متأسفانه ما برای چیزهای ساده روز تعیین می‌کنیم، روز بدون سیگار، روز بدون ترافیک، روز همدردی با معلولان، روز بزرگداشت فلان شاعر؛ کار خیلی خوبی هم است؛ ولی برای این روز که شکرانه امامت و ولایت و بشارت الهی است نامی نداریم! یک نام خوب برای این روز انتخاب کنیم تا توجه مردم را به این روز مهم جلب کنیم. در نیمه شعبان مردم به عظمت آن روز توجه دارند، ولی به روز نهم ربیع، کمتر توجه دارند؛ در صورتی که این روز زمینه خوبی برای توجه دادن مردم به حضرت مهدی علیه السلام و تبلیغ معارف مهدوی است.

در این ایام، ویژه‌نامه‌هایی با عنوان «امامت» منتشر کنیم و به موضوعاتی چون جایگاه امامت، منزلت امام و نیاز مردم و جهان به امام، کارکردهای امام حاضر و کارکردهای امام غایب، پردازیم و درباره آنها بحث کنیم.

این روز را، روز ارتباط و انس با آن حضرت قرار دهیم و نماز شکر به جا بیاوریم، برای سلامتی حضرت علیه السلام صدقه بدهیم؛ قرآن بخوانیم؛ بلکه این روز را روز ابراز محبت و دوستی با امام زمان علیه السلام قرار دهیم، با ایشان درد دل کنیم؛ ندبه کنیم. این روز را روزی قرار دهیم که نسبت به سال‌های پیش، معرفت و محبت ما نسبت به امام زمان علیه السلام بیشتر شود.

○ دکتر سید رضی موسوی گیلانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده آینده روشن): با توجه به قابلیت رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی، می‌توان از طریق وسایل ارتباط جمعی، به ترویج و تبلیغ این روز همت گمارد و از طرفی هم با برنامه‌های فرهنگی از جمله برگزاری جشنواره، سخنرانی، مسابقه کتابخوانی به خصوص با محوریت پیشوایان دین، به نهادینه کردن و تثبیت آن در میان مردم اقدام ورزید.

○ حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی یوسفیان (معاون پژوهش مرکز تخصصی مهدویت): اگر ما بخواهیم نهم ربیع را که نخستین روز امامت امام عصر علیه السلام است، رونق بدهیم لازم‌آش این است که بحث امامت و ظهور و حاکمیت امام عصر علیه السلام را برای مردم به گونه‌ای تبیین کنیم که احساس نیاز در مردم به وجود بیاید. مردم به هر اندازه که به چیزی احساس نیاز کنند، به همان اندازه هم به آن توجه بیشتری می‌کنند و نسبت به آن برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین باید معرفت مردم همراه با شور و نیاز مردم پررنگ شود.

اگر بتوانیم بین نهم ربیع و غدیر پیوند لطیفی برقرار کنیم؛ یعنی این نکته را تفهیم کنیم که حضور در نهم ربیع و بیعت با امام، یعنی حضور در غدیر خم و اگر بتوانیم مراسم بیعت را بازسازی کنیم، کار ارزشمند و خوبی است.

○ **حجت الاسلام والمسلمین خدامراد سلیمیان (استاد و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی):** متأسفانه فرصتی برای شناساندن روز نهم ربیع الاول دست نداده است. این روز آن طور که شایسته است برای علاقه‌مندان به آن حضرت تبیین نشده است، این امر می‌طلبد که فعالیت‌هایی در این زمینه انجام شود؛ اما این تبیین باید به گونه‌ای باشد که باور علاقه‌مندان را تعمیق ببخشد. وقتی این اتفاق افتاد، در واقع حقیقت عیدالزهر را تبیین کرده‌ایم. گاهی عده‌ای دچار نگاه قشری و سطحی به برخی آموزه‌ها می‌شوند، بعضی از کارها و رفتارهایی که انجام می‌دهند بر اساس آموزه‌های اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام نیست؛ آنان از حقیقت غفلت می‌کنند و چرایی بعضی از رفتارهای دینی را نمی‌دانند؛ در برگزاری جشن‌های عیدالزهر، توجه به نکوداشت آغاز امامت امام مهدی علیه‌السلام می‌تواند افق و نگاه گسترده‌تری را پیش روی علاقه‌مندان آن حضرت قرار دهد، به عنوان مثال وقتی از آغاز امامت خرسند می‌شویم که در نهایت، منجر به برانداختن ستمگران شود و این توجه به اصل موضوع امامت ایشان است. اما گاه کسانی هستند که نگاهشان در برگزاری جشن‌های نهم ربیع روی مسائل جزئی می‌رود و متأسفانه این نگاه‌ها چندان به مصلحت شیعه و

پیروان اهل بیت علیهم‌السلام نیست و در این گیر و دار، آن نگاه آرمانی فراموش می‌شود. لازم است کسانی که دغدغه دارند وارد میدان شوند، موجی رسانه‌ای ایجاد شود و رسانه‌های تصویری، شنیداری و نوشتاری در این موضوع حضور جدی پیدا کنند.

○ **حجت الاسلام محمد یوسفیان (مدیر واحد کودک و نوجوان مرکز تخصصی مهدویت):** در این زمینه باید تمام مراکز مهدوی در سراسر کشور برنامه‌ای هماهنگ تنظیم و اجرا کنند؛ مثلاً یک کار خوب این است که زنگ امامت همراه با صبحگاه امامت در مدارس کشور ترویج، تبلیغ و اجرایی شود.

○ **حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر موسوی نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم):** رسانه نقش اساسی می‌تواند ایفا کند. به نظر من همانطور که رسانه درباره واقعه بعثت، غدیر و عاشورا به میدان می‌آید، باید درباره جایگاه امام در عالم هستی و جایگاه امام زمان علیه‌السلام در زمان غیبت، وارد میدان شود. رسالت مهمی بر دوش صدا و سیما و رسانه‌های ماست، سخنرانان ما، مسجدهای ما، دانشگاه‌های ما باید در بسط و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام در روز آغاز امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه‌السلام برنامه‌ریزی ویژه‌ای داشته باشند؛ همانطور که درباره عاشورا و غدیر برنامه‌ریزی می‌کنند.

○ حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا فؤادیان (مؤلف و کارشناس مباحث مهدویت): باید با رسانه ملی، با بخش‌های فرهنگی جامعه و رسانه‌های مختلف اعم از نوشتاری، صوتی و تصویری، نهم ربیع را طوری تبلیغ کنیم که برای مردم شناخته شود و اگر سخنرانان، اهل منبر و اندیشمندان، همه به عنوان یک روز ویژه برای تبلیغ مهدویت در این روز وارد میدان شوند، تأثیرگذار است و از طرف دیگر همه عزیزانی که به امام زمان علیه السلام علاقه دارند، سعی کنند آن روز را مهدوی زندگی کنند. به یاد امام زمان علیه السلام، زندگی کنند؛ اگر کسی شاعر است، با یک شعر؛ اگر نقاش است، با یک نقاشی به یاد امام زمان باشد. کسی که کارمند است، آن روز برای همکارانش شیرینی و شکلات ببرد. اگر کسی بقال است، در محل کسب خود، طوری زندگی کند که مورد رضایت حجت خدا باشد و تعاملش با مشتری‌ها فرق کند. خلاصه امر آنکه همه کسانی که منتظر امام زمان علیه السلام هستند، در روز نهم ربیع، به صورت ویژه زندگی کنند.

○ حجت الاسلام والمسلمین بالادستیان (استاد مرکز تخصصی مهدویت): اگر این روز را به درستی ترسیم کنیم و جایگاه این روز را در میان کل مقاطع تاریخی نه فقط به عنوان یک روز جا بیندازیم، کار بسیار مهمی انجام می‌گیرد. ۱۳۴۰۰۰ پیامبر آمدند و اهداف و دغدغه‌ها و انگیزه‌هایی را دنبال کردند؛ ولی به سبب فراهم نبودن زمینه‌ها قرار بر این

شد که امام مهدی علیه السلام بیاید و اهداف آنها را محقق کند؛ پس اگر ما به مسئله این‌طور نگاه کنیم که این مقطع تاریخی، مقطعی است که خداوند اراده کرده که کسی را بفرستد تا هدف انبیا را محقق کند آن وقت قشنگ می‌شود.

نهم ربیع الاول و غیبت امام علیه السلام به معنی جدا افتادگی آخرین معصوم موجود علیه السلام از متن جوامع بشری تا زمان نجات است.

نهم ربیع الاول را باید در بستر گذار از انسان ۲۵۰ ساله به دوران انسان منتظر ۱۴ قرنه نگریست.

با این دید، وقتی سخن از گاه شمار نهم ربیع الاول می‌شود، توقع می‌رود که از چند ماه پیش تا چند ماه پس از آن روز تاریخی را شامل شود؛ تا در نهایت نهم ربیع الاول نه به عنوان آغازین روز غیبت، بلکه به عنوان آغازین روز انتظار از ولی خدا شناخته گردد.

برای تحقق این مهم در این نوشتار تلاش می‌گردد ابتدا گزارشی از انسان ۲۵۰ ساله ارائه گردد. و سپس گزارشی اجمالی از زندگانی امام عسکری علیه السلام به عنوان آخرین امام دوران حضور ارائه می‌شود. و در نهایت گاه شمار نهم ربیع الاول فراتر از گاه شمارهای موجود، در بستر دورانی ۶ ماهه معرفی می‌گردد.

گاه شماری که ۳ ماه آن، در دوران حضور و حیات امام عسکری علیه السلام و ۳ ماه آن در دوران آغازین امامت امام دوازدهم علیه السلام و آغازین روزهای دوران

۱. انسان ۲۵۰ ساله، نام کتابی با همین عنوان است که از مجموعه سخنرانیهای مقام معظم رهبری تدوین گشته است. دیدگاه معظم له در آن سخنرانی‌ها این است که انسان شیعی انسانی است که در حد فاصل رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا آغاز دوران غیبت به طور مستقیم زیر نظر امامان معصوم علیهم السلام تربیت یافته و رشد کرده و در نهایت، با هویت معارف شیعی شکل گرفته است.

گاه شماری «تایم لاین» نهم ربیع الاول

۲۶۰ هجری

□ محمد رضایی آدریانی^۱

جایگاه نهم ربیع الاول

نهم ربیع الاول، در فرهنگ شیعه از دو جهت شایسته توجه ویژه است: اول؛ از جهت جایگاه تقویمی و فرهنگی این روز، که ناشی از قرار گرفتن آن، بعد از عزاداری محرم و صفر و اعیاد معصومین علیهم السلام است. دوم؛ از جهت تاریخی، قرار گرفتن در مرز دو دوره تاریخی مهم در نگرش شیعی می‌باشد. یعنی، قرار گرفتن، در مرز خاتمیت دوران حضور تاریخی معصومین علیهم السلام در جامعه بشری و شروع دوران غیبت امام معصوم علیه السلام از جامعه و آغاز پرچمداری دینداران شایسته به نیابت از آخرین معصوم علیه السلام می‌باشد.

۱. دانش آموخته مرکز تخصصی مهدویت سطح ۳: a.mohammadrezaei@chmail.ir

غیبت صغری است. و در بستر این گاه شمار توصیفی در کنار ارائه برخی نکات تحلیل تاریخی، می‌توان بهتر و بیشتر به حقیقت و ارزش روز نهم ربیع الاول پی برد و برای پاسداشت آن اقدام کرد.

نگاهی کلی به ادوار امامت در بستر انسان ۲۵۰ ساله

ادیان ابراهیمی، معتقد به شروع تاریخ بشریت با تاریخ نبوت هستند. یعنی اولین انسان خود پیامبری آسمانی بود. و پس از آن تاریخ بشریت، در زیر چتر تاریخ نبوت، آغاز می‌گردد.^۱ شیعه در میان فرقه‌های اسلامی معتقد به امامت امامان دوازده گانه است. لذا از جهت تاریخی هم پیوندی عمیق با تاریخ امامت دارد. تاریخ امامت پس از رحلت پیامبر ﷺ سه مرحله کلی دارد. اول: حضور امامان در جامعه؛ دوم: مرحله غیبت؛ سوم: مرحله ظهور.

سیر و ادوار تاریخ، در اندیشه شیعه

هبوط آدم و حوا		دوران چند هزار ساله رسالت پیامبران					
دوران پیش از پیامبران اوالعزم	دوران پیامبران الهی						
	نوح ﷺ	ابراهیم ﷺ	موسی ﷺ	عیسی ﷺ	پیامبر اسلام ﷺ	۱۱ حضور غیبت ظهور	دوران امامت امامان

دوران حضور امامان در جامعه، از امام علی ﷺ تا امام عسکری ﷺ را شامل می‌شود. این دوران ۲۵۰ سال طول کشیده است. تحلیل گران سیاسی-اجتماعی، این دوران ۲۵۰ ساله را به دوره‌های کوچک تری تقسیم بندی کرده‌اند. البته در فهم دوران ۲۵۰ ساله باید توجه داشت که این نگاه مبتنی بر قرائت شیعی از اسلام است. یعنی نگاهی که معتقد است اسلام پس از رحلت پیامبر ﷺ تبدیل به خلافتی غاصبانه شده است و خط امامت عملاً به دست مدعیان، مسلمانی (خلافت اسلامی) بوده است.

با این نگاه به تقسیم بندی دوران ۲۵۰ ساله می‌پردازیم:^۱

دوره	زمانه	امامان	ویژگی
تلاش برای احیای اسلام	از سال ۱۱ هـ - سال ۶۱ هـ	امام علی ﷺ امام حسن ﷺ امام حسین ﷺ	تلاش برای بازگرداندن اسلام به مسیر درست و هدایت و تعالی تمامی مسلمانان
مکتب سازی	از سال ۶۱ هـ تا ۱۴۸ هـ	امام سجاد ﷺ امام باقر ﷺ امام صادق ﷺ	تلاش برای باز طراحی مستقل فکری مکتب تشیع خصوصاً بر بستر حماسه عاشورا
جامعه سازی	۱۴۸ هـ تا ۲۲۰ هـ	امام کاظم ﷺ امام رضا ﷺ امام جواد ﷺ	تلاش برای طراحی جامعه شیعی بر مبنای اندیشه و ارزشهای شیعی و گسترش جوامع شیعی در جهان
آماده سازی برای غیبت	۲۲۰ هـ تا ۲۶۰ هـ	امام هادی ﷺ امام عسکری ﷺ	تلاش برای آماده سازی جامعه شیعه برای ورود به دوران غیبت و به دور از امامان و تحت رهبری سیستم نائبان امام

۱. یعنی برخلاف روش تاریخ آموزی در تمدن بشری معاصر و حتی در ایران اسلامی که تاریخ بشری بر محور تمدن های سکولار و نظام های حکومتی سکولار شناخته می‌گردد، مبتنی بر نگاه دینی ای که در دعای ندبه هم نظام جامعی یافته، تاریخ با پیامبری آسمانی شروع شده و بر محور پیامبران الهی فراز و فرودهایش تعریف می‌گردد تا زمانی که سرانجام به دین خاتم برسد.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: انسان ۲۵۰ ساله (سخنرانی های مقام معظم رهبری)؛ امام در عنیت جامعه (نوشته محمدرضا حکیمی).

مرحله اول: در این مرحله پس از غصب خلافت، راهبرد احیای اسلام برای تمام مسلمانان است. تلاش خط امامت بازگرداندن مسلمانان و اسلام به مسیر درست خود است. این تلاش در ظرف زمانی ۵۰ سال و توسط سه امام صورت می‌گیرد. این تلاش اگر چه به تجربه ۵ ساله خلافت ظاهری امامان منجر می‌شود، ولی رخداد فتنه‌ها و توطئه‌ها و سستی‌ها و ریزش‌های فراوان خواص و عوام شاهدهی بر نهادینه شدن انحرافات و تحریف‌های خط خلافت در جهان اسلام است. انحراف‌ها و تحریف‌هایی که در نهایت منجر به فاجعه تاریخی عاشورا می‌گردد. عاشورا به مثابه اعلانی رسمی از سوی جامعه انحراف یافته برای فاصله‌گیری همیشه از خط اسلام راستین و از اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام است.

مرحله دوم: این مرحله دوره مکتب‌سازی است. علت طراحی این دوره و جدا شدن رسمی خط تشیع از اسلام ظاهری، رخ دادن عاشورا در سال ۶۱ هـ است. در عاشورا اسلام اموی با قتل عام اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام تلاش کرد اسلام راستین را برای همیشه از بین برده و قرائت تحریف شده و انحرافی از اسلام را برای همیشه در جهان اسلام نهادینه سازد. امامان شیعه، پس از عاشورا تلاش کردند که برای حفظ مکتب حق - به دور از جامعه منحرف شده موجود- نظام و جامعه‌ای جدید را بر بستر حماسه عاشورا پی‌ریزی کنند. این دوران از زمان امام سجاد علیه‌السلام تا زمانه سقوط امویان در سال ۱۳۲ هـ به مدت ۷۲ سال ادامه یافت.

و بدین گونه در زمانه‌ای که خلافت اموی در سال ۱۳۲ هـ (۷۵ م) رو به

نابودی می‌رفت و خلافت عباسی به تدریج جایگزین آن می‌شد، در کنار مکتب غنی و مستقل شیعه انسان‌هایی جدید به وجود آمده و بر الگوی شیعیان راستین اولیه شکل گرفتند، و به توصیه امام در محیط‌های مناسب پراکنده شده و به تبلیغ تشیع پرداختند، تا بتدریج جوامع شیعی با هویت اصیل شکل بگیرد.

مرحله سوم: این دوره جامعه‌سازی امامان شیعه آغاز می‌گردد. دوران ۹۰ ساله‌ای جهت شکل‌گیری جوامع شیعی که پایه گذار آن امام صادق علیه‌السلام در پیچ تاریخی انتقال خلافت از امویان به عباسیان بود و در زمانه ائمه بعد به اوج شکوفایی رسید. در این مرحله برای اینکه این جامعه نوپای شیعه، همانند دیگر جوامع اسلامی، دچار رهاشدگی و سرگردانی و حیرت و گمراهی نگردد، به تدریج به توصیه امامان در هر منطقه افرادی دانشمند و مدیر و مدبر، به عنوان وکیل رابط بین شیعیان و امامان شیعه قرار گرفتند. و بدین گونه بود که سازمان وکالت مدیریت واسطه‌ای بین امامان شیعه و جامعه شیعه را به عهده گرفتند^۱ و به نظم بخشی و انسجام جوامع شیعه در مناطق دور و نزدیک پرداختند. و بدینگونه در زمانی کمتر از صد سال جامعه شیعه در قالب یک جامعه علمی و فرهنگی، رشد نمود.

مرحله چهارم: این مرحله آماده‌سازی برای ورود شیعه به دوران غیبت است. از آنجا که طبق احادیث صحیح شیعه و سنی عدد جانشینان راستین

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: سازمان وکالت، محمد رضا جباری.

پیامبر ﷺ ۱۲ نفر است^۱ و از جهت تاریخی هم در آغاز قرن سوم، زمانه به زمان ولادت امام زمان ﷺ نزدیک می‌شد پس مسئله مهدویت خیلی زود تبدیل به مهمترین مسئله برای جامعه شیعه و حتی برای خلافت عباسی شد. یکی انتظار تحققش را می‌کشید، و دیگری، در وحشت از آن به سر می‌برد.

در این تناقض‌ها مسئله ولادت و ضرورت حفظ از توطئه‌ها و مسئله غیبت مطرح گردید. یعنی دورانی که امام آخرین وجود داشت، و امام از جوامع بشری، غائب می‌گردید تا در یک روند موازی، هم جوامع حق شیعی به نهایت قوت و استحکام ایمانی و معرفتی خود برسد و هم دیگر جوامع بشری در بستر فراز و فرود تاریخی به مرز اضطراب و مطالبه انسان کامل پایانی برسد. در بستر این واقعیات است که تحت رهبری آگاهانه امامان معصوم ﷺ در مرحله پایانی از انسان ۲۵۰ ساله جامعه شیعه برای دوران

۱. در «صحیح مسلم» از «جابر بن سمره» نقل شده که می‌گوید «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ إِثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً - ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَفْهَمْهَا! فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ فَقَالَ: كَلِمَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ!» (صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳).

در «صحیح بخاری» با عبارت مشابهی آمده است، جابر می‌گوید: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم می‌فرمود: «يَكُونُ اِثْنِي عَشَرَ اَمِيْرًا. فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ اَسْمَعْهَا، فَقَالَ اَبِي: اِنَّهُ قَالَ: كَلِمَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ؛ بعد از من دوازده امیر خواهد بود، سپس سخنی فرمود که آن را نشنیدم، پدرم گفت فرمود: همه آنها از قریشند»؛ (صحیح بخاری، ج ۳، جزء نهم، ص ۱۰۱).
در صحیح ترمذی نیز با تفاوت جزئی ذکر شده و ترمذی، بعد از نقل آن می‌گوید: «هذا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ؛ این حدیث نیکوی، صحیح است»؛ (صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۱).

غیبت امام دوازدهم ﷺ آماده می‌شود.

آماری تاریخی، شاهدهی بر پیچیدگی در این دوران است؛ چرا که از دوران ولادت امام جواد ﷺ (در سال ۱۹۵ ه) تا امامت امام زمان ﷺ (در سال ۲۶۰ ه) ۶۵ سال می‌گذرد. در این زمان کوتاه شاهد تولد و امامت چهار امام شیعه هستیم؛ امامانی که تمامی عددهای آماری زندگی آنان همگی روندی کاهشی داشته و بیانگر جدیت عباسیان در مقابله با مهدویت از معبر ظلم و ستم است:

امام	مدت عمر	سن پدر در زمان ولادت	سن در آغاز امامت
امام جواد ﷺ	۲۵ سال	۴۷ سالگی پدر	۷ سالگی
امام هادی ﷺ	۴۳ سال	۱۷- ۱۸ سالگی پدر	۸ سالگی
امام عسکری ﷺ	۲۸ سال	۲۰ سالگی پدر	۲۲ سالگی
امام زمان ﷺ		۲۳ سالگی پدر	۵ سالگی

ولی در برابر این ظلم فزاینده، امامان شیعه با ساماندهی سازمان وکالت، جامعه شیعه را برای زندگی در دوران غیبت امام ﷺ آماده می‌سازند. این دوران به علت شدت و سختی، تنها ۴۰ سال طول می‌کشد تا انسان ۲۵۰ ساله سرانجام آماده ورود به دوران غیبت و انتظار می‌شود.

دوران امامت امام عسکری ﷺ

خلافت عباسی در وحشت از مسئله مهدویت در سال ۲۳۴ ه امام هادی ﷺ و فرزند دوساله اش امام عسکری ﷺ را (که در سال ۲۳۲ ه در مدینه متولد شده بود) به سامرا فراخواند. این اقدام به دستور خلیفه وقت

عباسی متوکل، انجام شد.^۱ سامرا پایتخت جدید عباسیان و شهری نظامی بود که در سال ۲۲۰ ه در شمال بغداد ایجاد گردید و محل اسکان لشکریان خلافت شد.^۲ با این خصوصیت شهر سامرا تبدیل به یک جامعه نظامی - اطلاعاتی کامل گردید که وقتی فردی بدان تبعید می‌شد، به طور طبیعی در یک سیستم مشاهده و مراقبت اطلاعاتی کامل قرار می‌گرفت.

با این تدبیر، الگوی اطلاعاتی خلافت نسبت به امامان شیعه علیهم‌السلام از الگوی جاسوسی از راه دور به مراقبت و نظارت و کنترل اطلاعاتی مستقیم و همه جانبه تغییر جهت داد. لذا به دستور متوکل عباسی، امام هادی علیه‌السلام و خانواده اش در نزدیکی قصر، اسکان داده شدند.

اهداف حصر امامان

مهمترین اهدافی که از حصر امامان علیهم‌السلام دنبال می‌شد، موارد زیر بود:

۱. کنترل همه‌جانبه از زندگی امام؛
۲. قطع ارتباط با جامعه شیعه و یا کند شدن ارتباط مستقیم شیعیان با امام؛

۳. نظارت و مراقبت از تولد فرزند امام.

در ادامه این راهبرد، تلاش برای نفوذ مستقیم به منزل امام علیه‌السلام از طریق فریب یکی از فرزندان امام هادی علیه‌السلام به نام جعفر که دچار لغزش و همراهی

۱. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۱۱.

۲. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۲ - ۱۷۳.

با عباسیان می‌گردد، اجرا می‌شود. و در ادامه سید محمد فرزند دیگر امام هادی علیه‌السلام که از حیث تقوا و ایمان مورد توجه جامعه است، در سال ۲۵۲ ه در جوانی به گونه‌ای مشکوک در بازگشت از سفر حج و در میانه راه رحلت می‌کند^۱ و در نهایت پس از گذشت نزدیک به بیست سال از اقامت امام هادی علیه‌السلام در سامرا وقتی دستگاه خلافت مشاهده می‌کند باعث محبوبیت روزافزون امام علیه‌السلام گردیده است، در وحشت از گسترش نفوذ اجتماعی امام، ایشان را در سال ۲۵۴ ه به شهادت می‌رساند.

امامت امام عسکری علیه‌السلام دورانی ۶ ساله است که با سه خلیفه عباسی هم زمان است. به همین دلیل است که امام عسکری علیه‌السلام در دوران امامتش حداقل سه مرتبه و هر مرتبه از سوی تک تک آن خلفای سه گانه به زندان افتاد و تهدید به قتل گردید و تا مرحله اجرای حکم هم پیش می‌رود، ولی تنها شورش نظامیان و یا عجز و نیاز خلیفه است که باعث خنثی شدن آن نقشه‌های شوم می‌گردد. برای فهم بهتر واقعیات این دوران به اجمال با گاه شمار رویدادهای مهم این دوران آشنا گردیم:

سال	خلیفه	رویداد
۲۵۴ ه	معتز	شهادت امام هادی <small>علیه‌السلام</small> در ماه رجب و آغاز امامت امام عسکری <small>علیه‌السلام</small> - پیدایش فرقه انحرافی نصیری به پس از شهادت امام هادی <small>علیه‌السلام</small> - تکوین نطفه امام موعود <small>علیه‌السلام</small> در حوالی ماه ذی قعدة - اعتراض قمی‌ها به ظلم و ستم خلافت بر شیعیان قم

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۴۶.

سال	خلیفه	رویداد
۲۵۵ هـ	معتز	- سرکوب قیام قمی‌ها در آغاز این سال توسط موسی بغا و مفلح ترک و استغاثه آنان به امام عسکری <small>علیه السلام</small>
	مهتدی	- امام در زندان معتز - قیام صاحب الزنج و سرگردانی خلافت - قتل معتز و خلافت مهتدی و آزادی امام عسکری <small>علیه السلام</small> در اواخر ماه رجب - تولد مخفیانه امام موعود <small>علیه السلام</small> - برنامه‌های امام برای اطلاع رسانی مخفیانه ولادت در سامرا و عراق و خصوصا برای شیعیان قم
۲۵۶ هـ	مهتدی	- امام در زندان مهتدی همراه جمعی از شیعیان - عزم مهتدی بر قتل امام - قتل مهتدی به دست ترکان و آزادی امام
۲۵۷ هـ	معمد	اوج گیری فتنه صاحب الزنج و مشغول شدن خلافت به آن
		- اولین سفر قمی‌ها به سامرا به سرپرستی احمد بن اسحاق قمی - قیام دیگری از سوی قمی‌ها و سرکوبی مجدد آنان توسط مفلح ترک
۲۵۹ هـ		- امام در اواخر این سال از مادرش خواست که فرزندش را مخفیانه به حجاز و مدینه ببرد - امام در زندان معمد - خشکسالی و فتنه افروزی نصارا برای نماز باران و پناه بردن خلیفه به امام و آزاد شدن امام از زندان و رفع حیرت از مسلمانان - گسترش روز افزون محبوبیت امام
	۲۶۰ هـ	- بازگردانده شدن فرزند به سامرا و بیعت گیری امام از ۴۰ نفر از وکلای شیعه - شهادت امام <small>علیه السلام</small> در آغازین روزهای سومین ماه این سال (ربیع الاول)

همانگونه که در این جدول گاه شماری مشاهده می‌شود، هم امام و هم شیعیان و به ویژه قمی‌ها در این سال‌ها روزگاری به شدت سخت را سپری می‌کنند. و این برآمده از سیاست‌های نظامی - اطلاعاتی ویژه خلافت است؛ چرا که در این دوران، دستگاه خلافت پس از مشاهده تمامی ناکامی‌هایش، در مسئله نابودی خط امامت و مکتب تشیع، نگران است که ائتلاف امام موعود با قدرت اجتماعی شیعه به براندازی آنان منجر شود. چیزی که این باور را سهل می‌کند شکنندگی خلافت در آن سال‌ها در برابر قیام صاحب الزنج و قیام یعقوب لیث صفاری است. بدین جهت عباسیان، در یک سیاست موازی هم بر امام و هم بر تمامی مراکز قدرت شیعه به شدت سخت می‌گیرند و برای پیشبرد اهدافشان دستگاه و نظام اطلاعاتی - امنیتی ویژه‌ای را در برابر امام و جامعه شیعه ایجاد می‌کنند.

مهم‌ترین اقدامات عباسیان در این دوران

۱. ایجاد سیستم جاسوسی پیچیده و چند لایه: بدین معنی که در این دوران، تمامی گروه‌های جمعیتی پیرامونی و مرتبط با امام نقش خبرگیری از منزل و روابط امام را به عهده می‌گیرند. این نظام جاسوسی چند لایه شامل این گروه‌ها می‌شود:

فضای شهری سامرا، نظام اجتماعی همسایه‌ها، نظام شغلی اصناف خصوصا اصنافی که می‌توانند با بانوان منزل در تماس مستقیم باشند (قابله) و نظام روابط فامیلی (جعفر).

گسترده‌گی نظام جاسوسی، چنان است که وقتی دستگاه خلافت، در

مواجهه با امام احساس ناکامی می‌کند، ایشان را در سامرا همراه برخی از شیعیان زندانی می‌کند، در زندان هم در میان زندانیان بر امام جاسوس می‌گذارد.^۱

۲. تلاش برای قطع تمامی ارتباط‌های امام با جامعه شیعه؛ از این رو رفت و آمد امام علیه السلام هر دوشنبه و پنج شنبه به قصر خلیفه منحصر می‌شود، تا در این حضور، امام به گونه‌ای غیر مستقیم و پیوسته تعهد عدم ارتکاب اقدام ضد حکومتی بدهد. در این دو روز مسیر کوتاه بین منزل امام تا قصر چنان آکنده از جاسوسان می‌گردد تا هر کس به امام ابراز علاقمندی کرد یا نشانی از تشیع داشت به سرعت دستگیر گردد.^۲

۳. فشار بی‌حد و حصر به شیعیان، به گونه‌ای که شهر قم در ادامه سیاستی که از دوران مأمون آغاز شده بود، موظف به پرداخت مالیاتی مضاعف می‌شود. و هر گاه اعتراضی رخ می‌دهد، به شدت سرکوب گشته و حاکمی خشن‌تر از پیش برای آن دیار منصوب می‌گردد. تشدید این رویدادها در اولین سال امامت امام عسکری علیه السلام باعث شد قمی‌ها مخفیانه دست به دامان امام گردند. کشتار و آزار بر قمی‌ها در این زمانه، هم در آغاز سال ۲۵۵ هـ و سال ۲۵۸ هـ رخ می‌دهد.

۴. شدت مراقبت و تجسس در شهر بغداد هم تا بدان حد است که در سال ۲۵۶ هـ امام همراه برخی از شیعیان و وکلایش در بغداد که شناسایی و

دستگیر شده‌اند، به زندان می‌افتد.^۱ و این رویداد در سابقه دستگاه وکالت کم نظیر است، که با تمامی پنهان کاری‌ها و تجربه ورزی‌ها، در نهایت برخی از اعضای آن شناسایی و دستگیر شوند. اگرچه دستگیری آنان نفع اطلاعاتی‌ای برای دستگاه خلافت نداشته است.

در این فضای به شدت امنیتی تصور به زندان رفتن امام از همه شگفت‌تر است. بنابر بعضی از گزارش‌ها معتز، خلیفه عباسی اقدام به شهادت امام هادی علیه السلام می‌کند. او کمتر از یکسال از آغاز امامت امام عسکری علیه السلام تمامی برنامه‌های بالا را به اجرا می‌گذارد. ولی در وحشت از مسئله ولادت امام موعود، برخی رویدادهای اجتماعی را بهانه کرده و در نهایت امام را همراه با برخی از شیعیان دستگیر شده در بغداد و سامرا، در شهر سامرا به زندان می‌افکند.^۲

مطالعه زندگی امام نشان می‌دهد که آن حضرت در ۶ سال امامت خود سه مرتبه به زندان افتاده است.^۳ زمانه و عامل زندان‌های امام و سرانجام آن به شرح زیر است:

۱. الغیبیه، طوسی، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۲۰۸، ح ۱۷۷.

۳. حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۵۴۲.

۱. موسوعه الامام العسکری، ج ۲، ص ۱۲۵؛ الخرائج راوندی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ص ۵۴۶.

امام عسکری علیه السلام در زندان

زمانه	سال ۲۵۴ ه	سال ۲۵۶ ه	اواخر سال ۲۵۹ ه
خلیفه	توسط معتز پیش از تولد امام زمان <small>علیه السلام</small> به بهانه همکاری با برخی شورشیان	به دستور مهتدی	به دستور معتمد
چگونگی پایان	قتل معتز به نفرین امام و آزادی توسط خلیفه جدید	قتل مهتدی به نفرین امام و آزادی توسط خلیفه جدید	آزادی از زندان به واسطه عجز خلیفه در زمانه خشکسالی و نیرنگ نصاری برای دعای باران و نیاز به امام جهت حفظ کیان اسلام و خلافت اسلامی

این وضعیت بدین معنا است که حکومت عباسی، با اجرای اختناق سیاسی و انجام حصر بسیار شدید اجتماعی و ایجاد سیستم اطلاعاتی فراگیر و حتی ایجاد زندان در شهری نظامی که به معنی نهایت حصر و مراقبت و کنترل است، تلاشی عجیب برای به انفعال کشاندن امام در کنار شناسایی و ضربه زدن به کیان تشیع و جلوگیری از مسئله مهدویت را به اجرا گذاشته است. امام عسکری علیه السلام در این مقطع حساس به جنگ نرم مبتنی بر دعا و استغاثه خاص به درگاه حق و بهره گیری از امدادهای غیبی (هم برای خود و هم برای شیعیان قم) رو می آورد؛ مانند نفرین کردن خلفای عباسی و به درک واصل شدن آن‌ها.

گاه شمار نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه در ظرف زمانی ۶ ماهه:

بنابر آنچه که در مباحث پیشین دانسته شد، سال ۲۵۹ ه باید یکی از سال‌های سخت بر امام و جامعه شیعه از جهت فزونی بیش از حد آزارها و فشارها باشد. بدین جهت در این مرحله گاه شمار سه ماهه پایانی دوران امامت ارائه می‌گردد تا این واقعیت کشف گردد. و آنگاه در ادامه برای آشنائی با چگونگی گذار شیعه از دوران سخت آخرین آغاز امامت و سربلندی تاریخی آنان با وجود تمامی فتنه‌ها و دسیسه‌ها گاه شمار سه ماهه آغازین دوران امامت امام مهتدی علیه السلام ارائه می‌گردد.

البته مباحث پیش رو شامل دو مرحله است. ابتدا گاه شمار توصیفی در دو مرحله ارائه می‌گردد و سپس نکات تحلیلی در پایان هر مرحله ارائه می‌شود. در ضمن یاد آوری می‌گردد که جدول‌های گاه شماری شامل سه بخش سفید و سیاه و خاکستری^۱ است.

۱. منظور از خاکستری، جریان‌ها و یا شخصیت‌های شیعی و یا معتدل اسلامی ای هستند که در موقعیتی خاص دچار لغزش شده، ولی در نهایت در مسیر حق بوده‌اند. همانند تمام شاگردان علمی ای که گاه نسبت به برخی از احکام به ائمه معترض می‌بودند و یا در آغاز امامت برخی از ائمه دچار شک و شبهه بوده ولی در نهایت به صراط مستقیم بازمی‌گشته‌اند.

الف: گاه شمار سه ماهه پیشا نهم ربیع الاول

ذیحجه سال ۲۵۹ ه	
سفید	مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small> به سامرا آمده و به دستور امام ماموریت می‌یابد که با عنوان سفر حج حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> را موقتاً به حجاز ببرد (اولین سفر حج آن حضرت).
	امام از شهادت خود به ابوهاشم جعفری (از خواص یاران امام و از بزرگان شیعه و سرپرست علویان عراق و رابط آنان با دستگاه خلافت) خبر می‌دهد.
	امام به احمد بن مصقله (یکی از شیعیان) خبر از حیرت شیعه در آینده نزدیک می‌دهد. ^۱
	امام توسط خلیفه معتمد به زندان افتاده و زندانبانش فردی به نام علی جرین است که گاه امام را میان حیوانات درنده قرار می‌دهد، ولی امام به سلامت می‌ماند.
	خشکسالی در این سال در جغرافیای اسلامی و خصوصاً در عراق و حجاز بیداد می‌کند، پس شیعه جنوب عراق (سواد العراق) به امام متوسل شده و در نهایت به داعی که امام به آنان می‌آموزد بر ایشان باران می‌بارد. ^۲
سیاه	خشکسالی و قحطی آخر این سال خصوصاً در عراق و حجاز و ایران.

خاکستری	در اواخر این سال امام به دستور معتمد به زندان می‌افتد به گونه‌ای که کسانی که به قصد حج وارد عراق می‌شدند امیدی به دیدار امام ندارند. ^۱
	در اواخر این سال امام و کیلی به نام ایوب بن ناب به منطقه نیشابور می‌فرستند. ولی معاشرت او با غلات موجب مخالفت فضل بن شاذان از علمای معروف شیعه در منطقه با او شده و امر وکالت و نظام جامعه شیعه در منطقه را دچار تزلزل می‌کند.
	پس امام ابتدا فردی دیگر را به نام ابراهیم بن عبده نیشابوری جایگزین او در وکالت کرده تا مسئله وکالت در منطقه تقویت گردد. و سپس امام در دیدار با یکی از شیعیان نیشابور به نام اسماعیل بن اسحاق نامه‌ای خطاب به شیعه منطقه نوشته و از او می‌خواهد که این نامه را به تمامی وکلایش در عراق و خراسان نشان داده و بر شیعه منطقه بخواند تا ثبات و اطمینان به جامعه شیعه بازگردد. ^۲

محرم سال ۲۶۰ ه	
سفید	ماجرای فتنه نصاری در نماز باران و ایجاد شک و حیرت در جامعه و ناچار شدن معتمد در متوسل شدن به امام عسکری <small>علیه السلام</small> . ^۳

۱. «فَقَالَ لَهُ بُورِقٌ: خَرَجْتُ حَاجًّا فَأَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيْسَى الْعُبَيْدِيَّ، وَ رَأَيْتُهُ شَيْخًا فَاضِلًا فِي أَنْفِهِ عَوْجٌ وَ هُوَ الْقَنَّا، وَ مَعَهُ عِدَّةٌ رَأَيْتُهُمْ مُعْتَمِنِينَ مَحْزُونِينَ، فَقُلْتُ لَهُمْ: مَا لَكُمْ؟ قَالُوا: إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام قَدْ حَبَسَ. قَالَ بُورِقٌ: فَحَصَّجْتُ وَ رَجَعْتُ ثُمَّ أَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيْسَى، وَ وَجَدْتُهُ قَدْ أَنْجَلَنِي عَنْهُ مَا كُنْتُ رَأَيْتُ بِهِ، فَقُلْتُ: مَا الْخَيْرُ؟ قَالَ: قَدْ خَلَّى عَنْهُ. قَالَ بُورِقٌ: فَخَرَجْتُ إِلَى سَرِّ مَنْ رَأَى»؛ (رجال کشی، ص ۵۳۸).

۲. نک: سازمان وکالت، محمد رضا جباری، ج ۲ در ذیل اسامی فوق.

۳. یک سال در سامرا قحطی سختی پیش آمد. معتمد، خلیفه وقت، فرمان داد مردم به نماز استسقا (طلب باران) بروند. مردم سه روز بی در پی برای نماز به مصلاً رفتند و دست به دعا بر داشتند، ولی باران نیامد. روز چهارم جائلیق، بزرگ اسقفان مسیحی، همراه مسیحیان و...

۱. «أحمد بن مصقله، قال: دخلت على أبي محمد عليه السلام فقال لي: يا أحمد! ما كان حالكم فيما كان الناس فيه من الشك والارتياب؟... ثم أمر أبو محمد عليه السلام والدته بالحج في سنة تسع وخمسين ومائتين، و عرفها ما يناله في سنة ستين...»؛ (موسوعة الإمام العسکری عليه السلام، ج ۱، ص ۳۳۵ و ص ۳۲۰).

۲. «أبو جعفر الطبري رحمه الله: دخل على الحسن بن علي عليه السلام قوم من سواد العراق يشكون قلة الأمطار، فكتب لهم كتابا، فأمطروا، ثم جاءوا يشكون كثرتة، فختم في الأرض، فأمسك المطر»؛ (موسوعة الإمام العسکری، ج ۱، ص ۳۷۶).

آزادی امام از زندان در اول این سال به واسطه نیاز خلافت برای رفع شبهه و حیرت از جامعه اسلامی.	
در اوائل این سال یکی از وکلای با سابقه به نام عروه بن نحاس دهقان، دچار انحراف شده و با چپاول اموال امام بنای طراحی فتنه‌ای جدید را دارد، ولی با	سیاه

→

راهبان به صحرا رفت. یکی از راهبان هر وقت دست خود را به سوی آسمان بلند می‌کرد بارانی درشت فرو می‌بارید. روز بعد نیز جاثلیق همان کار را کرد و آنقدر باران آمد که دیگر مردم تقاضای باران نداشتند، و همین امر موجب شگفتی مردم و نیز شک و تردید و تمایل به مسیحیت در میان بسیاری از مسلمانان شد. این وضع بر خلیفه ناگوار آمد و ناگزیر امام را که زندانی بود، به دربار خواست و گفت: امت جدت را دریاب که گمراه شدند!

امام فرمود: از جاثلیق و راهبان بخواه که فردا سه شنبه به صحرا بروند. خلیفه گفت: مردم دیگر باران نمی‌خواهند، چون به قدر کافی باران آمده است، بنابراین به صحرا رفتن چه فایده‌ای دارد؟ امام فرمود: برای آنکه ان شاء الله تعالی شک و شبهه را برطرف سازم.

خلیفه فرمان داد پیشوای مسیحیان همراه راهبان سه شنبه به صحرا رفتند. امام عسکری علیه السلام نیز در میان جمعیت عظیمی از مردم به صحرا آمد. آنگاه مسیحیان و راهبان برای طلب باران دست به سوی آسمان برداشتند. آسمان ابری شد و باران آمد. امام فرمان داد دست راهب معینی را بگیرند و آنچه در میان انگستان اوست بیرون آورند. در میان انگستان او استخوان سیاه فامی از استخوانهای آدمی یافتند. امام استخوان را گرفت، در پارچه‌ای پیچید و به راهب فرمود: اینک طلب باران کن! راهب این بار نیز دست به آسمان برداشت، اما به عکس ابر کنار رفت و خورشید نمایان شد! مردم شگفت زده شدند. خلیفه از امام پرسید:

این استخوان چیست؟

امام فرمود: این استخوان پیامبری از پیامبران الهی است که از قبور برخی پیامبران برداشته‌اند و استخوان هیچ پیامبری ظاهر نمی‌گردد جز آنکه باران نازل می‌شود. خلیفه امام را تحسین کرد. استخوان را آزمودند، دیدند همان طور است که امام می‌فرماید.

این حادثه باعث شد که امام از زندان آزاد شود و احترام او در افکار عمومی بالا رود. در این هنگام امام از فرصت استفاده کرده و آزادی یاران خود را که با آن حضرت در زندان بودند، از خلیفه خواست و او نیز خواسته حضرت را به جا آورد. *(آیات الهداة، الحر*

العالمی، ج ۵، ص ۴۷)

نفرین امام به سرعت مرگش فرا رسیده و جامعه شیعه از فتنه‌ای جدید در آستانه دوران غیبت نجات می‌یابد. ^۱	
در اوائل این سال فضل بن شاذان در نیشابور رحلت می‌کند و امام در دیدار با یک شیعه خراسانی که در بازگشت از حج به دیدارش آمده، خبر از ارتحال او در همان روزها می‌دهد. ^۲	
در آغاز همین سال امام پس از آزادی از زندان، در جلسه‌ای خصوصی با حضور ۴۰ نفر از شخصیت‌های برجسته شیعه، هم به معرفی فرزند پرداخته و هم از آغاز دوران غیبت صغری در آینده‌ای نزدیک خبر داد و در نتیجه عثمان بن سعید و محمد بن عثمان بن سعید را به عنوان دو نائب اول امام موعود <small>علیه السلام</small> در دوران غیبت معرفی می‌کند. ^۳	
	خاکستری

۱. ابو محمد علیه السلام خزانه‌ای داشت که ابوعلی بن راشد خزانه‌دار بود و آن خزانه تسلیم عروه شد و او هر چه را خواست برای خودش برداشت و بقیه را آتش زد و بدین وسیله حضرت ابو محمد خشمگین شد و او را لعنت کرد و بر او نفرین نمود و همان روز و همان شب خداوند مهلتش نداد، و راهی آتش دوزخ کرد، امام علیه السلام فرمود: «امشب در پیشگاه پروردگارم چنین و چنان نشستی داشتی و هنوز سفیده صبح ندیده بودی و آن آتش خاموش نشده بود که خداوند عروه را - که خدا لعنتش کند - از پا درآورد و کشت»؛ *(رجال کشی، ص ۵۷۴)*.

۲. «قال: فأتیته فجری ذکر الفضل بن شاذان رحمه الله، فقال بورق: ... فدخلت علی أبی محمد علیه السلام... فقلت له: الفضل بن شاذان شدید العلة... فقال علیه السلام: نعم! رحم الله الفضل. قال بورق: فرجعت، فوجدت الفضل قد توفی فی الأيام التي قال أبو محمد علیه السلام رحم الله الفضل»؛ *(موسوعه الامام العسکری علیہ السلام، ج ۱، ص ۲۶۸)*.

۳. *الغیبه، طوسی، ص ۳۵۳*.

صفر سال ۲۶۰ ه	
سفید	امام در آغاز این سال به معرفی برخی از نشانه‌های تشیع در آستانه غیبت می‌پردازد... کاروانی از قم و اطراف آن با مدیریت احمد بن داود قمی و محمد بن عبدالله طلحی به سمت سامرا راه می‌افتد، ولی کمی پس از راه افتادن نامه‌ای از امام بدان‌ها می‌رسد مبنی بر نزدیک شدن شهادتش و از آنان می‌خواهد که بازگردند و منتظر دستور جانشین اش باشند. ^۱ آخرین دیدار حکیمه خاتون با امام عسکری <small>علیه السلام</small> در منزل ایشان در حالی که فرزند ایشان هم حضور دارند. ^۲
سیاه	۲۳ صفر: امام و فرستادن ابوالادیان خادم به عنوان پیک و نامه رسان به سوی شیعیان مدائن و خبر دادن از طول سفر که ۱۵ روز طول کشیده و در روز شهادتش به سامرا باز می‌گردد و نشانه‌های امامت فرزندش را خواهد دید. بی قراری مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small> در مدینه به واسطه نزدیک شدن زمانی که فرزندش برای شهادت خود به مادر پیشگوئی کرده بود.
خاکستری	

هفته اول ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ ه تا زمان شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small>	
سفید	گزارشی از پرستاری عثمان بن سعید از امام در دوران بستری. انتشار خبر بیماری سخت امام در عراق و اهتمام برخی از شیعیان (خصوصاً در بغداد که مرکز شیعه در عراق بود) برای رساندن خود به سامرا برای انجام آخرین دیدار با آن حضرت و یا مواجهه با جانشین ایشان (بنا بر اصلی که از اهل بیت فراگرفته بودند که: بر امام جز امام معصوم نماز نمی‌گذارد). ابو طاهر محمد بن علی بلالی، از وکلای امام بود که می‌گوید امام سه روز پیش از شهادتش با فرستادن توقیعی جانشین خود را مجدداً به من معرفی کرده و بر منکر وصایت او لعنت فرستاده بود. امام در شب شهادتش نامه‌هایی چند برای مدینه (احتمالاً خطاب به مادرش و اندک شیعه مدینه) نوشتند. ^۳ در شب شهادت امام تنها عقید خادم و بانویی به نام صقیل (و در لحظه شهادت فرزندش هم) حاضر بوده‌اند.
سیاه	مسموم شدن امام در اول این ماه به دستور معتمد خلیفه عباسی. ^۳ به مجرد انتشار خبر بیماری امام، معتمد خلیفه عباسی گروهی ۵ نفره از خواص خود از جمله تحریر، آخرین زندانبان امام را در منزل امام مستقر کرد. و در ضمن پزشکان مخصوصش را هم به بالین امام فرستاد. از قاضی القضاة ابن ابی الشوارب هم خواست ۱۰ نفر از معتمدین را بر منزل امام بگمارد تا در آینده از شاهدان ارتحال طبیعی امام باشند.
خاکستری	

۱. «ابن شعبه الحرّانی رحمه الله: و قال علیه السلام لشیعته فی سنة ستین و مائتین: أمرناکم بالتختم فی الیمین، و نحن بین ظهرانیکم، و الآن نأمرکم بالتختم فی الشمال، لغیبتنا عنکم إلی أن یظهر الله أمرنا و أمرکم، فإنه من أدلّ دلیل علیکم فی ولایتنا - أهل البيت - فخلعوا خواتیمهم من أیمانهم بین یدیه و لبسوها فی شمائلهم. و قال علیه السلام لهم: حدّثوا بهذا شیعتنا»؛ (تحف العقول، ص ۴۸۸، س ۱۲؛ وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۸۱، ح ۵۹۷۸؛ بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۳، ح ۱۶).
۲. موسوعه الامام العسکری علیه السلام، ج ۳، ص ۴۴۲ از الهدایه الکبری نوشته الخصیبی.
۳. «قالت حکیمه: فلم أزل أری ذلک الصبیّ فی کلّ أربعین یوما إلی أن رأیته رجلاً قبل مزیّ أبی محمد علیه السلام بأیام قلائل، فلم أعرفه»؛ (موسوعه الامام العسکری علیه السلام، ج ۱ ص ۵۴).
۴. «فلما کان فی صفر سنة ستین و مائتین أخذها المقیم و المقعد و جعلت تخرج فی الاحابین الی خارج المدینة تجسس الأخبار حتی ورد علیها»؛ (ثبات الوصیة، المسعودی، ص ۲۵۳).

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۸۵: بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ لَا یَغْسِلُهُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۸: بَابُ أَنَّ الْإِمَامَ لَا یَغْسِلُهُ وَ لَا یدْفَنُهُ إِلَّا إِمَامٌ وَ بَعْضُ أَحْوَالِ وَفَاتِهِمْ.
۲. «الشیخ الصدوق رحمه الله: و وجدت مثبتاً فی بعض کتاب المصنّفه فی التواریخ، و لم أسمعہ إلا عن محمد بن الحسین بن عبّاد أنه قال: مات أبو محمد الحسن بن علی علیه السلام یوم جمعة مع صلاة الغداة، و کان فی تلك اللیلة قد کتب بیده کتبا کثیرة إلی المدینة»؛ (موسوعه الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۸).
۳. «أبو علی الطبرسی رحمه الله: و کان مرضه علیه السلام الذی توفی فیهِ فی أوّل شهر ربیع الأوّل سنة ستین و مائتین»؛ (موسوعه الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۲).

روز شهادت امام در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ ه	
سفید	شهادت امام در سحرگاه این روز. ^۱ انتقال مقام عظیم امامت به امام موعود به هنگام شهادت پدر و انتقال موارثت عظیم معنوی و علمی و ملکوتی نبوت و امامت به آن حضرت. غسل و کفن امام در ظاهر توسط عثمان بن سعید و کیل آن حضرت صورت گرفت. اعلان عزای عمومی در شهر و تعطیلی کامل شهر و حضور خلیفه و درباریان و مردم شهر به درب منزل امام. ماجرای نماز گزاردن بر پیکر مطهر امام در داخل منزل در جمع شیعیان و تلاش جعفر برای اقامه نماز و اعلان جانشینی خود بدینگونه و بهت و حیرت شیعیان و واهمه از انجام واکنش به علت در محاصره بودن منزل. بازگشت ابوالادیان در میانه حوادث و در آستانه آماده شدن پیکر مطهر برای نمازگزار و شگفتی او از ادعای جعفر برای امامت در نماز و امامت شیعه. حضور ناگهانی و شگفت انگیز کودکی ۵ ساله و اقامه نماز در وقار و هیبتی که همه را به خود جذب نموده و ناپدید شدن سریع ایشان، نمازگزارای که نشانی آشکار برای مسئله جانشینی نزد شیعه شد و موجب ناکامی و خشم و درماندگی جعفر گردید.

انتقال پیکر مطهر برای نماز گزاری و تشییع به بیرون منزل و تلاش دستگاه تبلیغی خلافت به کمک پزشکان و قاضی و... برای تثبیت ارتحال امام به صورت طبیعی. دفن پیکر مطهر در جوار مرقد پدر مظلومش در داخل منزل اهل بیت <small>علیهم السلام</small> پس از دفن امام، یکی از خادمان امام به صورت خصوصی نزد برخی از شیعه که آنجا آمده و اموالی آورده که به جانشین بر حق امام بدهند رفته و ضمن خبر دادن غیبی از دارائی همراه آنان به جمع آوری اموال موجود به نیابت از امام غائب می پردازد.	
سیاه	پس از مراسم دفن، جستجو و تفتیش دقیق و فراگیر توسط ماموران حکومتی جهت یافتن فرزند احتمالی و استفاده از قابله‌ها برای بررسی احتمالی اندک کنیزان منزل امام و ناکامی آنان در یافتن نشانی از هر گونه فرزندی. خوش خدمتی «جعفر» در رفتن سریع په دربار و دادن گزارشی مبنی بر رویت شدن و یا احتمال وجود کودکی در منزل امام، پس خلیفه دستور می‌دهد که بر خدمه منزل امام به شدت سخت بگیرند و در نهایت بانویی با نام «صقیل» برای رد گم کردن ادعای حملی احتمالی را می‌نماید و بلافاصله به دستور قاضی ابن ابی الشوارب دستگیر شده و به منزل او انتقال یافته تا تحت کنترل و مراقبت ویژه قرار بگیرد.

۱. ابو عیسی فرزند متوکل به دستور معتمد جلو افتاد و بر پیکر امام نماز خواند. پس از پایان نماز کفن را از رخسار امام کنار زد و به علویان و عباسیان، سرداران سپاه، دبیران دیوان، رؤسای ادارات دولتی، قاضیان و پزشکان نشان داد و گفت:
«این حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام است که به مرگ طبیعی در بستر خود و در برابر کارگزاران امیر المؤمنین و افراد مورد اعتماد مانند فلانی و فلانی و این قاضیان و پزشکان، جان سپرده است!». موسوعه الامام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۸.
۲. «قال: فخرج الخادم، فقال: معکم کتب فلان و فلان (و فلان)، و همیان فیہ ألف دینار و عشرة دنانیر، منها مطلیة. فدفعوا إلیه الكتاب و المال و قالوا: الذی وجّه بک لأخذ ذلک هو الإمام»؛ (موسوعه الامام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۳۵۹، از کمال الدین).
۳. «دخل جعفر بن علیّ علی المعتمد، و کشف له ذلک فوجّه المعتمد بخدمه فقبضوا علی صیقل الجاریة، فطالبوها بالصبیّ، فأنکرته، و ادّعت حبلا بها لتغطی حال الصبیّ»؛ (النزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، ج ۱، ص ۳۳۱).

۱. «الشیخ الصدوق رحمه الله... عن محمد بن الحسین بن عیاد أنّه قال:... مات أبو محمد الحسن بن علیّ علیه السلام یوم جمعة مع صلاة الغداة»؛ (موسوعه الامام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۸).
۲. در این زمینه رک : بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۹۱، باب ۳ : باب ان الامام متی یعلم انه امام و باب ۴: باب الوقت الذی یعرف الامام الاخیر ما عند الاول.
۳. «الشیخ الطوسی رحمه الله... عن ابي نصر هبة الله [بن محمد] بن أحمد الکاتب ابن بنت ابي جعفر العمري... أنّه لما مات الحسن بن علیّ علیه السلام حضر غسله عثمان بن سعید رضی الله عنه و أرضاه، و تولی جمیع أمره فی تکفینه، و تحنيطه، و تقبیره مأمورا بذلك...»؛ (موسوعه الامام العسکری، ج ۵، ص ۲۴۷).

هجوم خدمه و غلامان جعفر به منزل و غارت اموال و مصادره منزل امام و اسیر گرفتن خدمه منزل امام به ادعای تنها وارث منزل امام بودن.
خاکستری
در این سال در شهرهای اسلام گرانی سختی اتفاق افتاد.

ب: سه ماهه پسا نهم ربیع الاول

ادامه ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ ه	
سفید	<p>مهاجرت همیشگی عثمان بن سعید و خاندانش با عنوان نائب اول پس از سال‌ها زندگی در سامرا، به بغداد و مستقر شدن در این شهر (در محله شیعه نشین کرخ) که دارای بزرگترین اقلیت شیعه در عراق و مرکز بزرگان شیعه بود.</p> <p>ورود کاروان شیعه قم و منطقه جبال به سامرا در همان آغازین روزهای پس از رحلت امام عسکری <small>علیه السلام</small> و در زمانی که اوضاع تا حدودی آرام شده بود؛ پس آنان در حیرت از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> سرگردان می‌گردند، ولی جعفر مدعی امامت می‌گردد. اما آنان نشانه‌های امامت را در او نمی‌یابند و بر حیرتشان افزوده می‌گردد تا اینکه چون عزم بازگشت می‌کنند، به گونه‌ای مخفیانه به منزل امام بازگشته و به دیدار امام موعود <small>علیه السلام</small> نائل شده، و پس از</p>

مشاهده نشانه‌های امامت با او بیعت کرده و با اطمینان و ایمانی راسخ به قم و مناطق غربی ایران باز می‌گردند. ^۱
سیاه
<p>تلاش «جعفر» برای معرفی خود به عنوان امام آخرین شیعه، ولی مواجه شدن با رویگردانی شیعه از خود. او از صحنه نماز بر پیکر برادر تا چند روز پس از آن که هنوز جماعتی از شیعیان مسافر در سامرا بودند تلاش فراوانی می‌کرد تا آنان او را به عنوان آخرین امام بپذیرند.</p> <p>جعفر پس از ناکامی از جلب توجه جامعه شیعه سامرا و عراق، از خلیفه می‌خواهد که او را به عنوان امام شیعیان معرفی کند، ولی خلیفه او را با سخریه می‌راند که اگر این امر به دست ما بود که این همه برای مراقبت از امام عسکری به زحمت نمی‌افتادیم.^۲</p> <p>پس از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> در کنار ادعای جانشینی جعفر، برخی از افراد ضعیف الاعتقاد ادعاهای عجیبی همانند توقف امر امامت در امام عسکری و یا جانشینی جعفر و یا... مطرح کردند تا از تحیر برخی از شیعه در مسئله جانشینی امام عسکری سوء استفاده کنند، ولی ناکامی سریع جعفر در ادعاهایش و هوشیاری خواص رجال شیعه قم و بغداد و سامرا در ماجرای نماز و یا در آزمودن جعفر و... باعث شد که اکثر جامعه شیعه در آغاز غیبت صغری چندان دچار سرگردانی بلند مدت و شک و شبهه عمیقی نگردند.^۳</p>

۱. ترجمه کمال الدین، ج ۲، ص ۲۲۶.

۲. «وَلَمَّا دُفِنَ جَاءَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ أَخُوهُ إِلَى أَبِي فَقَالَ اجْعَلْ لِي مَرْتَبَةَ أَخِي وَ أَنَا أَوْصِلُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ سَنَةٍ عَشْرِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فَزَبَرَهُ أَبِي وَ أَسْمَعُهُ مَا كَرِهَ وَ قَالَ لَهُ يَا أَحْمَقُ السُّلْطَانُ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ جَرَّدَ سَيْفَهُ فِي الدِّينِ زَعَمُوا أَنَّ أَبَاكَ وَ أَخَاكَ أَيْمَةٌ لِيَرُدُّهُمْ عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ يَنْتَهِيَا لَهُ ذَلِكَ فَإِنْ كُنْتَ عِنْدَ شِيعَةِ أَبِيكَ وَ أَخِيكَ إِمَامًا فَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَى السُّلْطَانِ لِيُرْتَبِكَ مَرَاتِبُهُمْ وَ لَا غَيْرِ السُّلْطَانِ وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ عِنْدَهُمْ يَهْدِيهِ الْمَنْزِلَةَ لَمْ تَنْتَلِهَا بِنَا فَاسْتَقَلَّهُ أَبِي»؛ (الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۲۴).

۳. در این زمینه عده ای ادعای تفرق شیعه بعد از شهادت امام عسکری کرده اند بدین گونه

۱. «سمعت أبا الحسين الحسن بن و جناء يقول: حدّثنا أبي عن جدّه أنّه كان في دار الحسن ابن عليّ عليه السلام فكبستنا الخيل، و فهم جعفر بن عليّ الكذاب، و اشتغلوا بالنهب و الغارة...»؛ (موسوعه الامام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۷).

۲. در این سال در بیشتر شهرهای اسلام گرانی سخت شد و چنانکه گفته‌اند بیشتر کسانی که به مجاورت در مکه بودند از شدت گرانی سوی مدینه رفتند و عاملی که در مکه بود، یعنی بریه، از آنجا برفت. در بغداد نیز قیمت گران شد... و این، چند ماه دوام یافت. (ترجمه طبری، ج ۱۵، ص ۶۴۴۳).

از حامیان جعفر در ادعای امامتش، محمد بن نصیر نمبری رئیس و بنیانگذار فرقه نصیری بود. ولی رسوا شدن او در ماجرای ادعای امامت سید محمد پس از رحلت او در سال ۲۵۲ هجری توسط امام هادی <small>علیه السلام</small> دیگر کمتر زمینه‌ای برای توجه شیعیان به سوی او باقی نگذاشته بود. نکته جالب در این زمینه این است که حتی او پس از مشاهده ناکامی‌های جعفر در اثبات ادعایش از جعفر فاصله گرفت و پس از مدتی مدعی نیابت از امام عسکری <small>علیه السلام</small> شد. ^۱ یعنی حتی کسانی که گرد جعفر جمع شدند اصلاً از پیکره اصلی جامعه شیعه نبوده و بازماندگان فرقه‌های انحرافی پیشین بودند ^۲ که آنان هم خیلی زود از او فاصله گرفتند.

جعفر پس از مشاهده ناکامی اش در سامرا و عراق، سعی کرد با نامه نگاری به قم و بزرگ شیعه در قم، حمد بن اسحاق قمی از آنان بخواهد که همانگونه که پیوسته اموال شرعی خود را به برادرش می‌دادند، اینک آن اموال را به او تقدیم کنند. ولی قمی‌ها به راهنمایی احمد نامه‌ای حاوی پرسش‌هایی چند از او را برایش فرستادند تا اگر جواب داد با او همکاری کنند، ولی او در مانده شد پس... ^۱	خاکستری
--	---------

ربیع الثانی سال ۲۶۰ ه	
سفید	آمدن مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small> از مدینه و حجاز به سامرا پس از شنیدن خبر شهادت فرزند و مواجه شدن با تلاش جعفر برای مصادره منزل و دارائی‌های امام، پس ایشان با ارائه اصل حق وراثت شرعی خود حتی در دستگاه خلافت منجر به رسوا شدن جعفر و بازگشتن تمامی اموال مصادره شده به خود شد، ^۲ پس ایشان خدمه امام را به منزل آن حضرت بازگردانده و خود ساکن آن

→ ...
 که : سعد بن عبدالله قمی ۱۵ فرقه، نوبختی و مفید ۱۴ فرقه، مسعودی ۲۰ فرقه و شهرستانی ۱۱ فرقه گفته‌اند، ولی به نظر می‌رسد ضمن این که این ادعاها اصولاً از جهت فرض ذهنی درست در نمی‌آید، زیرا با وجود انحصار مدعیان در جعفر و فرزند غائب و جریان نصیری و احتمالاً واقفیه، اصولاً تصور تفرق بیش از ۵ احتمال امری عجیب و بدون تصور در بستر واقعیات تاریخی-کلامی است. ثانیاً که در کنار این ادعاها اصولاً هیچ نشانی از گزارش‌های تاریخی از آن فرق موهوم وجود ندارد. و ثالثاً که بلوغ انسان شیعه ۲۵۰ ساله با این تحیر فراگیر سازگار نیست خصوصاً که با اتمام حجتی که امام عسکری در سال پایانی امامتش دارد و حضور آشکاری که فرزند موعود در مسئله نماز دارد. (فرق الشیعه، ص ۷۹؛ الفصول المختاره مفید، صص ۲۵۸-۲۶۰؛ مروج الذهب مسعودی، ج ۲، ص ۵۹۹ و الملل و النحل شهرستانی، صص ۱۳۰-۱۳۱).

۱. «إِنَّ جَعْفَرَ كَتَبَ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِيِّ يَطْلُبُ مِنْهُ مَا كَانَ يَحْمِلُهُ مِنْ قُمْ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ وَ اجْتَمَعَ أَهْلُ قُمْ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَ كَتَبُوا لَهُ كِتَاباً جَوَاباً لِكِتَابِهِ وَ ضَمَّنُوهُ مَسَائِلَ يَسْأَلُونَهُ عَنْهَا وَ قَالُوا تَجِيبْنَا عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ كَمَا سَأَلُوا عَنْهَا سَأَلْنَا إِلَى آبَائِكُمْ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)... حَتَّى نَحْمِلَ إِلَيْكَ حُقُوقَ الَّتِي كُنَّا نَحْمِلُهَا إِلَيْهِمْ فَخَرَجَ الرَّجُلُ حَتَّى قَدَّمَ الْعَسْكَرَ فَأَوْصَلَ إِلَيْهِ كِتَابٌ وَ أَقَامَ عَلَيْهِ مُدَّةً يَسْأَلُ عَنْ جَوَابِ الْمَسَائِلِ فَلَمْ يُجِبْ عَنْهَا وَ لَا عَنْ الْكِتَابِ بِشَيْءٍ مِنْهُ أَبَدًا»؛ (الهداية الكبرى، الخصيبى، ص ۳۸۳).

۲. «الشيخ الصدوق رحمه الله... عن محمد بن الحسين بن عباد أنه قال...: قدمت أم أبي محمد عليه السلام من المدينة، و اسمها حديث حين اتصل بها الخبر إلى سر من رأى، فكانت لها أفاصيص يطول شرحها مع أخيه جعفر، و مطالبته إياها بميراثه و سعائته بها إلى السلطان»؛ (بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۱).

۱. الخلاصة، حلی، ص ۲۷۴.
 ۲. «قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَّالٍ وَ كَانَ مِنْ يَقُولِ بِإِمَامَةِ جَعْفَرَ بَعْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مُخْطِئاً أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى جَعْفَرَ يَسْأَلُهُ عَنْ حَقِيقَةِ أَمْرِهِ وَ كَتَبَ أَنَّ أَخِي أَبَا مُحَمَّدٍ علیه السلام كَانَ إِمَامًا مَفْرُوضَ الطَّاعَةِ وَ أَنِّي وَصِيُّهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ إِمَامٌ لَا غَيْرُ»؛ (الهداية الكبرى، الخصيبى، ص ۳۸۳).

<p>منزل گردید. و تا سالیانی که زنده بود منزل امام محل مراجعه شیعه جهت جستجو از اخبار امام عسکری <small>علیه السلام</small> و فرزند موعود ایشان بود. حکیمه خاتون <small>علیها السلام</small> هم پس از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> تا مدتها محل مراجعه برخی از شیعه متحیر در سامرا بود تا به آنها از مولود موعود بگوید و یا این که برخی از رجال شیعه پس از زیارت مزار دو امام نزدش می‌رفتند تا از احادیث امام عسکری <small>علیه السلام</small> و حکایات مولود موعود از او بشنوند. ابوهاشم جعفری نقیب علویان در عراق (با محوریت بغداد و کوفه) بود و برخلاف سال‌های امامت امام عسکری <small>علیه السلام</small> که گاه به علت دستگیر شدن و یا به علت دیدار با امام مقیم سامرا است، در این زمانه در بغداد است (تا سال ۶۱ ه) و حضورش در بغداد نقش مهمی در کنترل علویان از ابراز ادعاهای انحرافی و در تثبیت شیعیان بر صراط مستقیم دارد.</p>	
<p>سیاه خاکستری</p>	<p>سیاه خاکستری</p>
<p>رجب و... سال ۲۶۰ ه</p>	
<p>در دو سه ماه آغازین از دوران غیبت صغری، سامرا همچنان محل رفت و آمد برخی از شیعه بی‌خبر از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> و یا متحیر در مسئله امامت پس از شهادت ایشان است. در این مدت جعفر هنوز امیدوار بود که بتواند برخی از آنان را بفریبد، ولی همگی آنان در اولین مواجهه ضمن عدم مشاهده نشانه‌های امامت (هیبت و وقار امامت) به امتحان او می‌پرداختند (امتحان به دانش غیبی و یا آزمایش میزان دانش او و یا امتحان او به احادیث امامان پیشین) و چون جعفر در جواب ناکام می‌شد، به جستجوی امام راستین بر می‌آمدند و در این زمان بود که نشانی از امام غائب به آنان می‌رسید و آنان را از حیرت می‌رهانید.</p>	<p>سفید</p>

<p>از حسن بن محمد اشعری نقل شده که وی گفت: نامه‌هایی از امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> در خصوص وکالت جنید قاتل فارس بن حاتم بن ماهویه و ابو الحسن و شخص دیگری می‌رسید؛ ولی بعد از وفات آن حضرت، نامه‌ای از صاحب الزمان <small>علیه السلام</small> رسید که ابو الحسن و شخص دیگر را وکیل کرده بود. ولی در باره جنید چیزی وارد نشد. من اندوهگین شدم، اما چیزی نگذشت که خبر وفات جنید رسید! گزارش‌هایی در برخی منابع تاریخی وجود دارد که پس از انتقال عثمان بن سعید به بغداد و تثبیت امر امامت امام موعود برای شیعه قم، در نهایت احمد بن اسحاق قمی برای باوری نائب اول (با توجه به گستردگی جامعه شیعه ایرانی) به بغداد منتقل شده تا در مقام یکی از سه دستیار ویژه او عمل نماید.</p>	
<p>پس از شهادت امام عسکری تا مدت‌ها دستگاه خلافت در جستجوی فرزند احتمالی امام بود، اگر چه هجرت بزرگ شیعه «عثمان بن سعید» از سامرا و بازماندن اهلیت امام در آنجا، این توهّم را برای خلافت ایجاد کرده بود که به احتمال زیاد هیچ جانشینی برای امام عسکری از تبارش وجود ندارد.</p>	<p>سیاه</p>
<p>خاکستری</p>	

نکات تحلیلی

جایگاه سلامت و ثبات سازمان وکالت

در این گاه شمار آنچه که در مرحله اول باید مورد توجه قرار گیرد مسئله

....→

رجل من أهل مصر بمال إلى مكة للناحية، فاختلف عليه، فقال بعض الناس: إن أبا محمد عليه السلام مضى من غير خلف، و الخلف جعفر. و قال بعضهم: مضى أبو محمد عن خلف فبعث رجلا يكتني بأبي طالب. فورد العسكر و معه كتاب، فصار إلى جعفر و سأله عن برهان، فقال: لا يتهيأ في هذا الوقت، فصار إلى الباب و أنفذ الكتاب إلى أصحابنا، فخرج إليه: أجزك الله في صاحبك فقد مات، و أوصى بالمال الذي كان معه إلى ثقة ليعمل فيه بما يجب و أجيب عن كتابه»؛ (الكافي، ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۱۹).

۱. نک: سازمان وکالت، ج ۲، شرح حال احمد بن اسحاق قمی.

۱. «قالت حكيمه: فمضى أبو محمد عليه السلام بعد ذلك بأيام قلائل، و افترق الناس كما ترى، و و الله! إنني لأراه صباحا و مساء، و إنه لينبئني عما تسألون عنه، فأخبركم»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۹).

۲. «الحسن بن عيسى العريضي أبي محمد، قال: لما مضى أبو محمد عليه السلام ورد رجل

سازمان وکالت است. از این جهت که از یک سو امام در آستانه رخداد قریب الوقوع دوران غیبت که به خودی خود حیرت زا است، مراقب است که مبادا آسیب‌ها و یا ریزش‌های این سازمان، باعث ضربه‌ای مضاعف و جبران ناپذیر از درون به جامعه شیعه بگردد. بدین جهت دقت‌های ویژه امام، در نهایت باعث پویایی این سازمان حداقل در سه مرکز عمده شیعه در آن زمان سامرا، بغداد و قم می‌گردد. و با کمک هوشیاری و دقت و بصیرت این سازمان است که ورود به دوران غیبت با کمترین بحران‌ها صورت می‌گیرد.

مسئله ائتلاف بی سابقه خلفای عباسی با جریان انحرافی

در طول تاریخ تشیع، جریان حق همواره با دوگانه‌ای باطل مرکب از تهدید مستقیم جریان خلافت از یک سو و جریان‌های انحرافی داخلی از سوی دیگر روبرو بوده است؛ دو جریان کاملاً متضاد اما با نتیجه و اثر مشترک که ضربه زدن به جریان حق است. ولی در آغاز امامت امام زمان علیه السلام تراکم توطئه‌ها تا بدانجا می‌رسد که دستگاه خلافت با نفوذ در جریان انحرافی منتسب به شیعه، سعی می‌کند که هجوم و بحرانی فراگیر و محاصره‌ای کامل برای مکتب و جامعه حق ایجاد کند. بدین جهت یکی از ماموریت‌های جعفر در این مقطع زمانی می‌تواند، رصد و شناسایی سازمان نیابت و وکالت و حداقل ضربه زدن به آن باشد. ولی درایت و تدبیر نایب اول در انتقال سریع مرکز نیابت از سامرا به بغداد باعث می‌شود که کانون فعالیت‌های شیعیان راستین به بغداد و دور از مرکز نظامی و امنیتی عباسیان منتقل شود. و در برابر سامرا به مرکزی برای رفت و آمد گاه و بیگاه افراد متحیر تبدیل بگردد تا این تصور برای حاکمیت و جاسوس‌های آنان

فراهم بگردد که گوئیا جامعه شیعه ضمن نداشتن امامی جانشین، دچار حیرتی نهادینه شده و به زودی از درون متلاشی خواهد شد. این در حالی است که به موازات ضعف عباسیان در برابر شورش‌های فراگیر و افول ستاره جعفر، به تدریج شاهد نظم و انسجام و رشد تشیع به واسطه راهبری هدایت شده نایب اول هستیم.

تلاش امام زمان علیه السلام برای اثبات حقانیت خود

شهادت امام عسکری علیه السلام نقطه شروع دوران غیبت صغری بود. و لازمه رخداد غیبت، پنهان شدن امام از جامعه بود. ولی دوگانه حیرت آغازین و شدت فتنه افروزی مخالفان، باعث می‌شود که امام غائب در آغازین روزهای امامت خود بیشترین حضور و ظهور را از خود نشان دهد. و البته حضوری که همراه با ارائه نشانه‌های امامت و ولایت است که نتیجه اش تثبیت ایمان مومنانه و ابطال کید دشمنان است. گزارش گاه شماری ظهور و بروزهای امام در این مقطع چنین است:

زمان	روز شهادت	روز شهادت	چند روز اولیه آغاز امامت
رویداد	نماز گزاری	مواجهه با ابوالادیان	پذیرش کاروان قم و منطقه جبال
مخاطب و هدف	اثبات وجود تاریخی اش به دوست و دشمن	اثبات نشانه‌های امامت	اثبات امامت خود برای نمایندگان شیعه ایرانی

منابع

۱. بخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح بخاری، عالم‌الکتب، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۶ ق.
۲. بیومی مهران، محمد، الامامه و اهل‌البيت ﷺ بیروت: دارالنهضة العربيه، ۱۹۹۵ م. = ۱۳۷۴ ش.
۳. جاسم محمد حسین / مترجم سید محمدتقی آیت‌اللهی، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، امیر کبیر، بی تا.
۴. جباری، محمد رضا، ۱۳۸۲، سازمان وکالت، قم، موسسه امام خمینی، بی تا.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۶. خزعلی، ابوالقاسم، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، قم، مؤسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۲۴ ق.
۷. خصبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۸. دوری، عبد‌العزیز، العصر العباسی الاول، بغداد، بی تا، ۱۹۴۵ م.
۹. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، تحقیق و نشر: قم، مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. سعادت، اسفندیار، مدیریت بحران، مجله دانش مدیریت، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۶۹ ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ ق.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۸ ق، دلائل‌الإمامة
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ‌الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو‌الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
 ۱۵. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۸۴ ش.
 ۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب / مترجم آیت‌الله کمره‌ای، ترجمه اصول کافی، قم، اسوه، ۱۳۷۵ ش.
 ۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
 ۱۸. محرّمی، غلام حسن، «فرهنگ مهدویت در القاب خلفای عباسی»، مجله، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱، تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۲/۲۵.
 ۱۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ناشر: قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
 ۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.
 ۲۱. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۳۹۸ ق.
 ۲۲. یاقوت حموی، ابو‌عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- نرم افزارها
۱. نرم افزار سیره معصومان، موسسه کامپیوتر نور.
 ۲. نرم افزار درایه‌النور، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
 ۳. نرم افزار موعود، تولید حوزه علمیه اصفهان.

که پیامبر ﷺ حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان امام معرفی می‌کند. برای این امر، مراسم داشتیم و امامان هم بر آن و بزرگداشت آن تأکید کرده‌اند؛ البته جشنی متناسب با عرف زمانه خودش؛ یعنی وقتی پیامبر ﷺ، حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان امام در غدیر مطرح می‌کنند که یک حالت عمومی دارد، این همراه خودش، جشن دارد؛ تا چند روز افراد به امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبریک می‌گفتند؛ حتی بعد از این واقعه هم، وقتی کسی خبردار می‌شد به آن حضرت تبریک می‌گفت؛ چون پیامبر ﷺ فرموده بودند که حاضران به غایبان بگویند. حاجیانی که به مناطق خودشان برمی‌گشتند و این خبر مهم را به منطقه خودشان می‌رساندند، عده‌ای که تازه خبردار می‌شدند باز هم به امیرالمؤمنین (علیه السلام) تبریک می‌گفتند.

جشن گرفتن در این روز در سیره علما هم بوده است. با اینکه عید قربان و عید فطر از عیدهای اسلامی است؛ اما علاوه بر این دو عید، عید غدیر را بسیار گرامی می‌داشتند.

اما نوع دوم، آغاز امامت، بعد از شهادت امام قبلی است. سیره اهل بیت (علیهم السلام) در این مورد چگونه بوده است؟ اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسبت شهادت امام قبلی، محزون بوده‌اند. شیعیان نزد امام جدید می‌آمدند و ابتدا شهادت امام قبلی را تسلیت می‌گفتند و سپس با امام جدید بیعت می‌کردند. امام (علیه السلام) با تعابیر مختلف به اینها می‌گفتند خوشحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده‌اند و امام بعدی را شناخته‌اند و مثلاً هفت امامی نامنده‌اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا (علیه السلام)

نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟^۱

وقتی که سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان (علیه السلام) و بیعت با ایشان می‌شود. برخی می‌پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ پرسش دیگر اینکه آیا این درست است که عده‌ای قصد دارند با طرح جشن نهم ربیع الاول به عنوان آغاز امامت امام عصر (علیه السلام) با برنامه‌های دیگر در چنین روزی مقابله کنند؟ و اصولاً بیعت با امام یعنی چه؟ و چه ثمره‌ای دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصابر جعفری به آن پاسخ داده‌اند:

۱. آیا شیعیان برای به امامت رسیدن امامی، جشن می‌گرفته‌اند؟

دو نوع شادمانی برای به امامت رسیدن امام داریم. یک نوع وقتی است

۱. برگرفته از مجله امان، شماره ۴۰ (بهمن و اسفند ۱۳۹۱).

که سرآغاز دوازده امامی شدن شیعه است؛ یعنی ما هفت امامی و شش امامی داریم، اما هشت امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا علیه السلام را پذیرفته است بقیه ائمه را هم قبول کرده و دوازده امامی شده است.

البته اهل بیت علیهم السلام در یک فضای حزنی زندگی می کردند و می فرمودند بنی امیه برای ما عید نگذاشتند؛ بنابراین سیره آنها بیشتر به تسلیت و حزن متمایل بوده است.

در تقویم های ایران قدیم، این روز به نام تاجگذاری امام عصر علیه السلام مطرح بوده است؛ ولی پس از انقلاب اسلامی، تعبیر تاجگذاری تغییر کرد. این سخن صحیح نیست که کسی بگوید ما در بین علما، کسی را نداشتیم که به نهم ربیع اهتمام بورزد!

۲. آیا این نهم ربیع را در مقابل آن نهم ربیع درآورده اند؟

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر علیه السلام پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلاً حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفه دوم در اواخر ذی الحجّه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفه دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر علیه السلام پررنگ تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام عصر علیه السلام مورد غفلت واقع شود؛ البته دست هایی در کار است؛ دست هایی که می خواهند وحدت را برهم بزنند؛ وگرنه کسانی که در نظام ما دم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین گر ولایت بوده اند، مثل امام راحل علیه السلام؛ این همه از وحدت صحبت کرد، ولی خود امام علیه السلام از همه بیشتر

ولایی و مبلغ ولایت بود؛ از همه بیشتر درباره ولایت امام عصر علیه السلام و ائمه علیهم السلام و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفت. مقام معظم رهبری هم از وحدت صحبت می کنند و هم در مورد جایگاه اهل بیت علیهم السلام، جایگاه برتری امیرالمؤمنین علیه السلام، جایگاه برتری اهل بیت علیهم السلام صحبت می کنند و یا مجالس و روضه هایی که در بیت خودشان برگزار می کنند، هیچ کدام منافاتی با بحث وحدت ندارد؛ اما برخی از آدم هایی که دم از وحدت می زنند، فحش هم می دهند، لعن هم می کنند؛ هیچ موفقیتی در جهت ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام و ترویج شیعه نداشته اند.

۳. بیعت چیست؟

بیعت از بیع می آید به معنای معامله و خرید و فروش؛ قرآن می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^۱ برخی از مردم هستند که جان خودشان را برای رضای خداوند متعال می فروشند. و یا تعبیری که در مورد انسان وجود دارد این است: انسان در یک نوع معامله قرار دارد، «وَالْعَصْرُ؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»؛ انسان در سود و زیان است. وقتی دنیا مزرعه شد، انسان دائم در حال معامله است و در سود و زیان است و دائم دارد از او کم می شود و خسر یعنی همین.

اگر انسان در معامله و سود و زیان است، این دین است که بیع او را جهت می دهد و جهت دهی آن، بیعت با امام است. در واقع کار دین

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

جهت‌دهی به معاملات انسان است؛ جهت‌دهی به اینکه تو زندگی‌ات را، فکرت را، ذکرت را، وقتت را، قلمت را، عُلقه‌هایت را، دغدغه‌هایت را و هزینه‌های مالی‌ات را برای چه مصرف کنی؟ اگر جهت ندهی، خُسر است؛ مثل یخی که دارد آب می‌شود سرمایه‌هایت هم دارد نابود می‌شود. دین جهت می‌دهد که سرمایه‌های وجودت را به چه کسی بفروشی. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الا ان ثمنک الجنه فلا تبعوها الا بالجنه؛ آگاه باشید که قیمت جان شما بهشت است، پس نفروشید آن را مگر به بهشت.» تازه این بهای جان شماست و بالاتر از این روح شماست که بهای آن، خود خداست. پس حالا که قرار است جان ما برود، برای که و برای چه برود؟ چه بخواهیم و چه نخواهیم این جانمان دارد رایگان می‌رود. چه خوب است که این جانمان را به دست کسی بسپاریم که هم خوب مدیریت می‌کند و هم دوستان دارد. بیعت این ثمره را هم دارد که وقتی فهمیدی طرف حسابت امام حسین علیه السلام یا امام عصر علیه السلام است، رفتارت، زندگی‌ات، برخوردت، همه به او بیشتر متمایل می‌شود.

۴. آیا این بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل بیت علیهم السلام اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می‌رسید، شیعیان نزد امام بعدی می‌آمدند و عرض ارادت می‌کردند و ضمن عرض تسلیت شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می‌کردند؛ حتی امامان، قبل از شهادت، برای امام بعد از خود نیز از

مردم بیعت می‌گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غدیر خم نسبت به حضرت علی علیه السلام از مردم بیعت گرفتند و فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، بعد دستور دادند که همگان بر قبول ولایت و وفاداری نسبت به آن با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کنند، به نقل تاریخ سه شبانه‌روز طول کشید تا همگان توانستند با علی علیه السلام بیعت کنند؛ حتی خانم‌ها هم با قرار دادن دستشان در ظرف آبی با آن حضرت بیعت کردند و یا پیامبر فرمود: «سَلِّمُوا عَلٰی عَلٰی بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (بامره المؤمنین)؛ به حضرت علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید.» گاهی وقت‌ها پیامبر یا امام، نسبت به امام بعدی، از افراد عهد و پیمان خصوصی و عمومی می‌گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و پیمان و بیعت می‌گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه علیهم السلام هم برای امامت خودشان از مردم بیعت مجدد می‌گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می‌شدند. روایاتی که «انشدکم الله» دارد به این موضوع برمی‌گردد. حضرت علی علیه السلام چند بار متذکر بیعت می‌شوند؛ امام حسین علیه السلام نیز یک سال پیش از واقعه عاشورا در مِنی، یادآور بیعت می‌شود و وقتی امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام از مردم می‌خواهند و جواب نمی‌دهند، آنها را نفرین می‌کنند. «انشدکم الله»، شما را به خدا قسم می‌دهم که شما نبودید که پیامبر فرمود: «اولی بکم من انفسکم»؟ چهار پنج تا از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویند ما پیرمرد شدیم و یادمان نمی‌آید که حضرت آنها را نفرین می‌کند. این نکته مهم است که گاهی وقت‌ها امام، جامعه را به آن بیعت با خود

متذکر می‌شود.

بنابراین با نزدیک شدن به ایام نهم ربیع‌الاول، آغاز امامت یگانه منجی عالم بشریت و سخن از بیعت با امام زمان عجل الله فرجه؛ برای کسی احساس غریبی پیش نیاید؛ زیرا تجدید عهد و بیعت برای جریان امامت امام علیه السلام چیز عجیبی نیست.

اگر انسان در معامله و سود و زیان است، دین، بیع او را جهت می‌دهد و جهت‌دهی آن، بیعت با امام است. در واقع کار دین جهت‌دهی به معاملات انسان است؛ جهت‌دهی به اینکه تو زندگی‌ات را، فکر را، ذکر را، وقت را، قلمت را، عُلقه‌هایت را، دغدغه‌هایت را و هزینه‌های مالی‌ات را برای چه مصرف کنی؟ اگر جهت ندهی، خُسِر است، مثل یخی که دارد آب می‌شود سرمایه‌هایت هم دارد نابود می‌شود.

بیعت این ثمره را هم دارد که وقتی فهمیدی طرف حسابت امام حسین علیه السلام یا امام عصر علیه السلام است، رفتارت، زندگی‌ات، برخوردت، همه به او بیشتر متمایل می‌شود.

چگونه برای عید آغاز امامت امام زمان عجل الله فرجه ایده

هایی نو و جذاب داشته باشیم؟

□ محمد رضایی آدریانی^۱

پیش درآمد

نهم ربیع‌الاول، سالروز آغاز امامت امام زمان عجل الله فرجه است. این روز در تاریخ رسالت و امامت؛ در امتداد بعثت‌های انبیا و غدیر ولایت اوصیا، آخرین آغاز مقدس و ملکوتی است. آغازی که به اعتبار آخرین بودنش حامل تمامی ارزش آغازهای مقدس پیشین هم است. و اگر برجسته‌ترین آغازهای مقدس همانند بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یا غدیر خم عیدهای دینی مهمی هستند؛ این روز هم در مقام آخرین آغاز می‌تواند و بلکه می‌بایست عیدی

۱. دانش آموخته مرکز تخصصی مهدویت، سطح ۳.

مقدس و آسمانی باشد، ولی متأسفانه ارزش این عید در جامعه شیعه شناخته نشده و در مقایسه با عید نیمه شعبان در مهجوریت به سر می‌برد. در حالی که اگر جشن نیمه شعبان جشن و عید امید و انتظار است، جشن و عید نهم ربیع الاول، جشن و عید بیعت و بلکه تجدید بیعت است.

برای خارج سازی این عید از مهجوریت رسالتی سنگین بر عهده عزیزان و نهادهای تبلیغی و رسانه‌ای و فرهنگی است؛ چرا که تا این رویداد از زوایای گوناگون مورد بازکاوی علمی و غنی سازی معرفتی قرار نگیرد نباید توقع زایش فرهنگ‌ها و آداب و حضور اجتماعی پر شور و نشاطی را از منتظران داشت. پس پیش نیاز حضور فعال، ایجاد باور مندی به این عید عظیم است و پیش شرط باورمندی ایجاد جریان معرفتی و علمی گسترده و عمیق و متنوع در این موضوع است. ولی به راستی مگر در این موضوع کم آشنا هم زمینه فکر و دانش گسترده است؟

بدیهی است اگر به هر موضوعی با نگاهی انتزاعی و در خلأ نگریده شده شود مشکل کمبود محتوا و غیر کاربردی بودن محتوا و یا انحصار آن به گروه خاص و یا تکرار در محتوا بدون نوآوری پیش می‌آید. این در حالی است که می‌توان به همان موضوع از منظر کاربردی-عملیاتی نگریست تا زایش فکری، تنوع فرهنگی و تاثیرگذاری اجتماعی را به همراه بیاورد؛ اما چگونه؟

پرسش جدی این است: برای غنی سازی تبلیغ و فرهنگ عید نهم ربیع

الاول چه باید کرد؟

در این اثر کوتاه تلاش می‌شود ضمن اشاره به روش ایده یابی در علوم و معارف با رویکرد جشن آغاز امامت زمان ع در نهم ربیع الاول، برخی از ایده‌های مرتبط هم معرفی گردد.^۱

ابتدا باید در این زمینه منابع مرتبط را به عنوان موضوع اصلی مهدویت جستجوی کاملی انجام دهیم^۲؛ چرا که نهم ربیع الاول بحثی تاریخی-کلامی و حدیثی است؛ مباحثی همانند:

- آغاز امامت امام زمان ع از جهت واقعه بیرونی؛

- آغاز امامت امام زمان ع از جهت مباحث نظری؛

- مباحث مفهومی مهدویت مرتبط با نهم ربیع الاول همانند: بحث آغاز غیبت و چرایی و چیستی و چگونگی آن، بحث بیعت و تجدید بیعت، بحث فرق انحرافی و مدعیان، بحث سازمان وکالت و سازمان نیابت خاصه، ادعیه و زیارات مهدوی، و

در مرحله بعد به نهم ربیع الاول به صورت بین رشته‌ای توجه کنیم و از زاویه برخی از رشته‌های علوم انسانی که با آن زمینه مشترک برقرار می‌کند مورد تطبیق و مقایسه قرار داده تا با کمک این مقایسه، اولین توسعه در

۱. البته برای مطالعه بیشتر در دو حوزه ایده یابی و موضوع نهم ربیع، مراجعه کنید به سه اثر از نگارنده با عنوان «عطر میلاد»، «نهم ربیع الاول، چرایی، چیستی، چگونگی» هردو چاپ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ع و کتاب «راهبردها و ایده‌های مهدوی» چاپ مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما قم.

۲. نک: «نهم ربیع الاول چیستی، چرایی، چگونگی».

موضوع خام و کلی صورت بگیرد. مثلاً:

موضوع اصلی	گرایش علمی	ایده
آغاز امامت از جهت واقعی	دانش تاریخ	گاه شمار تاریخی آغاز امامت به صورت توصیفی و سپس تحلیلی
	مطالعات زنان	نقش بانوان حریم ولایت در تحکیم امامت حضرت
	جغرافیا	جغرافیای تاریخی شیعه و جغرافیای اولین بیعت گران
	منطق مغالطات	مغالطه شناسی مدعیان انحرافی و دشمنان موجود در آغاز امامت
آغاز امامت از جهت نظری	سیاسی	وضعیت شناسی تقیه در آخرین آغاز امامت در مقایسه با آغازهای امامت امامان پیشین
	سیاسی-اطلاعاتی	مواجهه اطلاعاتی و راهبردهای فریب و ضد فریب بین جبهه حق و باطل در فرایند تولد تا آغاز امامت
	کلامی	ادله امامت امام زمان
	عرفانی	چیستی و چگونگی آغاز امامت برای امام پدیدار شناسی آغازهای معنوی در نگاه دینی
بحث آغاز غیبت	شخصیت شناسی	شخصیت امام پیش و پس از امامت
	کلامی - فلسفی	چرایی و چیستی خاتمیت در وصایت در نگاهی مقایسه‌ای با فلسفه خاتمیت در نبوت
	فلسفه تاریخی	خاتمیت در وصایت و ارتباط آن با بلوغ تاریخی جامعه شیعه در آستانه غیبت رویکرد بلوغ شناسی جامعه حق در بستر ۲۵۰ ساله آغازهای امامت ۱۲ امام (انسان ۲۵۰ ساله)
	سیاسی	دشمن شناسی و تبیین چرایی غیبت
	عرفانی	غیبت امام از جامعه بشری، نجات ولی زمان از شیطنتهای ابلیسی که از مبر شیاطین انس تجلی

موضوع اصلی	گرایش علمی	ایده
		پیدا می‌کرد.
	مطالعات فرهنگی	غیبت باوری در جامعه شیعه در آغاز دوران غیبت و چالش‌های آن و راهبردهای امام و نواب برای آنها.
	عرفانی-کلامی	مقایسه‌ای بین غیب باوری و غیبت باوری.
ادعیه و زیارات مهدوی	الهیات	الکوهای غیبت اولیای حق در قرآن و دستاوردهای کلامی آن از جهت شبهه زدائی عامه و تقویت ایمانی خاصه.
	تاریخی	کنکاش در ادعیه و زیارات مهدوی‌ای که در زمان غیبت صغرا صادر شده اند و تحلیل چرایی و چگونگی صدور و بازتاب‌های آنها در حفظ معرفتی و رفتاری شیعه در بستر تاریخ.
	زبان‌شناسی	بازشناسی کلید واژه‌های اصلی در ادعیه و زیارات مهدوی و پیام‌های آن.
	عرفانی	چیستی و چرایی تأکید بر تجدید بیعت در ادعیه و زیارات مهدوی.
	اخلاقی	سبک زندگی بیعت محور، از رهیافت ادعیه و زیارات مهدوی. ادعیه شناسی بیعت، آنالیز دعای عهد. حقوق متقابل امام و شیعه با محوریت تحقق متقابل جدید بیعت.
	کلامی-اخلاقی	نقش انس پیوسته و جامع با ادعیه و زیارات مهدوی در تعریف هندسه‌ای کامل از مهدویت و ایجاد بیعتی پیوسته، و زدودن زمینه‌های لغزش و انحراف در دو دوران سخت غیبت و آخر الزمان.

آنچه در جدول فوق مشاهده می‌کنید بارش فکری است بر اساس

نگاهی کلی به هر یک از دانش‌های مذکور. این در حالی است که اگر در هر دانش فهرستی از ریز موضوعات اصلی استخراج شود (به عنوان نمونه در دانش مدیریت) و آنگاه آن را با مباحث اصلی نهم ربیع الاول مقایسه نمود، شاهد ایده‌های فراوان‌تر و جذاب‌تر و کاربردی‌تری خواهیم بود.

بدین معنا که تصور نشود که در مرحله بالا فرایند ایده‌یابی به پایان رسیده، بلکه ناظر به تنوع مخاطب، نهضت ایده‌یابی استمرار پیدا می‌کند. به

عنوان نمونه:

وضعیت مخاطب	ایده‌ها	
کودک و نوجوان	زیباشناسی تفویض ماموریتی بزرگ به کودکی بزرگ و آسمانی. جاذبه‌های فطری کودکی معصومانه.	
زنان	گاه شمار تاریخی بیعت‌گری زنان مسلمان با معصومین در تاریخ اسلام و بازتاب‌های آن. بازتعریف معنی و مفهوم بیعت و تجدید بیعت در متن زندگی زنانه. نقش‌های جنسیتی و سبک زندگی منتظرانه.	
اقتصادی اجتماعی	گونه‌شناسی نقش آفرینی در روز عید بیعت متناسب تفاوت سرمایه اجتماعی و توان مالی و تخصص علمی و استعداد خدادادی.	
سطح سواد	حوزوی	بازخوانی جامع روایات آغاز امامت از جهت کلامی و روایات آغاز امامت امام زمان <small>علیه السلام</small> از جهت تاریخی-سیاسی-اجتماعی.
	دانشگاهی	مواجهه نابرابر دشمن مبتنی بر قدرت سخت-نرم در مقایسه با قدرت نرم امام عسکری <small>علیه السلام</small> در مسئله مهدویت از تولد تا امامت، و تحلیل نتایج و دستاوردها در کوتاه مدت و بلند مدت.
نوع باور	اهل سنت	اثبات عید بودن آغازین روز امامت موعود، از رهیافت توجه قرآن و فرهنگ نبوی به آغازهای مقدس و آسمانی.

وضعیت مخاطب	ایده‌ها	
مندی	دین‌گریز	اثبات ضرورت بیعت ورزی پیوسته با هر زمان، از رهیافت مطالعات انسان‌شناسی فطری-علمی.
میزان باورمندی	مومنانه	الزامات بیعت ورزی پیوسته از جهت لزوم پیشرفت تاریخی هماهنگ با پیشرفت موازی حق و باطل و ضرورت مهدی‌یآوری روزآمد در بستر نیازهای زمانه امام و جامعه شیعه.
	غافلانه	یادآوری حقیقت تشیع از رهیافت لزوم همراهی و پیروی و انس ویژه با معصوم هر زمان و جانشینان او (بیعت ورزی پیوسته تا واپسین نفس).
جغرافیای سکونت	جوامع شیعی	تذکار به لزوم شکر نعمت ولایت و انتظار از رهیافت ایجاد نظام اجتماعی اخوت و مواسات و فرهنگ ایشار و نصرت با دیگر مهدی‌باوران جهت رشد و ارتقای جوامع مهدی‌باور.
	جوامع اهل کتاب	تبیین عید بیعت به عنوان عیدی آسمانی که از رها شدگی بشر (پس از خاتمیت‌های ادعایی در ادیان ابراهیمی) جلوگیری کرده و جاذبه آفرینی برای عید بیعت بر محور وجود واسطه فیض آسمانی پیوسته زمینی و انسانی.

همانگونه که مشاهده شد تنوع مخاطب هم در تنوع ایده‌ها نقش دارد.

البته در جدول فوق تنها ایده‌های کلی و پراکنده ارائه شد و گرنه در یک نگاه تخصصی می‌توان به یک ایده و موضوع واحد از نگرش تنوع مخاطب نگریست.

آخرین مرحله در فرایند غنی‌سازی ایده، مرحله فرم و قالب و روش است. و از آنجا که هر فرم و قالب اقتضائات خود را می‌طلبد می‌توان شاهد برداشت محصولات متنوعی بود. به عنوان نمونه در مباحث تخصصی

خطابی و یا رسانه‌ای مباحث رجالی و حدیثی پر رنگ می‌گردد، ولی در مباحث گاه شماری و یا داستانی توجه به جزئیات مورد عنایت قرار می‌گیرد. نمونه‌ای از ایده‌های معطوف به فرم که بر آمده از تنوع فرصت‌های پیش روی مبلغ است چنین می‌باشد:

موضوع	فرم	ایده
رویداد تاریخی آغاز امامت	نمایشگاه	استخراج رویدادهای موازی سه گانه «سیاه، سفید، خاکستری» در حدفاصل سال‌های پیش تولد امام موعود تا پایان سال اول غیبت صغری، و آنگاه تهیه گاه شمار تاریخی براساس مدل‌های هنری «time line» ^۱
	داستان	بازخوانی ماجرای تولد تا آغاز امامت از زاویه دید شیعه ایرانی در آن مقطع تاریخی. ^۲
	مناظره	بررسی ادله اثبات ولادت و آغاز امامت برای مخاطب غیر شیعه و یا برای رد شبهات وهابیت.
فرهنگ سازی و جریان سازی	فعالیت اجتماعی	تشویق گروه‌های اجتماعی تحت نفوذ (هیئات، مدارس، خانواده‌ها و پرسنل ادارات و اصناف و...) به خواندن دعاهای تجدید بیعت با حضرت (دعای عهد در صبحگاه، زیارت آل یس در شب و شام عید).

موضوع	فرم	ایده
برای جشن نه ربیع	نمایشگاه	تهیه اطلسی مختصر و تطبیقی از جغرافیای شیعه در دوران امام عسکری <small>علیه السلام</small> و دوران غیبت صغری و بیان کمیت و کیفیت امام یوری سازمان وکالت و جامعه شیعه در آن زمان، با نقشه‌هایی از جغرافیای شیعه در زمانه کنونی و تهیه قوت‌ها و ضعف‌های هر جامعه (بر اساس روش سوات: SWOT) و تعریف نقش و مأموریت برای تک تک احاد جامعه شیعه از زن و مرد و شاغل و دانش آموز بر اساس میزان توانمندی در محدوده ابزارهای رایانه‌ای و... موجود و تعریف سبک زندگی پیش روی هر شیعه بر اساس نیازهای شیعه و استعدادهای او.
	جشن خانوادگی	تشویق به برگزاری جشن‌های عقد و عروسی جوانان شیعه در روز عید نهم ربیع الاول.
	شعر و مدیحه	دادن سوژه‌های جالب و جذاب به شعرا جهت تولید اشعار در قالب‌های سرود و شعر آئینی و شعر نو و سنتی و... .
	خطابه	جلسه جشن و سخنرانی شاد و جذاب بر محور حکایات جالب و جذاب امامان با خواص یارانشان، از جهت حظ متقابلی که امامان و یاران رشد یافته و برجسته ایشان از همدیگر می‌برده و نشاطی که با هم داشتند.

و در پایان نباید فراموش کرد که نهم ربیع الاول عید تجدید بیعت است و تجدید بیعت از اختصاصات فرهنگ شیعه است؛ چرا که وقتی در این مکتب، امامت و ولایت واقعیت و حقیقتی پیوسته و مستمر باشد، تولی و ولایتمداری مسئولیتی برای شیعیان هم رسالتی پیوسته خواهد بود که همواره باید روزآمد گردد. و همانگونه که روز عید غدیر تجدید بیعتی با امام اولین است، نهم ربیع الاول تجدید بیعتی پیوسته در بستر زمانه غیبت با امام غائب خواهد بود. و این یعنی نشاط و رشدی پیوسته برای جامعه شیعه تا آستانه ظهور.

۱. تایم لاین یا خط زمان، نمایشگاهی است که بر اساس یک پروسه زمانی سال به سال یا ماه به ماه پیش می‌رود. بر این اساس مجمعه ای از اطلاعات سال به سال یا ماه به ماه یا روزانه یا هفته ای، در مجموعه ای از آویزهای پیاپی که با خط زمان به هم پیوسته اند ارائه می‌گردد. برای آشنایی بیشتر با این روش آن را در موتورهای مرورگر اینترنتی جستجو نمایید.

۲. نک: «عطر میلاد، روایتی نو از داستان میلاد حضرت».

او محزون می‌شویم و دعا نمی‌کند، مگر این که آمین می‌گوییم و ساکت نمی‌شود، مگر این که برایش دعا می‌کنیم.

گفتم: یا امیرالمؤمنین! فدایت شوم، این حالت مربوط به کسانی است که در کنار شمایند یا درباره همه مؤمنان صدق می‌کند؟
 امام فرمودند: رُمیله هر مؤمنی که در شرق یا غرب یا در جاهای دیگر باشد از ما غایب نیست.»^۱

اساس دین اسلام محبت است. حضرت محمد ﷺ مهربان‌ترین آفریده خداست. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «محبت، پایه و اساس من است.»^۲ حتی دشمنانش طعم محبت او را چشیده‌اند. مثلاً: وقتی که یک یهودی - که هر روز به او جسارت می‌کرد- مریض شد، به عیادت او رفت. هنگام فتح مکه پیامبر ﷺ خانه‌ی ابوسفیان را مانند کعبه، مکان امن اعلام کرد و فرمود: هر کس به خانه‌ی خدا یا خانه‌ی ابوسفیان پناه برد، در امان است. مکه را بدون ریختن یک قطره خون فتح کرد و فرمود: «امروز روز رحمت و محبت است؛ به دنبال زندگی‌تان بروید که همه شما آزاد شدگانید.»^۳

پیامبر آن قدر مهربان است که خداوند در وصفش می‌فرماید:
 «ای پیامبر به سبب لطف و رحمت الهی، بر مردم نرم دل شدی، اگر تند خو

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) مرا دوست دارد

□ محمد رضا فوادیان^۱

رُمیله می‌گوید: «در زمان حکومت امیرالمؤمنین (عجل الله تعالی فرجه) روزی به تب شدیدی دچار شدم و در روز جمعه احساس سبکی کردم با خود گفتم: بهتر است که آبی به صورت بزنم و پشت سر حضرت نماز بخوانم. به مسجد آمدم. هنگامی که آن حضرت بالای منبر رفتند. تب من برگشت. وقتی سخنان امام تمام شد و به سرای حکومتی برگشت، من هم به آنجا رفتم و وارد ساختمان شدم. حضرت فرمودند: ای رُمیله! می‌دیدم که به خود می‌پیچیدی. گفتم: آری. آنگاه داستان خود را بازگو کردم.

فرمودند: رُمیله! هیچ مؤمنی مریض نمی‌شود مگر این که ما از شدت علاقه به او مریض می‌شویم و هیچ مؤمنی غمگین نمی‌شود مگر این که ما به خاطر

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۰.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۷۳.

۳. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۰۷.

۱. استاد حوزه و دانشگاه.

و سخت دل بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند.^۱

بر اساس روایات، سیره و شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه مانند پیامبر ص است. در سراسر زندگی حضرت از آموزه‌های مهرورزانه برای جهانیان دیده می‌شود.

امام محمد باقر ع می‌فرماید: «او همانند سیره پیامبر رفتار می‌کند.»^۲

خداوند متعال در وصف پیامبرش می‌فرماید:

«خدای متعال از میان شما، فردی را به رسالت فرستاد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او گران است و برای نجات و آسایش شما حرص می‌ورزد و خود خوری می‌کند و نسبت به مؤمنان بسی دل‌رحم و مهربان است.»^۳

در تاریخ جنگ احد آمده وقتی مشرکین، سر و دندان پیامبر را شکستند، به جای آن که آن‌ها را نفرین کنند، در حق آن‌ها این چنین دعا فرمود: خداوندا! قوم مرا هدایت فرما که آن‌ها نمی‌دانند.^۴ و در مراسم حج وقتی پیامبر کنار کوه صفا به مردم گفت: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا؛ لا اله الا الله بگویند تا رستگار شوید» او را سنگ باران کردند. فرشتگان نزد او آمده و گفتند: اگر فرمان بدهی کوه‌ها را بر سر آن‌ها خراب می‌کنیم. اما پیامبر فرمود: «من پیامبر رحمت هستم. پروردگارا امت مرا هدایت کن، زیرا آن‌ها نمی‌دانند.»^۵

پیامبر ص در وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید:

«او مردی از تبار من و همنام من است. او در خلقت و سیرت شبیه‌ترین مردمان به من است.»^۱

در روایت‌های فراوانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در صورت و سیرت شبیه پیامبر ص معرفی شده است. پیامبری که رأفت و رحمتش به عنوان الگو و اسوه برای جهانیان است.

عبد الله بن ابان روغن فروشی داشت. روزی به امام رضا ع عرض کرد: آقا جان! برای من و خانواده‌ام دعا کنید. حضرت در پاسخ گفت: «مگر دعا نمی‌کنم؟ به خدا قسم کارهای شما هر روز و هر شب بر من عرضه می‌شود.»^۲

عبدالله تعجب می‌کند. حضرت در ادامه می‌فرماید: آیا کتاب خدا را نمی‌خوانی که می‌فرماید:

«بگو عمل کنید که خداوند و پیامبرش ص و مؤمنان (ائممه ع) عمل شما را خواهند دید.»^۳

حتی شگفت زده خواهید شد اگر بدانید امام زمان عجل الله تعالی فرجه نه تنها روزی یک بار، بلکه همیشه دعاگوی ماست.

امام صادق ع می‌فرماید: «همانا من در هر شبانه روز هزار مرتبه برای

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵۴.

۳. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۴. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۲۷۶.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. بصائر الدرجات، ص ۴۲۹.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

پیروان گناهکارم دعا می‌کنم.»^۱

آیا می‌دانید چقدر از بلاها به وسیله امام زمان و به دعای ایشان از ما دفع شده است. از آنجا که همه امور به محضر ایشان عرضه می‌شود، امام از هر بلایی که قرار است نازل شود آگاه است،^۲ لذا از خداوند می‌خواهد تا آن بلا بر ما نازل نشود.

او عاشقانه برای همه ما دعا می‌کند. قطعاً هر کسی خوب باشد، سهم بیشتری از محبت او دارد. اما این به آن معنا نیست که او عاشق همه ما نباشد و هوای ما را نداشته باشد. او برای ما و همه کسانی که ما دوستشان داریم، دعا می‌کند و سرنوشت خوب می‌طلبد.

با خواندن سوره قدر در می‌یابیم که فرشتگان و روح‌القدس در شب قدر بر امام زمان علیه السلام نازل می‌شوند و سرنوشت یک ساله‌ی ما را به امضای ایشان می‌رسانند، و کسی که قدرت تغییر سرنوشت را دارد، امام مهدی علیه السلام است. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «به درستی که خداوند ما اهل بیت علیهم السلام را بر آنچه بخواهیم توانا قرار داده است.»^۳

۱. «انی لا دعوا الله لمذنبی شیعتنا فی الیوم و اللیلة الف مرة»؛ (اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۲).

۲. امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: هیچ ملکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر این که ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می‌دارد. (بصائر الدرجات، ص ۱۱۵).

۳. بصائر الدرجات، ص ۳۹۵.

در شب‌های قدر محبت امام مهدی علیه السلام چنان فراگیر است که بسیاری از آن بهره‌مند می‌شوند و ما چقدر به این محبت بی‌کران نیازمندیم. خیلی از خوبی‌ها که نصیب ما شده است به سبب سرنوشتی پر از خیر و خوبی است که او برایمان امضاء فرموده است.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمودند: «فرشتگان الهی و روح‌القدس در شب قدر هر آنچه را که در طول سال قرار است رخ دهد با امام در میان می‌گذارند. یکی پرسید: مگر امام از آن احکام و امور بی‌خبر است؟

حضرت فرمودند: خیر، با خبر است، ولی در شب‌های قدر از سوی خدا به پیغمبر صلی الله علیه و آله و جانشینان ایشان نسبت به آنچه می‌دانند، دستور می‌آید که آن چه را می‌دانند اجرا کنند.»^۱

چرا فرشتگان نامه اعمال ما را هر هفته، هر ماه و هر سال بر حضرت عرضه می‌کنند؟ این کار چه سودی دارد؟ امام مهدی علیه السلام بی‌شک از همه اعمال و رفتار ما در گذشته، حال و آینده خبر دارد. کسی که از همه چیز آگاه است چرا باید نامه اعمال ما را ببیند؟

آیا این مسئله تشریفات است، یا فایده‌ای دارد؟ پیامبر می‌فرماید: «همانا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می‌شود، پس من در برابر کارهای خوب شما خدا را شکر می‌کنم و برای اعمال بدتان از خداوند بخشش شما را می‌خواهم.»^۲

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. بصائر الدرجات، ص ۴۶۴.

امام رضا علیه السلام هم می‌فرماید: «به درستی که ما امامان در هر صبح و شام بر اعمال شیعیانمان که بر ما عرضه می‌شود می‌نگریم. پس بر کوتاهی‌های ایشان، طلب عفو و بخشش می‌کنیم و بر اعمال نیک ایشان شکر خداوند را به جا می‌آوریم.»^۱

امام مهدی علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید می‌نویسد: «ما در مراعات و خبر گیری از حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را فراموش نمی‌نماییم.»^۲

این اغراق نیست، امام با تمام وجود ما را دوست دارد و به ما عشق می‌ورزد. بی سبب نیست که از خداوند متعال می‌خواهیم: «و امنن علینا برضاه و هب لنا راقته و دعاه؛ خدایا! بر ما به خشنودی آن حضرت منت گذار و رأفت و مهربانی و دعای خیر و برکت وجود مقدسش را به ما عطا فرما تا بدین وسیله، ما به رحمت گسترده و سعادت نزد تو دست یابیم.»^۳

حتماً شنیده‌اید که محبت، محبت می‌آورد. وقتی ما امام زمان علیه السلام را دوست داریم، پیداست که ایشان هم ما را دوست دارند. به قول معروف:

چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی که یک سر مهربانی درد سر بی

کسی به امام صادق علیه السلام گفت: «به خدا قسم شما را دوست دارم» حضرت به زمین خیره شد و پس از لحظه‌ای سر برآورد و فرمود: راست گفتی، از قلب خود بپرس که دل من نسبت به محبت تو چگونه است؟ زیرا همانا دل

من از آنچه در قلب توست خبر می‌دهد.»^۱ از این روایت در می‌یابیم که محبت شما به امام یعنی عشق امام به شما، پس بهتر است دوباره سری به قلبتان بزنید؛ اگر عشق به او جاری است بدانید به خاطر این است که قلب امام زمان علیه السلام هم سرشار از محبت به شماست.

بسیاری از عنایت‌های حضرت مهدی علیه السلام نیز به سبب محبت و عشق است؛ او به انسان‌ها عشق می‌ورزد.

او فقط امام ایران و این جا و آن جا نیست. امام جغرافیاست. امام شرق و غرب عالم است. امام زمین و آسمان است. محبت او به هستی برای کسب منفعت یا فرونشاندن میلی نیست. وجود او پر از محبت الهی است.^۲ عادت او احساس و نیکی به خلائق است.^۳ همه از چشمه محبت او سیراب شده‌اند، زیر چتر محبت او ایستاده‌اند.

عهد کردم که بدهکار نباشم به کسی وای از دست محبت که بدهکار توام انسان گناهکار هم دوست دارد که دیگران او را دوست بدارند و از خود نرانند، اما این گونه نیست؛ گناهکار با گناهش از چشم خیلی‌ها می‌افتد. بنابراین، اگر گناه کنیم، امام مهدی علیه السلام هم غمگین است. اما باز هم

۱. «حد ثنا مسعده بن الیسع قال: قلت: ... والله لا حیک ثم رفع راسه...»؛ (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۵۲).
 ۲. زیارت جامعه: «التامین فی محبة الله».
 ۳. همان: «عادتکم الاحسان و سجتکم الکرّم».

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۵۲.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. دعای ندبه.

مشتاق توبه و بازگشت ماست. ایشان در پیامی شیوا به شیعیان خود می‌فرماید:

اگر نبود محبت و علاقه ما نسبت به صلاح شما و رحم و دلسوزی ما نسبت به خود شما، هر آینه از خطاب با شما صرف نظر می‌کردیم و کاری به کارتان نداشتیم.^۱

هر گاه راه به جایی نداشتید بدانید امام علیه السلام شما رامی پذیرد. اگر روزی دنیا به این بزرگی برای شما کوچک شد، بدانید جایی برای پر کشیدن و پرواز به سوی آن وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «امت من به امام علیه السلام پناه می‌برد، آن گونه که زنبور عسل به ملکه‌ی خود پناه می‌برد.»^۲ و «امت من به او پناه می‌برد، همان گونه که پرندگان به آشیانه خود.»^۳

روی صندوق‌های صدقات خوانده‌اید این حدیث نوشته شده: «صدقه بلا را دفع می‌کند.»

تا حالا فکر کرده‌اید امام مهدی علیه السلام چند بلا را از ما دفع کرده است؟ چند بار از خداوند برای ما، زنده ماندن و عمر طولانی طلب کرده است؟ راستی سهم ما از دعاهای نیمه شب امام مهدی علیه السلام چقدر بوده است؟ سید بن طاووس می‌گوید: سحرگاهی در شهر سامرا شنیده‌ام که امام مهدی علیه السلام این گونه دعا می‌فرمود:

«خدایا! شیعیان را تا روزگار عزت، ملک، حکومت و دولت ما زنده و باقی بدار.»^۱

یقین کنید امام مهدی علیه السلام با دعاهای خویش همواره در حفظ شیعیان می‌کوشد. نصر - یکی از خادمان خانه‌ی امام حسن عسگری علیه السلام - می‌گوید: زمان کودکی امام مهدی علیه السلام حضرت به من فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ گفتم: آری، شما آقای من و فرزند مولای من هستی. حضرت فرمود: از این نپرسیدم. گفتم: نمی‌دانم شما بفرمایید: حضرت فرمود: «من خاتم اوصیاء هستم و بلا تنها به وسیله من از خانواده و شیعیانم دفع می‌شود.»^۲

هر شخصی بارها فاصله خود را با فقر، تصادف، رسوایی و بی‌آبرویی کم کرده است. اما چه کسی او را نجات داده است؟

اگر محبت‌های ایشان نبود، زندگی ما تا کنون دوام نداشت. ما نبودیم، به هزار راه نرفته، رفته بودیم و کینه‌ها وجودمان را فرا گرفته بود. بهتر است بگوییم اگر محبت‌های او نبود، آغاز و نهایت ما مشخص نبود.

تولد و مرگ ما به امام مهدی علیه السلام گره خورده است. اگر متولد شدیم او ما را خواسته است و اگر بمیریم او ما را تنها نمی‌گذارد. امروزه ما مانند برگی هستیم که درختش امام زمان علیه السلام است. امام محمد باقر علیه السلام درباره درخت طوبی می‌فرماید:

آن درخت، حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. تنه آن، حضرت علی علیه السلام و شاخه‌اش حضرت فاطمه علیه السلام و میوه‌هایش

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹: «لولا عندنا من محبته صلاحکم.»

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۷.

۳. دلائل الامه، ص ۴۴۵.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱.

فرزندان فاطمه علیها السلام و شیعه برگ‌های آن درخت هستند. هرگاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود. برگی از آن درخت می‌افتد و هر گاه نوزادی برای شیعه به دنیا آید به جای آن برگ، برگی می‌روید.^۱

تولد و زندگی به خاطر وجود حضرت مهدی علیه السلام است. در حقیقت سر چشمه حیات در این زمان وجود نازنین و گرامی ایشان است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما اهل بیت علت به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم.»^۲

و در روایت دیگری می‌فرماید: «خداوند اهل بیت علیهم السلام را سبب زندگی خلائق قرار داده است.»^۳ رشد و بزرگ شدن هم با عنایت امام زمان بوده است. در امور زندگی هم همه خوبی‌ها از سوی امام زمان علیه السلام به ما می‌رسد، او واسطه فیض است؛ تمامی نعمت‌ها، رزق و روزی‌ها، منفعت‌ها، برکت‌ها و رحمت‌ها به خاطر امام زمان علیه السلام و از سوی ایشان به ما می‌رسد.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

خداوند، به خاطر اهل بیت به بندگانش روزی می‌دهد و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج می‌کند.^۴

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند به سبب ما درختان را میوه‌دار، و میوه‌ها را رسیده و قابل استفاده می‌کند و به خاطر ما باران را نازل و زمین‌ها را سبز می‌گرداند.»^۱

محبت‌های امام زمان علیه السلام به هنگام مرگ هم شامل ما می‌شود. آیت الله جوادی آملی می‌گوید: اگر کسی واقعاً مهدوی باشد، همین که دارد می‌میرد، نخستین کسی که به بالین او می‌آید، وجود مبارک حضرت است.^۲

مرحوم کلینی علیه السلام نقل می‌کند: «چهار بزرگوار به بالین محتضر مؤمن می‌آیند و هیچ لذتی برای مؤمن به اندازه‌ی لذت مردن نیست.»^۳

اگر شما مؤمن و مهدوی باشید، زندگی و مرگتان غرق در محبت امام زمان علیه السلام است.

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به خاطر ما به زندگانی شما در دنیا و عالم قبر روشنی می‌بخشد.»^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لحظه جان دادن، هنگام راحتی و لذت بردن می‌شود. شب اول قبر شب راحتی انسان است. پاسخ به سوال‌های قبر آسان خواهد شد.^۵

۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. فصلنامه/انتظار موعود، ش ۱۳، ص ۵۲.

۳. کافی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۴. ینابیع المعجز، ص ۱۱۸.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۵.

۱. بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۱۲: واوراقها شیعتنا.

۲. همان، ج ۲۶، ص ۲۵۹.

۳. اثبات الوصیه، ص ۱۸۳.

۴. کافی، ج ۳، ص ۲۳۹.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

از روح میت در قبر پنج چیز پرسیده می‌شود. از نماز، زکات، حج و روزه و ولایت ما اهل بیت علیهم السلام، پس ولایت از کنار قبر به نماز، زکات، حج و روزه می‌گوید: اگر کاستی در شما هست من جبران می‌کنم.^۱

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

بر من و دیگر امامان در هر زمان لازم است که بر جنازه شما در هر کجا که باشد حاضر شویم، پس تقوای الهی را پیشه خود سازید.^۲

ولی ما چه کرده‌ایم؟ تا حالا چقدر از محبت‌های امام زمان علیه السلام سخن گفته‌ایم، چه قدر در این باره پیامک زده‌ایم؟ چند تابلو از جلوه‌های مهر و محبت نقش دیوار فکر، جان و خانه‌مان شده است، چقدر!!!

امام محمد باقر علیه السلام به یکی از یارانش که با دوستان خود همواره درباره ولایت گفتگو می‌کردند، فرمود:

به خدا قسم دوست می‌دارم در گفت و گوی ایشان با شما باشم. من بوی شما و روح شما را دوست می‌دارم. شما بر دین خدا و دین فرشتگان اوید، پس ما را با تقوایتان و اجتهاد و کوششتان یاری کنید.^۳

از این همه محبت چند پیمانه برداشته‌ایم؟ چقدر خودمان را به آن سپرده‌ایم؟

متأسفانه برخی مسلمانان و شیعیان چنین می‌پندارند که امام مهدی علیه السلام خشن و خون ریز است و او را با شمشیر و قتل می‌شناسند.

باید گفت از سوی برخی دروغ پردازان و سازندگان احادیث دروغین، دروغ‌های ناروایی بر امام مهربانی‌ها بسته‌اند و کار را به جایی رسانده‌اند که برخی شیعیان باور کرده‌اند که امام علیه السلام با قتل و کشتار حکومت می‌کند و انسان‌های گنه‌کار را از دم تیغ می‌گذرانند و شمشیر امام گردن انسان‌ها را می‌زنند.^۱ حتی برخی با هم شوخی می‌کنند و گردن همدیگر را می‌بوسند و می‌گویند: «جای شمشیر امام زمان علیه السلام را می‌بوسیم.»

حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور با مردم مهربان است و با کارگزاران حکومتش سخت برخورد می‌کند.^۲ او با دشمنان انسانیت (صهیونیسم) سخت و خشن برخورد می‌کند.

﴿اشدء علی الکفار رحماء بینهم﴾^۳

جالب اینجاست که برخی شیعیان می‌پندارند اگر امام مهدی علیه السلام ظهور کند، زندگی این دنیا تمام می‌شود. پس نمی‌خواهند امام زمان علیه السلام ظهور کند.

در حالی که نمی‌دانند از ظهور تا قیامت فاصله‌ی زیادی است و پس از ظهور، رجعت رخ می‌دهد. آن زمان زندگی رنگی تازه می‌گیرد؛ رنگی که آن را از زندگی‌های امروزی جدا می‌کند.

عصر ظهور عصر زندگی است، عصر خوبی‌ها، ظهور رأفت‌ها، جوشش شفقت‌ها و رسیدن به عطوفت‌هاست.

۱. فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۲، ص ۲۳۳.

۲. «رحیما بالمساکین شدیدا علی العمال»؛ (معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۴۶).

۳. سوره فتح، آیه ۲۹.

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲. مناقب آل ابیطالب، ج ۳، ص ۴۱۱.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۷.

و قدرت در دوران جاهلیت از نمادها و عبادات دینی به سود خود بهره می‌بردند.

در عصر ما نیز برخی تفسیرها و برداشت‌ها از موضوع ولایت و امامت و چگونگی رابطه امام و امت باعث شده است که به نام بهره‌گیری و تبعیت از اهل بیت و وفاداری به عشق اهل بیتی، کارهایی انجام شود که باعث افتراق امت اسلام و به هدر رفتن جان، ناموس و منافع عظیم مسلمانان و امت اسلامی شود.

برخی از جریان‌ها به نام اسلام که به تشیع انگلیسی معروف شده اند، از مناسبت‌های اسلامی شیعی بهره‌برداری سوء می‌کنند؛ از جمله این مناسبت‌ها، نهم ربیع الاول است که به نام سالروز آغاز امامت امام عصر علیه السلام مزین شده است؛ اما بنابر برخی ادله ضعیف روز گذشته شدن یکی از خلفاست و لذا به بهانه جشن و سرور و احیای امر اهل بیت، گفتارها و رفتارهایی نسبت به مقدسات دیگر مذاهب اسلامی انجام می‌دهند که توهین آمیز و تفرقه افکنانه است.

مباحثی که در این نوشتار مطرح می‌شود با محوریت این موضوعات است:

- جایگاه امام و امامت نسبت به امت؛
- اتحاد امت اسلامی بر مبنای امامت و عقلانیت شیعی؛
- تعظیم شعائر و انحرافات واقع شده در این موضوع؛
- پیام‌ها و هشدارهای علما در مورد انحرافات مربوط به شعائر اسلامی؛
- نقشه‌ها و راه‌های نفوذ دشمن از طریق اختلاف افکنی و با بهانه‌های

نهم ربیع الاول؛ آغاز امامت امام عصر علیه السلام

فرصت‌ها و چالش‌ها

□ جواد اسحاقیان - حجت حیدری چراتی^۱

مقدمه

تشیع به عنوان مسیر حقیقی اسلام ریشه در مبانی نظری و عملی مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد. التزام به این عقاید و رفتارهای برخاسته از آن باعث سعادت دین و دنیا می‌شود، خصوصاً در عرصه اجتماعی و سیاسی، هرچه التزام عملی بیشتر باشد اهداف اسلامی بیشتر در دسترس خواهد بود.

هرچه زاویه بیشتری از این معیارها ایجاد شود از اهداف اسلام دور می‌شویم و حاصل این زاویه، نزدیک شدن به جاهلیت و بهره‌برداری بیشتر دشمنان اسلام از آن خواهد بود؛ همانگونه که سران کفر و صاحبان سرمایه

۱. فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت.

مذهبی و گروه‌های تفرقه افکن در امت اسلامی.

امام؛ مظهر رحمت

با توجه به متون دینی روشن می‌شود که پیامبر و اهل بیت، مظهر رحمت و محبت به کل عالم اسلامی هستند. همانطور که امام رضا علیه السلام فرمودند:

الإمامُ الأَئیسُ الرَّقیقُ وَ الوالدُ الشَّقِیقُ وَ الأَخُ الشَّقِیقُ وَ الأُمُّ الأَبْرَةُ بِالوَلَدِ الصَّغِیرِ^۱
در این روایت امام به عنوان انیس مهربان و پدری با شفقت و مادری دلسوز به طفل خود معرفی شده است. هرکس این نسبت‌ها و نقش‌ها را داشته باشد هرگز کاری انجام نمی‌دهد که زمینه نفرت و گریز دیگران شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله بارها خود و امیرالمؤمنین علیه السلام را پدران امت خود معرفی کرد: «أنا و علی ابوا هذه الأمة»^۲

در روایت دیگری علی علیه السلام فرمودند: «و لحقنا علیهم اعظم من حق ابوی ولادتهم»؛ حق ما بر امت بزرگتر از حق پدر و فرزندی است.^۳

این گونه روایات نشان می‌دهد که نمی‌توان به نام دفاع از اهل بیت، کاری انجام داد که از رحمت و رافت به دور باشد و افرادی که دارای عقاید

و مذاهب دیگر هستند و آشنا با حقایق اهل بیت نیستند را آماج حملات قرار داد. همانطور که پدر با وجود اختلافی که در فرزندان‌ش هست و شایستگی متفاوتی در آنها می‌بیند، ولی هم به لحاظ رابطه پدرانه همه را زیر بال و پر محبت خود قرار می‌دهد و هم از نظر مصلحت و مدیریت خانواده هم کاری نمی‌کند که باعث درگیری و حسادت و فتنه درون خانواده شود.

همواره در مقابل جریان امامت و اولیای الهی، صاحبان قدرت و ثروت که منافعشان را در خطر می‌بینند، وارد عرصه شده و سعی می‌کنند به حذف فیزیکی امام حق و یا تخریب شخصیت آنان پردازند و اگر فضای اجتماعی مناسب برای این کارها وجود نداشت و امکان عملی کردن آن را نداشتند با نفوذ فرهنگی به پیاده کردن نقشه‌های خود از طریق غیر مستقیم و به اصطلاح، تقابل نرم می‌پردازند. در عصر حاضر، بیشتر فعالیت‌های دشمنان از طریق جنگ نرم واقع می‌شود.

نفوذ و جنگ نرم

جنگ نرم و عملیات روانی، گستره مفهومی وسیعی را شامل می‌شود که طی آن، ابزارهای فرهنگی، هنری، تبلیغی، زبانی و ارتباطی گوناگون در خدمت تأمین مقاصد اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن قرار می‌گیرد.

ابزار و شیوه‌های جنگ نرم

ابزار کاربردی آن، ناتوی فرهنگی است که در قالب ابزارهای عمومی و

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴، ح ۴۰ و ص ۱۷۱، ح ۳۸.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۹۵.

۳. همان، ج ۲۳، ص ۲۵۹.

روانی و رسانه‌ای عمل می‌کند. هدف آن تضعیف ثبات و امنیت اجتماعی، فرهنگی بوده و دوره آن بلند مدت است؛ از این رو می‌توان تهدید یا براندازی نرم را تلاش دشمن جهت تسلط کامل در ابعاد گوناگون بر یک جامعه دانست که این تسلط با زدودن الگوهای رفتاری و هنجارهای ارزشی جامعه مورد تهاجم و جایگزینی الگوها و ارزش‌های جامعه‌ی مهاجم محقق می‌گردد. در این نوع تهدید و جنگ، کشور مهاجم بدون خونریزی و با طی کردن پروسه زمانی آرام و بدون نیاز به نیروهای نظامی بلکه با استفاده از استحاله فکری و فرهنگی یک جامعه، سلطه همه جانبه خود را بر آن جامعه تحمیل کرده و با روش نرم افزاری حساب شده آنان را مطیع خود می‌گرداند. بزرگان همواره در مورد خطر جنگ نرم هشدارهای لازم را داده اند؛ از جمله حضرت امام خمینی علیه السلام که اهداف نظام اسلامی را در حد امت اسلام و کل نظام بشری گوشزد کرده اند، می‌فرمایند:

«... ما تصمیم داریم پرچم "لا اله الا الله" را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم.»

در مقابل این دیدگاه متعالی و آرمان‌های اسلام انقلابی، دشمنان اسلام به وسیله ابزارهایی، جنگ نرم را دنبال می‌کنند و به دنبال تضعیف این نگاه جامع و کلان در دین هستند. این ابزارها عبارتند از: شبه روشنفکران لیبرال، وهابیت و دیگر فرقه‌های انحرافی و نیز گروه‌های تفرقه افکن که به نام تشیع و دفاع از ولایت به مبارزه با نظام اسلامی می‌پردازند که نوعاً این گروه‌ها دارای نگاه انحرافی، منطقه‌ای و تک بعدی به دین و خصوصاً

اسلام و آموزه‌های اسلامی هستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز با مورد توجه قرار دادن اهداف اصلی و کلان امت اسلامی، همواره در فرمایشات خود به بحث جنگ نرم و اهداف دشمن در خالی نمودن محتوای نظام اشاره دارند و اینکه دشمن در کل می‌خواهد ظاهر اسلام حفظ شود، ولی باطن و اهداف اصلی اسلام مغفول بماند:

... جنگ نرم فقط مخصوص ایران نیست... در چارچوب اهداف جنگ نرم دشمن، باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معمم در رأس آن مهم نیست، مهم آن است که ایران تأمین کننده اهداف امریکا، صهیونیسم و شبکه قدرت جهانی باشد... هدف اصلی و نهایی جنگ نرم طراحی شده، انحلال درونی و استحاله داخلی جمهوری اسلامی از طریق تغییر باورها و سست کردن ایمان مردم و به ویژه جوانان است.

رهبر انقلاب در همین زمینه ترویج دین حداقلی و دین سکولار را - که با هر رفتار شخصی و اجتماعی قابل انطباق است - از جمله اهداف پنهان برنامه‌های عمدتاً اجتماعی رسانه‌های بیگانه خواندند.^۱

هدف دشمن

هدف دشمن، تخریب نظام اسلامی از راه تغییر باورها و آرمان‌های

۱. سخنرانی ۲۰ مهر ۱۳۹۴.

جهانی آن است و جریان‌های تفرقه افکن به بهانه‌های مختلف مانند مسائل اقتصادی و نیز باورهای اعتقادی خاص خود، همین هدف را دنبال می‌کنند. بدین معنا که تشیع و مکتب اهل بیت را طوری تعریف و تحریف می‌کنند که برنامه‌های نظام اسلامی در برابر آن قرار گیرد.

از راه‌های ورود و نفوذ دشمن برای تحقق جنگ نرم و استحاله امت اسلامی، برپایی شعائر اسلامی با سبک و سیاقی است که اهداف دشمن را دنبال کند و با وجود ظاهر مذهبی از محتوای حقیقی خالی باشد.

ظرفیت‌ها و آسیب‌های شعائر دینی و ارتباط آن با جنگ نرم

آئین‌ها و مناسبت‌های دینی، اعیاد و وفیات اهل بیت علیهم‌السلام از ظرفیت‌های موجود است. غدیر، عاشورا و جشن‌های مهدوی مانند نیمه شعبان، سالروز تولد منجی عالم امکان و نهم ربیع الاول سالروز آغاز امامت امام زمان علیه‌السلام چنان شور انگیز و تاثیر گذار است که علاوه بر برانگیختگی احساسات و عواطف معنوی و انسانی مردم و مشارکت بالای آن‌ها در اجرای آن، پیام‌ها و درس‌هایی به دنبال داشته که زیر بنای فکری فرهنگی بسیاری از نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی و آزادیبخش بوده است؛ مانند قیام‌های صدر اسلام (توابعین، زید شهید، شهید فخر و...) و نیز جریان نهضت تنباکو، مشروطه و سرانجام انقلاب اسلامی و نهضت مقاومت و بیداری اسلامی.

ولی متأسفانه گروه‌های انحرافی از مناسبت‌های مذهبی به خصوص نهم ربیع، سوء استفاده کرده و با اجرای برخی از برنامه‌های ناخوشایند، وحدت

جامعه اسلامی را از بین می‌برند.

شعائر اسلامی و اولویت‌های دینی

در اسلام، بحث شعائر دینی دارای اهمیت ویژه است. قرآن، تعظیم شعائر را نشانه تقوا دانسته است:

ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَاَنَّهُمْ مِّنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛^۱ امر چنین است و هر کس که شعائر الهی را بزرگ بدارد این امر از پرهیزگاری دلهاست.

"شعائر" یعنی علامات و نشانه‌هایی که خداوند آنها را برای اطاعت خود نصب نموده، مثل صفا و مروه که خداوند آنها را از شعائر الهی می‌نامد؛ لذا هر کس که احترام شعائر الهی را حفظ کند و آنها را بزرگ بدارد این عمل او از تقوای قلبش نشأت می‌گیرد. چون حقیقت تقوا و از مصادیق تقوا آن است که انسان از ناخشنودی و سخط الهی احتراز کند و از محرمات او اجتناب نماید که این عمل امری معنوی و قائم به دل انسان است.^۲

بر اساس آیه مذکور، شعائر، مجرای تحقق رضایت الهی و تقوا است، اما مشاهده می‌شود که گاهی برخی از مسلمانان، رفتارهای خلاف تقوا و در برابر رضایت خداوند و اولیای الهی در مراسم‌های مربوط به شعائر انجام می‌دهند که این نشان دهنده عدم تحقق تعظیم شعائر در کار ایشان است.

۱. سوره حج، آیه ۳۲.

۲. تفسیر المیزان ذیل آیه همراه تلخیص.

نهم ربیع الاول مظهر وحدت (تعظیم شعائر مهدوی)

این مناسبت از اهمیت خاصی برای تحقق اهداف دین برخوردار است؛ مثلاً شکرگزاری نعمت امام حیّ و زمینه‌سازی برای تحقق جهانی شدن اسلام به وسیله امام و موعود ادیان و نیز لزوم برقراری ارتباط معنوی با ایشان و اینکه اطاعت از وی زمینه برقراری آموزه‌های جهانی اسلام را فراهم می‌کند. از سوی دیگر جهانی شدن اسلام معادل برقراری انسانیت، توحید و رفاه همراه با عدالت جهانی برای انسان است که همه این‌ها به رهبری امام زمان محقق می‌شود.

در حالی که گروه‌هایی مانند شیعه انگلیسی در پوشش بزرگداشت این مراسم، برنامه‌ها و تبلیغاتی دارند که در جهت عکس این اهداف و فرصت‌هاست؛ فعالیت‌های آن‌ها با ایجاد نفرت نسبت به تشیع و باورهای مربوط به این امام علیه السلام و نیز در تقابل قرار دادن عموم انسان‌ها با آموزه‌هایی به نام تشیع، مانعی در پذیرش عمومی جهانیان نسبت به آموزه‌های اسلام می‌شود.

بررسی جریان‌های انحرافی معاصر (در سوء استفاده از تعظیم شعائر)

برخی از این نوع جریان‌ها در پوشش علمی و نام اجتهاد به تبلیغ برداشت‌های غیر علمی خود از دین و شعائر اهل بیت علیهم السلام می‌پردازند. در این گروه‌ها به جای آنکه اجتهاد از طریق مرسوم و متقن حوزه‌ها اثبات شود، آن را امری موروثی نموده‌اند. نوع دیگری از سوء استفاده‌های این جریان، آن است که با صرف تلبس به لباس روحانیت و تبلیغات گسترده در شهرهای تحت نفوذ خود، مرجعیت را برای خود تثبیت می‌کنند.

برخی از فعالیت‌های انحرافی این جریان‌ها:

تضعیف و تخریب جریان مقاومت اسلامی در سده اخیر

به عنوان نمونه در لبنان بین طرفداران امام موسی صدر و افرادی از این

جریان، درگیری رخ می‌دهد که منجر به زخمی شدن چند نفر می‌شود.

تنبأ گزارش ساواک در تاریخ ۲۵۳۶/۱/۲۷ در حرم حضرت زینب علیها السلام این

درگیری شدید با دخالت پلیس و زد و خورد پایان یافت.

شهید چمران در جایی در این مورد می‌گوید:

... عده‌ای از مسلمانان قشری و متعصب را به دور

خود جمع می‌کنند و با جنگ تبلیغاتی اعصاب ما را

ناراحت می‌نمایند و شهدای ما را مسخره کرده،

می‌گویند: شهید نیستند، زیرا فتوایی برای قتال از

مرجع (مورد قبول خود این گروه) وجود ندارد...^۱.

این ناهمگونی و تقابل با نهضت‌های اسلامی، مورد تایید و رضایت

ضمنی شبکه‌های جاسوسی مانند ساواک در زمان طاغوت قرار گرفته است.

در امتداد مخالفت عالمان و مجاهدان با این جریان؛ امام خمینی رهبر

پرداخت هر نوع سهم امام به این گروه را حرام اعلام کردند.

ایشان فتوا دادند که پرداخت هر نوع سهم امام به حوزه علمیه زینبیه و

شاگردان این جریان، حرام است و به دستور ایشان در آینده هیچ نوع حقوقی

۱. خاطرات صادق طباطبایی، ص ۳۷۸.

به طلبه‌هایی که نزد آن‌ها درس می‌خوانند پرداخت نخواهد شد.^۱
 - این جریان در برنامه‌های رسانه ای خود که عمدتاً از لندن پخش می‌شود، توهین‌هایی به مراجع معظم تقلید- مانند مرحوم آیت الله بهجت و رهبر معظم انقلاب - داشته است.

ولایت‌پذیری و اجرای فرامین ولایت

شیعیان واقعی به دنبال طرح عالمانه موضوع ولایت هستند، ولی دشمنان به دنبال آن هستند که اسم ولایت دائماً موضوعی برای سرگرمی و مشغولیت مسلمانان باشد(گاهی هم خود جریان‌ها توسط دشمن بازیچه قرار می‌گیرند). بدین معنا که ولایت دارای کارکردهای گسترده برای اصلاح فرد و جامعه و تحرک در مومنان و ترسیم چشم‌انداز مسیر الهی و حرکت مستمر در آن است، ولی گروه‌های انحرافی تنها با تکرار نام ولایت و برنامه‌سازی در لایه سطحی و ظاهری و تبلیغاتی صرف در این موضوع، مانع عمق‌یابی و تحقق کارکرد های واقعی آن می‌شوند.

در جریان فعالیت گروه‌های انحرافی مربوط به نهم ربیع الاول هم، تحت شبکه‌های رسانه ای این برخورد با موضوع ولایت انجام می‌شود و اشخاص معلوم‌الحالی مدیریت و اجرای این موضوع را به عهده گرفته‌اند.

از مهم‌ترین اقدامات ضد شیعی و مذهبی این گروه منتسب به شیعه در فضای ماهواره‌ای جهان، می‌توان به تأسیس چند شبکه فارسی و عربی زبان

با نام‌های شبکه جهانی امام حسین ۱ و ۲ و ۳، مرجعیت، فدک، سلام، رقیه، ابوالفضل العباس، الانوار، خدیجه، الزهرا، المهدی و... اشاره کرد که در ایام محرم با تبلیغ برخی مسائل با عنوان شعائر حسینی، باعث وحشت مردم دنیا از شیعیان شده‌اند.

نام‌گذاری نهم تا پانزدهم ربیع‌الاول به عنوان هفته برائت توسط شبکه ماهواره‌ای امام حسین علیه‌السلام که توسط این گروه اداره می‌شود؛ آن هم دقیقاً در ایام هفته وحدت، موجبات نگرانی بسیاری از شیعیان را فراهم آورد.

نمونه دیگر از اعمالی که باعث ایجاد چهره ناشایست از تشیع می‌شود مسئله قمه زنی است که تقریباً اکثر مراجع اعلم شیعه این کار را به نحوی رد کرده‌اند، اما این گروه‌ها فتوای استحباب صادر کرده‌اند. در تمام این اقدامات و فعالیت‌های رسانه‌ای سعی می‌شود جامعه را به سمت حساسیت صرف بر روی عنوان ولایت و انجام برخی اعمال ظاهری منتسب به تشیع جهت دهی کنند و از آنجا که این مراسمات تبعات خاص خود را دارد و فکر و ذهن و ظرفیت بالایی را به خود اختصاص می‌دهد، اگر کسانی بخواهند به درس‌ها و کارکردهای واقعی ولایت بپردازند، در دید این جریان‌ها اشخاص سست‌اعتقاد، بدون غیرت و لایبی و فاصله‌گرفته از اصل و سنت ولایی تلقی می‌شوند.

البته اینگونه رفتارهای ناشایست، با برخورد و عکس‌العمل خوب و به موقع بزرگان اهل سنت و شیعه همراه بود.

۱. یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۱۷، امام موسی صدر، ص ۱۷۹.

برخی از فعالیت‌های رسانه‌ای مربوط به این جریان

شبکه فدک

یکی از فعالان این جریان که در دادگاه کویت به جرم تندروی و رفتار ضد امنیتی محکوم هم شده است، در لندن منبر می‌رود و شبکه فدک را مدیریت می‌کند.

چگونگی ورود او به انگلیس هم قابل توجه است، قبل از آنکه به حمایت انگلیسی‌ها به لندن برود در کویت فعالیت داشت؛ اما تنها سه سال از راه‌اندازی «هیئت خدام‌المهدی» توسط وی در کویت گذشته بود که تندروی‌های وی، دولت کویت را مجبور کرد هیئتش را پلمپ و او را روانه زندان کند.

او حضور چشم‌گیر و پررنگی در دیگر شبکه‌های زنجیره‌ای این طیف فکری دارد. وی روزنامه‌ای با نام «shianewspaper» منتشر می‌کند، حوزه علمیه «امامین عسکریین» را در لندن به راه انداخته، و در سال ۲۰۱۰ نیز مکان هیئتش در لندن را به حسینیه‌ای بزرگ به نام «حسینیه سیدالشهدا» منتقل و مکان جدید را مجتمعی برای حوزه علمیه، هیئت، دفتر کار، مؤسسه رسانه‌ای، شبکه ماهواره‌ای فدک، روزنامه شیعه و پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی قرار داده است. گفتنی است ایشان در هفدهم ماه رمضان المبارک ۱۴۳۱ قمری (سالروز وفات عایشه همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) مجلسی در حسینیه خود در لندن تشکیل داد و از فراز منبر جملات رکبیک و نسبت‌های وقیحانه‌ای متوجه او کرد.

در امتداد کارهای خود اشخاص دارای سابقه قضایی را در شبکه فدک جذب نمود. یکی از این اشخاص که در فرانسه زندگی کرده بعدها وارد ایران می‌شود و از سوی دادگاه، متخلف شناخته می‌شود و پس از طی مراحل از بازجویی و تعهدات، از ایران خارج شده و در این رسانه‌ها فعالیت می‌کند. شخص دیگری نیز به عنوان همکار و کارشناس این شبکه از بیروت فعالیت می‌کند که او هم از متخلفین در دادگاه شناخته شده است.

شبکه سلام

مدیر مسئول شبکه سلام یکی از کسانی است که در مسائل سیاسی ضد نظام جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند و جمهوری اسلامی را نیز بارها متهم به دیکتاتوری کرده است.

جدیداً گروهی را به نام «ستاد بین المللی تعظیم شعائر حسینی» اداره می‌کند و اکثر کلیپ‌هایی که می‌سازند، صحنه‌هایی از قمه یا لطمه زنی است.

تأمل علمی بر افکار و اقدامات این گروه

نقد کلی بر اینگونه اقدامات

اگر به سیر اقدامات گروه‌های تفرقه افکن و شبکه‌های رسانه‌ای شیعیان انگلیسی دقت شود، روشن می‌شود که این اقدامات نتوانسته است غیر شیعیان را به تشیع جذب کند و بلکه برعکس تعصب افراد را به مذهب خود بیشتر نموده است و جان و مال و عرض دیگر شیعیان را هم به خطر انداخته است، لذا در یک جمع بندی حرکت این گروه‌ها نتایج معکوسی برای دنیای

اسلام ایجاد نموده است.

عملکرد این اشخاص در مورد عایشه کاملاً با سیره امیرالمومنین علیه السلام متفاوت است؛ زیرا حضرت امیر علیه السلام کسانی که به عایشه افترا زدند و اهانت کردند را مجازات نمود.^۱

در جنگ جمل نیز با وجود اقدامات تخریبی که عایشه علیه امیرالمومنین علیه السلام انجام داد، ایشان فرمود: با وجود آنچه که گفتم عایشه احترام گذشته را دارد و حسابش با خداست.^۲

این رفتار امام، بازخورد خوبی در رفتار عایشه داشت و او بعداً بارها گریه می‌کرد و می‌گفت کاش قبل از ماجرای جمل مرده بودم و در آن حادثه حضور نمی‌یافتم. پس از پایان جنگ جمل وی دیگر در مسائل سیاسی وارد نشد و در مدینه مستقر گردید.

نیز در جنگ جمل مردی شروع به دشنام و نسبت ناروا دادن به عایشه نمود و مردم گرد او جمع شدند. عمار وقتی مطلع شد به آن مرد گفت: خاموش باش ای ناستوده، "عو عو" می‌کنی؛ آیا به زنی که همسر پیامبر بود دشنام می‌دهی و تهمت می‌زنی؟ و این درحالی است که عمار دست پرورده امیرالمومنین علیه السلام و سمبل دفاع از ولایت و بصیرت‌افزایی در آن دوران است، ولی این رفتارها را مذموم می‌داند.

تبعات حرکات این جریان در امت اسلامی

شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ مفتی اوّل سعودی در برابر این اقدام چنین واکنش می‌دهد: «بعد از اسائه ادب این اشخاص به أم المؤمنین عایشه، انتشار مذهب تشیع در کشورهای عربی و اسلامی متوقف شده است.» وی در دیدار خود با ائمه جمعه و جماعات مساجد عربستان سعودی گفت: «سخنان این روحانی شیعه باعث شد تا بسیاری از اهل سنت که تمایلی به تشیع داشتند، از مسیر انحرافی خود برگشته و راه مستقیم را برگزینند.» آل‌الشیخ ادامه داد: «مُخبرین ما در کشورهای عربی به من اطلاع دادند عده زیادی از اهل سنتی که شیعه شده بودند، به خصوص در شمال آفریقا، پس از گفته‌های این شخص به مذهب حق برگشته‌اند.»^۱

این قبیل موضع‌گیری‌ها باعث ورود فشارهای فراوانی به شیعیان عرب نیز شد؛ تا آنجا که جمعی از علما و فرهیختگان شیعه منطقه احساء عربستان را بر آن داشت تا استفتائی را خدمت مقام معظم رهبری ارسال کنند. پاسخ معظم له آبی بود بر آتش:

اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر اسلام حرام است. این موضوع، شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیاء پیامبر اعظم - حضرت محمد صلی الله علیه و آله - می‌شود.^۱

۱ <http://fa.abna24.com/cultural/archive/1389/07/07/206852/story.html>

خیرگرای اهل بیت: ابنا

۱ یَحْرُمُ النَّبِيلُ مِنْ رُمُوزِ إِخْوَانِنَا السُّنَّةَ فَضْلاً عَنِ إِتْهَامِ زَوْجِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِمَا

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۴۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

فتوایی که باعث شد از شبکه ماهواره‌ای الجزیره گرفته تا روزنامه الانباء کویت، سایت پرمخاطب محیط، روزنامه‌های السّقیف لبنان و الحیات چاپ لندن و سایت رادیو تلویزیون مصر و ... به آن پرداخته و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.^۱

برخی از علمای اسلام با توجه به اهمیت این موضوع، و خطر انحرافات واقع شده، کمک و همیاری به این جریان را تعاون بر اثم دانسته اند و در فتوای خود کمک به این جریانات و صرف وجوه شرعی به این‌ها را مجزی ندانسته‌اند، مانند آیت الله محقق کابلی.

انحرافات این گروه‌ها در موضوع مناسبت‌هایی مانند نهم ربیع

یکی از اقدامات این جریان مشکوک، نام‌گذاری هفته براءت در ربیع‌الاول است. این جریان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «با نزدیک شدن به ایام فرحه‌الزهرا و غدیر ثانی، شورای سیاست‌گذاری شبکه جهانی امام حسین علیه‌السلام در بیانیه‌ای اعلام داشت: روز نهم ربیع‌الاول طبق فرموده

اهلبیت علیهم‌السلام روز غدیر ثانی نام‌گذاری شده است... از این رو بر خود لازم می‌دانیم که از روز نهم لغایت ۱۵ ربیع‌الاول را به عنوان هفته براءت نام‌گذاری کنیم تا از این شبکه مقدسه پیام براءت از دشمنان خاندان رسالت را با اتکا به عمل معصومین به جهان صادر نماییم.^۱

تحریف تاریخی در مورد محتوای نهم ربیع‌الاول

این گروه‌ها به جای پرداختن به آغاز امامت امام زمان علیه‌السلام در این روز، موضوع قتل خلیفه دوم را به غلط مطرح می‌کنند؛ لذا برنامه‌هایی مانند هفته براءت و مطالب توهین آمیز در مورد مقدسات دیگر مذاهب اسلامی را بدین بهانه اجرا می‌کنند.

با رجوع به کتب تاریخی روشن می‌شود که به اتفاق، ماه ذیحجه را به عنوان زمان قتل خلیفه دوم دانسته اند و وقوع این حادثه در ماه ذیحجه از امور متواتر و قطعی بوده است.^۲ علاوه بر مورخان، فقهای بزرگ شیعه نیز بر

۱. علاوه بر آن در سخنرانی‌های سران این گروه این موضوع صراحتاً اعلان می‌شود:

<https://www.youtube.com/watch?v=yBMs1dFKj20>

۲. در کتاب استیعاب (ابن عبد البر) نقل شده است که عمر بن خطاب در روز چهارشنبه، چهار روز مانده به آخر ذی‌الحجه سال ۲۳ هجری از دنیا رفته، اما واقدی آن را سه روز مانده به آخر ذی‌الحجه دانسته است.

ابولؤلؤ فیروز، غلام مغیره بن شعبه او را به قتل رسانیده است.

با وجود برخی از دیدگاه‌هایی که در فضای عمومی شیعیان وجود دارد، به تصریح اکثریت مورخان تاریخ مرگ خلیفه دوم روز بیست و ششم یا بیست و هفتم ماه ذی‌حجه سال بیست و سوم هجری گزارش شده است. (ابن قتیبه، المعارف، تحقیق: ثروه عکاشه، مصر، دار المعارف، و ...)

→

يُخَلُّ بِشَرَفِهَا بَلْ هَذَا الْأَمْرُ مُتَّبَعٌ عَلَى نِسَاءِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خُصُوصاً سَيِّدِهِمُ الرَّسُولَ الْأَعْظَمَ (صلی الله علیه و آله و سلم): <http://shia12.net/fa/ehanat.asp>

۱. گزارش‌های متعددی از این موضوع ذکر شده است: ر.ک: <http://www.idsp.ir/fa/pages/?cid=170>

<http://www.mashregnews.ir/fa/news> گزارش شادی اهل سنت از فتوای رهبر

معظم انقلاب

این مساله اتفاق و اجماع دارند؛ از جمله :

شیخ مفید در کتاب تواریخ (مسار الشیعه، ص ۴۲)؛

سید بن طاوس در اقبال الاعمال (ج ۳، ص ۱۱۳)؛

ابن ادریس حلی (سرائر، ج ۱، ص ۴۱۸)؛

علامه حلی (عدد القویه، ص ۳۲۸-۳۳۱ / منتهی المطلب، ج ۲، ص

۶۱۲)؛

و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی (مصباح، ص ۵۱۰).

با این وجود برخی از افراد با اغراض خاص، نسبت دادن این روز با قتل خلیفه دوم را برجسته کرده اند و با برگزاری جشن‌ها و اعمال خاص در این روز که به اسم شاد کردن اهل بیت علیهم‌السلام انجام می شود، آتش اختلاف و درگیری بین مذاهب اسلامی را شعله ور می کنند و دانسته یا ندانسته مسیر اهداف دشمن در استحاله و جنگ نرم را هموار می کنند. یکی از ضربه هایی که در این راستا به منافع امت اسلامی وارد می شود خدشه دار شدن اتحاد و انسجام اسلامی است که می توانست سدی محکم در برابر نفوذ باشد.

اتحاد اسلامی و آسیب‌های موجود در رابطه با آن

مفهوم وحدت و تفاوت آن با تسامح اعتقادی

هدف وحدت حفظ آرمان‌های مشترک و تقویت جبهه اسلام و نگاه داشتن وجهه و ابهت امت اسلام است؛ چنانکه قرآن علت توجه دادن امت اسلام به اتحاد را تبیین نموده است:

در سوره مبارکه انفال آیات ۴۶ و ۴۷ اطاعت از خدا و رسول و دوری از نزاع را به مسلمانان امر می نماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۴۶﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۴۷﴾﴾

بر اساس آیه ۴۶، اگر اطاعت خدا و رسول محقق نشود، تنازع و اختلاف ایجاد شده و قوت و استحکام و ابهت و آبروی امت اسلام مخدوش می شود. اهمیت امت واحده نیز در آیات دیگر قرآن مورد اشاره واقع شده است؛^۱ از این رو اقامه شعائر و آیین‌های مذهبی باید در خدمت این آرمان کلان باشد.

در آیه ۴۷ اشاره می فرماید که حرکت و اقدامات شما و لو به نام دین و جهاد ... باشد، نباید ریائی باشد که موجب انسداد راه الهی و منجر به

۱. به عنوان نمونه خداوند در سوره انبیا آیه ۹۲ می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا

بپرستید.»

افست شده در : قم، شریف رضی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۳؛ و برای دیدن سایر اقوال رک: ابونعیم اصفهانی، *معرفه الصحابه*، تحقیق: محمد راضی بن حاج عثمان، مدینه، مکتبه الدار، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۹۴ به بعد) بنابر این روز نهم ربیع نمی تواند تاریخ مرگ خلیفه دوم باشد و راز شادی شیعیان همان آغاؤ امامت امام زمان می باشد. و نیز رک: *بحار الانوار*، ج ۳۱، ص ۱۱۹؛ *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۳۶۵؛ المعارف، ص ۱۸۳؛ *تاریخ الاسلام*، ج ۳، ص ۲۸۳؛ *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۶۸۸؛ *المصباح*، ص ۵۱۱؛ *السرائر*، ج ۱، ص ۴۱۹.

شکست خواهد شد.

بنابر این اتحاد، راهبردی برای پیروزی جبهه مسلمین است، اما این به معنای تکثرگرایی در حق و کنار گذاشتن عقاید حقه خود نیست. مقام معظم رهبری با توجه دادن به این نکته می‌فرماید:

مسئله، مسئله‌ی این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند؛ نه، هر کسی عقیده‌ی خودش را دارد، هر کسی تابع استدلال است و به هر عقیده‌ای رسید، درست است. مسئله این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه‌ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند.^۱

این موضوع آن چنان اهمیت دارد که قرآن حتی رعایت وحدت در مشترکات اسلام و ادیان ابراهیمی دیگر را مهم می‌داند؛ خداوند در آیه ۶۴ آل عمران می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾؛ بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد؛ پس اگر [از این پیشنهاد] روی گرداندند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.»

وقتی با اهل کتاب دستور به همدلی داده شده و اینکه در مشترکات همراه باشند به طریق اولی در مورد شیعه و سنی ضرورت همدلی و اشتراک مساعی بیشتر شده است.

به طور کلی هر جا سخن از ولایت و صراط مستقیم الهی است، مقارن موضوع وحدت و حفظ آبرو و ابهت امت اسلامی است. در قرآن هم این مساله مورد توجه قرار گرفته است:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۱

این آیه که مربوط به نقش ولایت (پیامبر) در اتحاد مسلمین است نشان می‌دهد که حضور ولی خدا باعث همدلی در مسیر اتحاد امت اسلامی می‌شود، مانند جریان پیمان اخوت در مدینه.

البته روشن است که هرگونه اتحاد بر محور ولایت باید صورت بگیرد نه آنکه خود وحدت موضوعیت داشته باشد؛ اما در هر حال این پیام مهم وجود دارد که ولایت و یاران ایشان به گونه‌ای عمل می‌کنند که گروه‌های مختلف اسلامی زیر پرچم اتحاد قرار بگیرند و آموزه‌ها و رفتار-ولو به نام اسلام و اهلیت باشد- موجب اختلاف نمی‌شود.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۱. سخنرانی ۲۵/۱۰/۱۳۸۵.

مستندات روایی وحدت

دسته‌های متعددی از روایات در مورد وحدت وجود دارد:

برخی از آن‌ها با ارائه ملاک، عوامل اتحاد را بر می‌شمارند:

قال رسول الله ﷺ: .. فَأَنْتُمْ «اهل البيت» اهل الله عزوجل الذين بهم تمت النعمة و اجتمعت الفرقة و ائتلفت الكلمة؛^۱ شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.

از این گونه روایات می‌توان این پیام را هم به دست آورد که در معیار وحدت هم خود اهلیت باید محور قرار بگیرند، لذا نوع برخورد آنان با مذاهب و گروه‌های اعتقادی در این جا باید مورد توجه واقع شود و نباید به سلیقه و رای شخصی خود به نام اهلیت عمل کرد؛ چنانکه در شیعه انگلیسی هم بنابر تفسیر و سلیقه خود عمل می‌کنند. در ادامه این نوشتار، سیره اهل بیت علیهم‌السلام در این موضوع خواهد آمد.

در روایت دیگر از امیرالمومنین علیه‌السلام آمده است:

إلههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد فأمرهم الله سبحانه بالإختلاف فأطاعوه أم نهاهم عنه فعصوه؟^۱ خدا یکی، پیامبر یکی و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می‌کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده

و فرمانش را سرپیچی می‌کنند؟

در برخی از روایات اهداف و فواید وحدت نمایان می‌شود:

قال النبی ﷺ: الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَفَّؤُ دِمَاؤَهُمْ وَ هُمْ يَدُ عَلٰی مَنْ سَوَاهِمُ^۱ مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه‌اند.

اکنون با توجه به وضعیت فعلی مسلمانان و توطئه‌های متعدد آنان در سرکوب کشورهای اسلامی و حتی حمایت از تکفیر و کشتار داخلی مسلمین، اهمیت و عمق این روایات روشن می‌شود. و برخی دیگر از روایات مربوط به همراهی مذاهب اسلامی در آیین‌های دینی است.

در روایات آمده است هر کس به سنی در نماز اقتدا کند گویی به پیامبر اقتدا کرده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»^۱

مرحوم شیخ حر عاملی نیز در کتاب وسائل الشیعه بابی را به روایات دال بر استحباب شرکت در نماز جماعت اهل سنت و شرکت در صف اول نماز آنها اختصاص داده است.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۹۹.

سیره امیرالمومنین علیه السلام در اتحاد اسلامی

حضرت امیر علیه السلام به عنوان امام اول و نیز صحابی برتر از دید مسلمانان (و همچنین یکی از خلفای مورد احترام امت اسلام)، می‌تواند الگوی مهمی در نحوه اتحاد مسلمانان باشد، خصوصا که برخی از رفتارهای ضد وحدت به بهانه این انجام می‌شود که لازم است به مظلومیت ایشان توجه شود و فریاد حقانیت و مظلومیت ایشان را به جهان برسانیم. با توجه به اینکه ادله قاطع و متواتری بر حقانیت ایشان در خلافت بلافصل پیامبر وجود داشته و دارد نوع رفتار ایشان در حوادث پس از پیامبر، راهگشای امروز ما خواهد بود. نکته مهم آن است که حق خلافت و تحقق ولایت سیاسی ایشان امر شخصی و یک حق جزئی و فرعی نبوده است که قابل اغماض باشد، اما با همه این احوال، آن حضرت مصالح کلی جهان اسلام را مورد توجه قرار می‌دهند و جبهه بندی خارجی دشمنان اسلام را مهم‌تر از صف بندی‌های خود مسلمانان می‌دانند.

شهید آیت الله مطهری رحمته الله علیه در این مورد چنین می‌گوید:

علی علیه السلام از اظهار و مطالبه حق خود و شکایت از رباپندگان آن خودداری نکرد، با کمال صراحت ابراز داشت و علاقه به اتحاد اسلامی را مانع آن قرار نداد. خطبه‌های فراوانی در نهج البلاغه شاهد این مدعی است. در عین حال این تظلمها موجب نشد که از صف جماعت مسلمین در مقابل بیگانگان خارج شود. در جمعه و جماعت شرکت می‌کرد، سهم خویش را از غنائم جنگی آن زمان دریافت می‌کرد، از ارشاد خلفا دریغ نمی‌نمود، طرف شور [و

مشورت] قرار می‌گرفت و ناصحانه نظر می‌داد. در جنگ مسلمین با ایرانیان که خلیفه وقت مایل است خودش شخصا شرکت نماید علی پاسخ می‌دهد: خیر، شرکت نکن، زیرا... اگر شخصا به میدان نبرد بروی خواهند گفت: هذا اصل العرب؛ ریشه و بن عرب این است. نیروهای خود را متمرکز می‌کنند تا تو را از بین ببرند و اگر تو را از بین ببرند با روحیه قویتر به نبرد مسلمانان خواهند پرداخت.^۱

بنابراین روشن می‌شود که حفظ جان خلیفه و مرکزیت جهان اسلام برای امیرالمومنین علیه السلام چنان اهمیت دارد که برای امان ماندن آن از خطرها راهکار مستدل ارائه می‌کند.

رفتار امیرالمومنین علیه السلام با ابوسفیان

در جریان پس از رحلت پیامبر، ابوسفیان از امیرالمومنین علیه السلام خواست که با هم طرح مشترکی داشته باشند که خلافت را باز پس بگیرند و دیگران را کنار بزنند، اما حضرت امیر این درخواست را قبول نکرد. این رفتار ایشان دلایل مختلفی داشت که یکی از آنها حفظ اصل اسلام و جلوگیری از تفرق در شرایط خاص است؛ بنابر این در زمان ما هم این مصالح عام لازم است رعایت شود. در این جا برخی از گروه‌های انحرافی تصور و برداشت دیگری دارند و می‌گویند نمی‌توان رفتار معصوم را در زمان خودمان پیاده کنیم، زیرا آن زمان نیروی کافی برای امام نبوده است و ضمنا معصوم هر

۱. امامت و رهبری، صص ۱۹-۲۰ بر اساس نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

زمان تشخیص خود را دارد که قابل الگوگیری برای ما نیست. اما این برداشت باطل است، زیرا ملاک در زمان ما همان معیار رفتار زمان معصوم است. با آنکه امامت یک حق شخصی نبود و مهم‌ترین حق اجتماعی و سیاسی است، ولی مصالح بالاتر جهان اسلام باعث می‌شود که امام اینگونه عمل کنند. در واقع رفتار حضرت یک حرکت استراتژیک است و تبعیت ما از ایشان در زمان خودمان هم به عنوان یک عمل راهبردی عقلی است نه یک الگوگیری ساده مذهبی.

انقلاب اسلامی هم بر اساس این میراث ولایی و رفتار استراتژیک شکل گرفت و همان آرمانهای وحدت آفرین را دنبال می‌کند.

تقابل دشمنان با انقلاب اسلامی برای نابود کردن ظرفیت اتحاد اسلامی

انقلاب اسلامی باعث جذب دل‌های مختلف شد و آحاد مسلمانان - که شیعه هم نبودند - مجذوب انقلاب شدند؛ لذا دشمنان برای انتقام گرفتن از این حرکت سعی دارند به تحریک گروه‌های شیعه و سنی بپردازند تا در قالب مراسم خاص مذهبی و تعصبات هر کدام، چالش‌هایی در برابر انقلاب اسلامی و نظام ایجاد کنند.^۱

۱. بخشی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در این مورد... دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعشع این انقلاب، چطور در دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دل‌ها را به خود جذب کند؛ دل‌هایی که شیعه نبودند. میلیون‌ها نفر از برادران اهل سنت در کشورهای عربی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آسیایی مجذوب انقلاب شدند و از این ناحیه، دشمن ضربه خورد؛ از اتحاد

این مسأله در حالی اتفاق می‌افتد که ظرفیت انقلاب اسلامی بتواند دنیای اسلام را به اتحاد هدایت کند و ذخائر مادی و معنوی امت اسلام را احیاء نماید و از زیر یوغ استعمار و استکبار خارج کند؛ چنانکه با تحقق بخشی از اهداف انقلاب و صدور پیام آن به کشورهای اسلامی می‌توانیم این هدفگیری و حرکت رو به جلو را مشاهده کنیم، اما شبکه‌های جاسوسی و اطلاعاتی دشمن با درک این موضوع سعی می‌کنند نیروهای امت اسلام را به اصطکاک بکشانند و انقلاب را هم یک حرکت متعصبانه مذهبی خاص جلوه دهند تا امت اسلام از گرایش به آن و اهدافش دور بماند؛ لذا می‌بینیم حرکت‌های اختلاف افکنانه گروه‌های خاص به نام تشیع و اهل بیت هم مورد حمایت آنان قرار می‌گیرد.

رفع یک شبهه

یکی از شبهاتی که در برابر ایده اتحاد بین شیعه و سنی مطرح می‌شود آن است که مثلاً شیعیان و انقلاب اسلامی کمک‌های متعدد به فلسطینی‌ها و برخی نهضت‌های اسلامی می‌کند که شیعه هم نیستند و آن‌ها هم نه تنها قدردان نیستند، بلکه معمولاً در برابر ایران می‌ایستند. در این صورت کمک و همدلی در این موارد چه توجیهی دارد؟

....

دل‌ها، از توجه دل‌ها به جمهوری اسلامی - دل‌های آحاد مسلمانان - دشمن ضربه خورد. میخواهد این توجه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی. (۱۳۸۷/۹/۲۷).

پاسخ آن است که این ناسازگاری‌ها و برخوردهایی که با ایران و شیعیان می‌شود و در کشورهایی مانند عربستان و برخی کشورهای عربی مسلمان منطقه و... می‌شود مربوط به سران و کانون‌های قدرت و ثروت است، اما توده مردم همراهی خاصی با جریان انقلاب اسلامی و ولایت فقیه دارند؛ لذا در اجتماعات و نهضت‌هایی که در امت اسلامی برقرار می‌شود نوعاً نمادها و تصاویر مربوط به امام و رهبر انقلاب اسلامی نمایش داده می‌شود و در کل دل‌های شیعیان و اهل سنت در این جریان‌ها به هم نزدیک است.

تقابل این جریان‌ها با انقلاب و نظام اسلامی

این گروه به بهانه‌های مختلف به تقابل و توهین نسبت به نظام اسلامی اقدام کردند. به دلیل آنکه بزرگان نظام اسلامی بر اتحاد تاکید می‌کنند و با اقدامات تفرقه افکنانه و سوء استفاده آن‌ها از عنوان ولایت، مخالفت می‌کنند، آن‌ها نیز بر اساس پافشاری بر براءت و لعن با نظام اسلامی تقابل ایجاد می‌کنند و به بهانه‌های مختلف، مسئولان نظام را مورد هجمه و اهانت قرار می‌دهند؛ به عنوان نمونه در جریان تشییع یکی از عناصر این جریان با آنکه رهبر معظم پیامی هم برای وفات ایشان صادر کرد و در یکی از حرم‌های اهل بیت مکانی برای دفنش در نظر گرفت، اما برخی از طرفداران وی به بلوا و آشوب در مراسم او پرداختند.

در طی فتنه ی ۸۸، نیز به صورت کامل در برابر نظام اسلامی ایستادند. در دوران فتنه با سخنرانی‌های عجیب، به جای محکوم کردن اهانت‌کنندگان به امام حسین علیه السلام و منافقین و فرقه‌های ضاله (که در این اهانت‌ها

همکاری داشتند)، به محکوم کردن نظام پرداختند؛ این کار ایشان موجب شادمانی گسترده و حمایت‌های بی دریغ آمریکاییها و انگلیسیها از این گروه و در اختیار قرار دادن مقادیر قابل توجهی از امکانات به منظور تحقق اهداف ایشان گردیده است.

این گروه، علاوه بر آنکه موجبات وهن شیعه، در منظر عموم انسانهای مسلمان و غیر مسلمان را فراهم می‌سازند؛ مواضع وحدت بخش امام امت در بیداری اسلامی را نیز هدف هجوم خود قرار داده و با تزریق منابع نامعلوم و البته نامحدود مالی، اقدام به فحاشی و توهین به مقدسات اهل سنت نموده و با ترویج برخی رفتارهای اصطلاحاً مذهبی موجب تفرقه اساسی بین برادران سنی و شیعه می‌شوند، همانند تشویق به برگزاری و نمایش رسانه ای هفته براءت در طول هفته وحدت و ترسیم و ترویج رسانه ای عید غدیر ثانی.

از سوی دیگر با وجود اینکه آنها بیشتر اهتمامشان به اصطلاح احیای شعائر شیعی و حمایت از تشیع و اهل بیت است، اما در اقدامی عجیب، علیه مقاومت اسلامی در لبنان (که از شیعیان حزب الله متشکل هستند) فعالیت می‌کنند.

نمونه دیگر اینکه این جریان با وجود اینکه ادعای حمایت و پشتیبانی از تمام شیعیان و محبان اهل بیت را دارد، اما در ماجرای سوریه (و تهدید حرم حضرت زینب علیها السلام و کشتار شیعیان) کوچک ترین اظهارنظری نکرده است. حتی زمانی که دشمن در صدد تخریب مرقد مطهر حضرت زینب علیها السلام بود هیچ عکس العملی از این فرقه نشان داده نشد.

حمایت استعمار و سران استکبار (به عنوان سردمداران تفرقه) از فعالیت‌های مربوط به این جریان‌ها

استعمار و استکبار در تاریخ پیدایش و تکامل خود همواره از سیاست اختلاف افکنی برای دوام خود بهره گرفته است، تنها در یک نمونه از اقدامات آنها در دو قرن اخیر، پس از آنکه از شروع نهضت بیداری مسلمانان هراسان شدند، به ایجاد فرقه‌هایی جداگانه در عالم تشیع و تسنن اقدام نمودند که همگی هدف مشترکی در فرسایش امت اسلام داشتند.^۱

یکی از اقداماتی که استعمارگران مانند انگلیس در دوره معاصر (برای ایجاد تفرقه مذهبی بین شیعه و سنی و ایجاد پروژه شیعه‌هراسی) انجام دادند آن است که طرح هلال شیعی را به میان آوردند که در این طرح ادعا می‌کنند برخی از کشورهای اسلامی دارای گرایش‌های شیعه‌سعی دارند یک منطقه خاص در امت اسلامی را تصرف کنند و اهل سنت را در حصر و محاصره خود در بیاورند تا تدریجاً دیگر مسلمانان را تحت نفوذ و سیطره خود درآورند.

قابل ذکر است که برجسته‌نمودن موضوع هلال شیعی به زبان ملک عبدالله اردنی مطرح شد که این نشان می‌دهد استکبار در راستای مراحل جنگ نرم به مشغول ساختن مذاهب اسلامی به همدیگر و شیعه‌هراسی و یا سنی‌هراسی اقدام نموده است.

۱. بهائیت را بین شیعیان منطقه ایران، وهابیت را در اهل سنت و کشورهای عربی و قادیانیه را در شبه جزیره هند و پاکستان راه اندازی نمودند.

حمایت بیگانه و پروژه مرجع سازی

یکی از راه‌های دخالت بیگانگان در دنیای اسلام، حمایت از رفتارها و جریان‌ها به اصطلاح دینی است که منافع عام آن به این کانون‌های استعماری بر می‌گردد؛ از جمله برخی از اشکال عزاداری که در این جریان‌ها انجام می‌شود (مانند قمه زنی) را مورد حمایت قرار می‌دهند.

در این جا مستنداتی در این مورد ذکر می‌کنیم:

علامه محمد جواد مغنیه، از علمای بزرگ عراق، در کتاب تجارب خود،

بحثی دارد تحت عنوان «کفن‌هایی برای زنده‌ها»؛ می‌گوید:

دولت انگلیس در ماه محرم، هزار کفن به قمه‌زنان هدیه نمود و هنگامی که دولت آمریکا از آن با خبر شد، برای آن که فرصت را از دست ندهد، دو هزار کفن به آنها هدیه نمود.^۱

جامعه‌شناس عراقی، ابراهیم الحیدری در کتاب *Soziology* آورده

است:

سفیر انگلیس در بغداد بعد از جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با کاهش مواد غذایی و افزایش قیمت‌ها در بازار، مقدار زیادی چای و سیگار مورد نیاز هیئت‌ها و مجالس عزاداری را از طریق شخص ثالثی به بعضی از مسؤولین هیئت‌ها تقدیم کرد. جالب اینکه به این هیئت‌ها مقدار زیادی پارچه سفید هم برای استفاده در مراسم

۱. تجارب، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

قمه‌زنی داده شد.^۱

دکتر تیجانی نیز در کتاب «اهل بیت علیهم‌السلام؛ کلید مشکل‌ها» در این باره می‌نویسد: یکی از علمای گذشته می‌فرمود: ... انگلیسی‌ها مقدار زیادی شمشیر، (برای قمه زنی) در میان دسته‌های عزاداری - در کربلا - تقسیم می‌کردند.^۲ از سوی دیگر در برخی موارد رسانه‌ها و شبکه‌های استعماری و بیگانه افرادی که صلاحیت ندارند را صرفاً به دلیل ضدیت با انقلاب اسلامی و اهداف نظام، به عنوان مرجع معرفی می‌کنند؛ مثلاً این اتفاق در مورد شخصی به نام کاظمینی بروجردی اتفاق افتاده است که پس از بیان ادعاهای خاص در مورد مهدویت و علائم ظهور به تدریج مخالفت خود را با حکومت اسلامی آشکار می‌کند و رسانه‌های معاند با تمجید از فعالیت‌های وی، لقب " آیت الله " به او می‌دهند.^۱

کلام علما و مراجع

پیشینه توجه علمای دین به موضوع اتحاد

علمای اسلام در طول تاریخ به موضوع حفظ ایهت امت اسلامی و جلوگیری از استیلا کفار اهتمام خاصی داشته‌اند؛ به عنوان نمونه در دوران مشروطه مراجع تقلید شیعه بیانیه‌ای جهت حفظ وحدت اسلامی صادر

۱: Ibrahim Al-Haidari, Soziology. P. ۱۷۶

۲. اهل بیت کلید مشکل‌ها، ص ۱۸۶.

۱. گزارش بی بی سی فارسی از گفتار احمد شهید در نقض حقوق بشر در ایران - ۲۸ مهر ۱۳۹۰.

کردند و نوشتند:

چون دیدیم که اختلاف فرقه‌های پنج‌گانه مسلمین (اختلافاتی که مربوط به اصول دیانت نیست) موجب انحطاط دول اسلام و استیلاي خارجیان شده است، به جهت حفظ کلمه جامع دینیه و دفاع از شریعت محمدیه، فتاوی مجتهدین عظام که روسای شیعه جعفریه هستند، و مجتهدین اهل سنت، اتفاق نموده بر وجوب تمسک به حیل اسلام... اتفاق شد بر وجوب اتحاد تمام مسلمین در حفظ اصل اسلام و نگهداری جمع مملکت‌های اسلامی از تشبهات دول بیگانه و حمله‌های سلطنت‌های صلیبیه، متحد شد رای جمیعا برای حفظ حوزه اسلامی بر این که تمام قوت و نفوذ خود را بر این خصوص مبذول داریم و از هیچ‌گونه اقدامی که مقتضی است فروگذار نکنیم... چنانچه حق تعالی فرموده: اشداء علی الکفار رحماء بینهم و متذکر می‌سازیم عامه مسلمانان را به برادری که خداوند بین تمام مومنین بست و اعلان می‌کنیم وجوب اجتناب از چیزهایی که موجب نفاق و شقاق است...^۱.

آیت‌الله نورالله نجفی اصفهانی، آخوند خراسانی، سید اسماعیل صدر، شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی از امضاکنندگان این بیانیه

۱. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، موسی نجفی، ص ۴۲. سال صدور این بیانیه را ۱۳۲۹ق ذکر کرده‌اند.

بودند.^۱

مقام معظم رهبری: شناخت ترفندهای تفرقه افکنانه دشمن

... دشمنان دنیای اسلام دنبال این فکرند، دنبال این نقشه‌اند. خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام، مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، درست فهمیدند؛ لذا از یک طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که می‌بینید، می‌شنوید، یا خبر دارید. وسائیل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار اینها می‌گذارند؛ در کجا؟ در آمریکا! در کجا؟ در لندن! آن تشییعی که از لندن و از آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشییع به درد شیعه نمی‌خورد.^۱

... به این (نکته)؛ هم شیعه توجه کند، هم سنی، بازی دشمن را نخورد؛ آن تسننی که آمریکا از آن حمایت می‌کند و آن تشییعی که از مرکز لندن صادر می‌شود به دنیا، این‌ها مثل هم هستند؛ هردو برادران شیطان هستند و هر دو عوامل آمریکا و غرب و استکبار هستند.^۲

۱. همان.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۹۲ در دیدار با کارگزاران حج.

۲. سخنرانی در سالگرد ارتحال امام خمینی در مرقد امام سال ۱۳۹۳.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: شناخت مزدوران دشمن

ایشان در مورد فعالیت برخی شبکه‌های خارج از کشور که در مورد تشیع

مطالب خاص دارند چنین می‌گویند:

اخیرا یک آدم بی سواد و روحانی نما در لندن، به نام شیعه، به مقدسات برخی از مذاهب اهانت کرده، نسبت‌های ناروا و عجیبی به یکی از همسران پیامبر داده و فحاشی عجیبی به آن‌ها نموده است. این آدم یا مزدور و مامور است یا سفیه و دیوانه؛ اما از او نادان‌تر برخی از علمای وهابی هستند که به استناد این حرف‌ها گفته‌اند شیعیان باطن خود را آشکار کرده‌اند.^۱

شهید مطهری علیه السلام: موانعی به رنگ دین

ایشان با شناخت دقیق از انحرافات که توسط جاهلان در جامعه ایجاد

می‌شود و زمینه ساز انحراف توده مردم می‌شوند، چنین می‌گوید:

هر وقت جاهل‌ها و نادان‌ها و بی‌خبرها، مظهر قدس و تقوا شناخته شوند و مردم آن‌ها را سمبل مسلمان عملی بدانند، وسیله خوبی به دست زیرک‌های منفعت پرست می‌افتد. این زیرک‌ها همواره آن‌ها را آلت مقاصد خویش قرار می‌دهند و از وجود آن‌ها سدی محکم جلوی افکار مصلحان واقعی می‌سازند. بسیار دیده شده است که عناصر ضد اسلامی رسماً از این وسیله استفاده کرده‌اند؛ یعنی نیروی خود اسلام را علیه خود اسلام به کار

۱. سخنرانی، بهمن ۱۳۸۸.

بسته‌اند. استعمار غرب تجربه فراوانی در استفاده از این وسیله دارد و در موقع خود از تحریک کاذب احساسات مسلمین خصوصا در زمینه ایجاد تفرقه بین مسلمین استفاده می‌کنند. چقدر شرم آور است که مثلا مسلمان دلسوخته ای در صدد بیرون راندن نفوذ خارجی برآید و همان مردمی که او می‌خواهد آن‌ها را نجات دهد با نام و عنوان دین و مذهب سدی در مقابل مذهب گردند. آری، اگر توده مردم جاهل و بی‌خبر باشند، منافقان از سنگر خود اسلام استفاده می‌نمایند.^۱

آیت الله العظمی وحید خراسانی: احیای امر اهل بیت از راه صحیح

قبل از بیان کلام ایشان باید دانست یکی از موارد مهمی که مورد توجه خود اهل بیت بوده روش احیای امر ایشان بوده است و گروه‌هایی مانند شیعه انگلیسی به اسم احیای امر اهل بیت اقدام به فعالیت‌های خود می‌کنند و دیگران را به مسامحه و سازش با مخالفان و سستی در امر احیای اهل بیت می‌دانند.

آیت الله وحید با اشاره به مساله احیای امر اهل بیت و تبیین شکل صحیح آن، راه اثباتی را تبیین می‌کنند:

روایتی از امام رضا علیه السلام است که می‌فرمایند: «رحم الله لامرء احیا امرنا» یعنی خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده نگه می‌دارد. بعد از امام پرسیدند: «کیف یحیی

امرکم» یعنی چگونه امر شما زنده می‌شود. امام پاسخ دادند: «یتعلم علومنا و یعلمه الناس لو علم الناس محاسن کلامنا لاتبعونا» یعنی علم ما را یاد بگیرد و به دیگران منتقل کند. اگر مردم خوبی‌های کلام ما را می‌دانستند از ما تبعیت می‌کردند.

... اما جهت اثبات آن است که فرمودند: کونوا لنا زینا... و فرمودند: در نمازهای جماعت آنان شرکت و به آن‌ها محبت کنید. از مرضای آن‌ها عیادت و سخنان و معارف آن‌ها را بیان کنید و عمده این است که برای ترویج اهل بیت علیهم السلام ما راه را بلد نیستیم. راه عبارت است از راه اثباتی. مثلا نهج البلاغه غوغا است... اگر این‌ها ترویج شود خود اهل سنت لا محاله فطرت دارند و آن فطرت معقول نیست که حقیقت را انکار کند. خلاصه، جهت اثباتی را باید تقویت کرد. اسلام دین رحمت و رسول اسلام، رسول رحمت است... این دین و رفتار پیغمبر و امیرالمومنین جایی برای این حرکت‌های تکفیری و این تندی‌ها باقی نمی‌گذارد.^۱

سپس آیت الله وحید خراسانی در مورد خطر اینگونه فقاقت می‌گویند: فقاقت در این گونه جریان‌ها واقعا از بین رفته است؛ این کارها موجب اراقه دماء محترمه است و دستور خود ائمه بر خلاف این است. سب و لعن علنی جایز نیست.^۲

۱ <http://www.titrekhbar.com/view/27430414> خبر ۲۱ خرداد ۱۳۹۳.

۲ <http://rooyeshnews.com/1393-03-20-20-32-05/71986->

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۳۳۴.

آیت الله العظمی خوئی رحمته الله علیه: حکمت مدارا با مخالفان مذهبی

برخی از شبهه افکنان، رفتار مبتنی بر وحدت را نشانه ترس و مصلحت سنجی مبتنی بر خوف دانسته‌اند. اما آیت الله خوئی رحمته الله علیه با رد این ادعا می‌گویند:

از این روایات (شرکت در نماز جماعت اهل سنت) استفاده می‌شود که حکمت مدارا با اهل سنت در نماز جماعت و مانند آن مبتنی بر ترس از ضرر نیست، بلکه حکمت مدارا با آنان رعایت مصلحت نوعیه و اتحاد کلمه مسلمین است بی آنکه ترک در نماز ضرری در پی داشته باشد؛ زیرا در آن روزگار، یاران امام، به "تشیع" معروف بودند. بنابر این دستور امام علیه السلام به شرکت در نماز به جهت شناخته شدن آنان نبود، بلکه برای مودب شدن به اخلاق نیکو بود تا با این رفتار، شیعه با اوصاف زیبا و دور از تعصب و عناد و لجاحت شناخته شود و گفته شود خدا رحمت کند جعفر علیه السلام را که اصحاب خوبی تربیت کرده است.^۱

مسلمانان در زمان ما هم این برداشت غیر مسلمانان و نیز غیر شیعیان اهمیت دارد؛ بدین معنا که اگر رفتار ما مبتنی بر ادب و آموزه‌های اهل بیته و مهدوی باشد، برداشت آن‌ها این خواهد بود که این افراد تربیت شده

مکتب انتظار و مهدویت هستند و دوران ظهور موعود آنان نیز مبتنی بر استقرار این روش‌هاست.

از موارد دیگر این نکته است که هزینه‌ها و حمایت‌های مالی که برای رسانه‌های اختلاف افکن می‌شود از یک منبع مشترک است، یعنی هم شبکه‌های سلفی ضد شیعی و هم شیعه انگلیسی که با توهین و لعن علنی فعالیت می‌کند از منابع مشترک تغذیه می‌شوند و این نشانه منافع مشترکی است که این‌ها برای دشمنان اسلام دارند.

جمع بندی تعریف و تمایز اسلام انگلیسی و اسلام ناب

تشیع انگلیسی، نام گروه یا سازمان مذهبی خاصی نیست، بلکه مجموعه افکار و رفتارهای انحرافی و افراط گرایانه هست که در هر زمان در دل جامعه شیعی رسوخ می‌کند.

به عبارت دیگر در برابر اسلام ناب محمدی که مبتنی بر شناخت صحیح و قاعده مند و اجتهادی از متون اسلامی و سیره اهل بیت علیهم السلام است، صورت دیگری از دین و به طور خاص، اسلام تشیع تعریف می‌شود که دارای شاخصه‌هایی است.

برخی از شاخصه‌ها

۱. آن‌ها ادعا می‌کنند از بدعت‌ها دورند، ولی در همان بدعت‌ها غرق شده‌اند. این معیار را امیر المومنین علیه السلام متذکر شده‌اند.^۱

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۲. ارائه نوع خاص و متمیز کننده از عزاداری‌ها به صورت رسمی و با پشتوانه فتوا، از بدعت‌های این جریان است (مانند قمه زنی، راه رفتن بر روی آتش، خار و شیشه به اسم عزاداری) و نیز توسعه دهه‌های عزاداری که آرمان‌های اصیل و ناب اسلامی در آن مخدوش و حذف می‌شود، مانند ظلم ستیزی، دفاع از مظلوم، عدم سلطه پذیری، وحدت و رحمت در مقابل تعصب بی مورد.

۳. اینکه این گروه‌ها دارای افکار انحرافی و افراطی هستند.

۴. با واسطه یا خواسته و ناخواسته در خدمت سرویس‌های جاسوسی و استعماری هستند.

۵. اهل عمل و جهاد و مجاهدت نبودن و تنها برای کارهای تبلیغی و صوری همیشه آماده اند، یعنی اهل گریه و مویه و مراسم ظاهری در موضوعاتی مانند امام حسین علیه السلام باشد؛ ولی در موقعیت واقعی جهاد حضور ندارند.

۶. ممانعت از شکل‌گیری یک حکومت مقتدر شیعی در منطقه است، مثلا در ایران به بهانه برخورد آنان در کارهایی مانند قمه زنی، به توهین و تحقیر می‌پردازند و تضعیف حکومت شیعی ایران را دنبال می‌کنند در حالی که افراد همفکر و همراه این جریان‌ها در زمان طاغوت قائل بودند باید حکومت طاغوت را حفظ کرد، چون به هر حال حاکم شیعی است.

۷. ارائه وجهه حزبی برای تشیع به جای آنکه آن را به شکل یک مذهب پایدار و اصیل معرفی کنند که در نتیجه تصور امت اسلام این خواهد

شد که شیعه اساسا حالت حزبی دارد و بنا را بر نزاع و اختلاف و فرقه‌گرایی گذاشته است.

۸. فراهم شدن اسباب اهانت به اهل بیت (و لو ناخواسته) در جهان اسلام به واسطه کارهای این جریان‌ها و نقض غرضی که برای حمایت از اهل بیت داشتند. به عنوان نمونه:

فخر رازی در تفسیر خود پس از بیان اینکه سب و دشنام، باعث بغض در گروه مقابل می‌شود و فرد به کفر گویی هم می‌افتد، بیان می‌کند این از اموری است که مشاهده می‌شود بیشتر جاهلان و عوام شیعه شیخین را نزد سنی سب می‌کنند و او را به خشم می‌آورند، پس او نیز علی را سب می‌کند. وقتی از او می‌پرسند تو که علی را دوست داری چرا او را سب کردی؟ در پاسخ می‌گوید: هدفم به خشم آوردن شیعیان است و هیچ کاری را برای به خشم آوردن شیعیان از این کار موثرتر ندیدم، چرا که آن‌ها بزرگان ما را لعن می‌کنند.^۱

۹. با تصویر سازی خاص از تشیع، امکان جهانی بودن و قابلیت آموزه‌های آن برای جهانی شدن را مخدوش می‌کنند.

۱۰. وحدت ستیزی و تفرقه افکنی: این جریان‌ها همه مسائل را از محور اختلافات شیعه - سنی مطرح می‌کنند. معنایی مخدوش از وحدت ارائه می‌کنند تا اعتراض و جبهه‌گیری‌های متقابل شکل بگیرد و معنای صحیح

۱. روح المعانی، ج ۷، ص ۲۱۸.

- و مرسوم از وحدت را به دست کشیدن از عقاید شیعی تفسیر می‌کنند.
۱۱. بهانه جویی و وارونه سازی حقایق در موضوعات امت اسلامی: به عنوان نمونه برگزاری نماز وحدت شیعه و سنی را نوعی بدعت می‌خوانند و از آن سو وقتی در اجتماعات مشترک (مانند همایش کنفرانس اسلامی) دو مذهب، نماز جدا می‌خوانند به تمسخر برنامه‌های وحدت می‌پردازند.
۱۲. تشکیل حکومت اسلامی را تحقق اهداف کمونیستی و وهابی می‌دانند، اما فعالیت‌های تفرقه افکنانه خود که باعث تحریک مذاهب می‌شود را هدایتگری و روشنگری جلوه می‌دهند.
۱۳. مخالفت با اصل فلسفه و عرفان به بهانه مغایرت کلام امثال ابن عربی و... با آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام؛
۱۴. انحصارگری شدید دینی: هرگونه قرائت مخالف خود راتا حدکفر و خروج از دین می‌دانند و آن‌ها را ملعون می‌خوانند، در نتیجه آن‌ها را تکفیر و تفسیق مینمایند و با اصطلاحاتی مانند عمّریه، دجالیه، بکریره و... خطاب می‌نمایند که این تفکرات زمینه سازی حرکت‌های خشن و تروریستی برای پیروان آن‌ها را می‌تواند فراهم آورد.
۱۵. ارائه چهره سکولاریستی از دین و تشیع؛ مخالفت با حکومت اسلامی فعلی ایران.
۱۶. اینکه وظیفه تشیع و عالمانش فقط ارشاد و تبلیغ است و دخالتی در امور سیاسی ندارند.
۱۷. جعل اصطلاحات بدون مبنای صحیح علمی؛

- مانند اصطلاح سقیفه ثانی برای انقلاب اسلامی؛ جعل اصطلاح علامه و آیت الله برای افرادی از طیف خود که صلاحیت‌های علمی و عملی لازم را ندارند.
۱۸. برنامه‌های خاص در موضوع مرجعیت: تخریب شخصیت علما و مراجع (بی سواد خواندن و منحرف دانستن آنان) و موروثی کردن مرجعیت در سران خود.
۱۹. تحریف و سوء تفسیر قرآن: مانند استناد قمه زنی به قرآن توسط امثال هدایتی.
۲۰. جهت گیری معکوس در حرکت ولایی.
- می‌دانیم که تلاش خود اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام آن بوده است که تولای مثبت به جامعه مسلمین و داخل این جماعت جهت داده شود، و ولای منفی یا تبری، به سمت دشمنان اسلام نشانه رود؛ ولی دشمنان همواره سعی دارند با حرکت معکوس در این مورد، نزاع‌ها را به داخل امت اسلام بکشند و رابطه مبتنی بر لطف و رحمت را بین مسلمین و کفار و استکبار بر قرار کنند. جریان شیعه انگلیسی و دیگر انواع اسلام آمریکایی همین مسیر را دنبال می‌کنند که نسبت به دشمنان اصلی دلسوزی و مسامحه دارند، مانند اینکه مرگ بر آمریکا را مجاز نمی‌دانند.
- همانگونه که تفکر لیبرالی و انحرافی به گونه ای عمل می‌کند که نسبت

به حوادث غرب و آمریکا دلسوزی می‌کنند،^۱ ولی از توجه به جنایات فلسطین، یمن، عراق و... غفلت می‌کنند. برخی دیگر هم در دعوی شیعه و سنی بسیار جدی و تسلیم ناپذیرند و برخورد با مذهب دیگر را مهم‌تر از برخورد با کفار می‌دانند.

نتیجه نهایی

قال امیر المؤمنین علیه السلام: لو سکت الجاهل ما اختلف الناس.^۲

امام علی علیه السلام فرمود: اگر جاهل سکوت می‌کرد، مردم اختلاف نمی‌کردند (سبب بسیاری از اختلافات، سخنها ناآگاهانه است). بنابراین جهالت برخی خواص و پیروی عوام در جامعه مسلمین باعث می‌شود که پروژه نفوذ دشمنان در صفوف مسلمین تسهیل شود و ظرفیت‌های بزرگ اسلام در معرض خطر قرار بگیرد و همه این نفوذ به نام و رنگ دینی اسلامی و شیعی واقع می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آقائوری، علی، *امامان شیعه و وحدت اسلامی*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۴. ابن ادریس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن سعد، محمد بن سعید، *الطبقات الکبری*، دارالکتب العلمیه، بیروت لبنان، ۱۴۰۵ ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، *الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه*، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۷. ابن قتیبه، ابو محمد عبد الله بن مسلم، *المعارف*، تحقیق: ثروه عکاشه، مصر، دار المعارف، و افسست شده در: قم، شریف رضی، ۱۴۱۵ ق.
۸. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله بن احمد. *معرفه الصحابه*، تحقیق: محمد راضی بن حاج عثمان، مدینه، مکتبه الدار، ۱۴۰۸ ق.
۹. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. تیجانی، دکتر محمد، *اهل بیت کلید مشکل‌ها*، ترجمه سید محمد جواد مهری، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. جزایری، نعمت الله، *الانوار النعمانیة*، بیروت، دار القاری، بی تا.

۱. مانند حوادث ۱۱ سپتامبر و حملات پاریس در سال ۹۴.

۲. *بحار الانوار*، ج ۷۵، ص ۸۱.

۱۲. حسن ابراهیم، حسن، تاریخ اسلام، بیروت، دار الجیل مع مکتبه النهضه المصریة، ۱۴۲۲ق.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۴. حلّی، رضی الدین علی بن یوسف، العدد التویة لدفع المخاوف الیومیة، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، بی تا.
۱۵. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۶. طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی، لبنان، امام صدر و انقلاب فلسطین، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری المعروف بتاريخ الامم و الملوک، تحقیق عبد اعلی مهنا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المعارف، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ش.
۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، قم، دارالکتب العلمیة، ۱۳۴۹ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، اول، ۱۴۰۷ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، تحقیق داغر یوسف اسعد، دار الهجرة

۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، تهران، نشر صدرا، ۱۳۷۸ش.
۲۶. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، صدرا، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۸ش.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشریعه قم، الموترم العالمی لالفیة الشیخ المفید، بی تا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۲۹. منقری، ابوالفضل نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی، چاپ دوم: ۱۴۰۴ق.
- سایت ها
۳۰. یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب هفدهم: امام موسی صدر، ج ۳، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۱ش.
- ۳۱.
32. <http://shia12.net/fa/ehanat.asp>
33. <http://www.valiasr-aj.com/Ibrahim Al-Haidari>
34. <http://rooyeshnews.com/>
35. <http://www.shabestan.ir/>
36. <http://fa.abna24.com/>
37. \ (www.fetan.ir)

می‌گیرند، علت آن هم مشخص است، چون، جشن آغاز باسواد شدن است.
- وقتی پسرها به پانزده سالگی و دخترها به نه سالگی می‌رسند، جشنی برپا می‌کنند، که به آن جشن تکلیف می‌گویند.

چرا جشن تکلیف برگزار می‌کنیم؟ چون در این سن، ما این لیاقت را پیدا کرده‌ایم که خداوند، روی ما حساب باز کند و کارهای خوب را بنویسد و پاداش دهد و به مرحله‌ای از رشد رسیده‌ایم که می‌توانیم دستورات خدا را اطاعت کنیم.

- جشن قبولی در دانشگاه یا فارغ التحصیل شدن از دانشگاه را هم بعضی برگزار می‌کنند، چون قبول شدن یا فارغ التحصیل شدن از دانشگاه را کار مهمی می‌دانند؛ به همین دلیل برای موفق شدن جشن برگزار می‌کنند.
- جشن ازدواج هم یکی از جشن‌های شیرین و شلوغ در بین جشن‌هایی است که برگزار می‌شود، جشنی که به واسطه آن یک آقا پسر، لیاقت اداره یک خانه و پدر شدن را پیدا می‌کند، و یک دختر خانم، لیاقت خانه‌داری و مادر شدن.

- راستی اول بهار به خاطر این که سرمای زمستان تمام می‌شود و طبیعت زنده می‌شود و رو به شکوفه و سرسبزی می‌رود، آن روز را عید می‌گیرند و به دیدن هم می‌روند و به یکدیگر سال نو را تبریک می‌گویند.

- یا مثلاً مسلمان‌ها بعد از یک ماه روزه در ماه رمضان، به خاطر انجام این عبادت بزرگ روز بعد از ماه رمضان را عید می‌گیرند که به آن عید فطر می‌گویند که یک روز شاد است.

ویژه کودک و نوجوان

□ محمد یوسفیان^۱

بزرگ‌ترین جشن

بچه‌ها سلام. آیا جشن و شادی را دوست دارید؟ چرا ما جشن برگزار می‌کنیم؟ چند جشن را می‌توانید نام ببرید؟
جشن تولد هر کدامتان را بگویید که چه تاریخی است؟
اصلاً چرا جشن تولد می‌گیریم؟

چون روز قبل از تولدمان در این دنیا نبودیم و خداوند این نعمت را به ما داد که پا در این دنیا بگذاریم؛ به همین خاطر هر سال در روز تولدمان جشن می‌گیریم و از خدا تشکر می‌کنیم و دیگران هم در جشن ما شرکت می‌کنند و کادو می‌دهند.

- دانش‌آموزان سال اولی که به مدرسه می‌روند مدرسه برای آن‌ها جشن

۱. مدیر واحد کودک و نوجوان مهدویت.

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	

راهنمایی: برای حل جدول حرف خانه اول را بنویسید بعد ۷ تا ۷ تا بشمارید و حروف را یادداشت کنید تا این که ۲۷ حرف شود بعد حروف را به هم وصل کنید تا پیام جدول به دست آید.

آفرین درست حل کردید: جشن نیمه شعبان، روز تولد امام مهدی علیه السلام.
اما بچه‌ها یک جشن دیگر داریم که کمتر به آن توجه شده است، ولی

یک جشن دیگر داریم که بزرگ‌ترین جشن دنیا است که تمام مردم ایران و تمام شیعیان در سراسر دنیا در آن شرکت می‌کنند، که اگر دوست داشته باشی نام آن جشن و علت آن را بدانی، جدول زیر را پاسخ بده، تا آن را پیدا کنی.

از راست به چپ پر شود:

۱. لقب امام دهم علیه السلام: ۷ - ۱۳ - ۱۴ - ۲ (هادی)
۲. ورزشی که مثل تیراندازی و اسبسواری در اسلام به آن سفارش شده است: ۸ - ۱۵ - ۲۶ (شنا)
۳. شهری تاریخی در استان کرمان: ۱۰ - ۲۰ (بم)
۴. قرآن و اهل بیت علیهم السلام ما را به راه راست.... می‌کنند.
۱۶-۱۹-۱۷-۲۱-۲۵ (هدایت)
۵. محضر خداست، در محضر خدا، گناه نکنید. ۳-۱۷-۱۲-۶ (عالم)
۶. آبی در کنار کعبه که حاجیان به عنوان تبرک از آن می‌نوشند:
۱۸-۲۷-۱۸-۹ (زمزم)
۷. دوران بعد از نوجوانی که بهار زندگی است: ۱ - ۵-۱۳-۲۴-۲۱ (جوانی)
۸. به انسان‌های نابینا،.... دل می‌گویند. ۴-۱۱-۲۳-۲۲ (روشن)

این مناسبت خیلی مهم است و از جشن تولد امام مهدی علیه السلام هم، شاید مهم‌تر باشد و آن جشن امامت آن حضرت است، یعنی روزی که حضرت مهدی علیه السلام به امامت رسیدند.

اگر بخواهیم اهمیت جشن امامت را بفهمیم با یک سؤال توجه شما را به آن جلب می‌کنم.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عید ما شیعیان چه عیدی است؟

بله، عید غدیر، روزی که امام علی علیه السلام در غدیر خم به امامت رسیدند، بزرگ‌ترین عید ما می‌باشد که در آن روز، پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خداوند، در راه برگشت از مکه، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و امام بعد از خود معرفی کردند و به همه از طرف خدا، دستور دادند که از امام علی علیه السلام اطاعت و پیروی کنند و آن‌هایی که آن‌جا بودند تک‌تک و گروهی با امام علی علیه السلام بیعت کردند؛ از آن روز به بعد شیعیان این روز را عید می‌گیرند و به یکدیگر تبریک می‌گویند و از این‌که خداوند آن‌ها را از پیروان و شیعیان امام علی علیه السلام قرار داده است، حمد و شکر می‌گویند.

بنابراین ما برای امام اول خودمان به مناسبت به امامت رسیدن جشن می‌گیریم؛ چه خوب است به مناسبت نهم ربیع الاول سالروز امامت امام مهدی علیه السلام نیز جشن برپا کنیم و خداوند را شکر کنیم از این‌که آخرین امام را زنده نگه داشته است که بعد از سال‌های زیاد، ما هم در این زمان امام داشته باشیم و همان‌گونه که در غدیر مردم با امام علی علیه السلام بیعت کردند و به ایشان قول دادند که از او پیروی کنند (که البته این کار را نکردند) ما هم

با امام مهدی علیه السلام در این روز بیعت کنیم و به ایشان قول بدهیم که از او پیروی و اطاعت کنیم و کاری کنیم که ایشان از دست ما راضی باشند و هرچه زودتر ظهور کنند و دنیا را پر از خوبی و نشاط کنند و همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از معرفی امام علی علیه السلام به عنوان امامت فرمودند: این پیام را تمام کسانی که این‌جا هستند به بقیه مردم برسانند ما هم باید روز امامت امام مهدی علیه السلام را علاوه بر این‌که خودمان جشن می‌گیریم و اهمیت می‌دهیم این روز را به دیگران نیز معرفی کنیم و به همه دنیا اعلان کنیم که ما صاحب و رهبر معصوم داریم که از طرف خداوند به وسیله بهترین و آخرین پیامبرش، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای جهانیان معرفی شده است.

بازی سودوکو

□ مریم السادات موسوی^۱

دانش‌آموزان عزیز سلام.

امامت امام مهدی علیه السلام را به همه شما تبریک می‌گوییم. چون امروز روز جشن و شادی است، می‌خواهیم مسابقه برگزار کنیم و به برندگان جایزه بدهیم.

مسابقه‌ی ما به این شکل است که به ترتیب چند جدول سودوکو به شما می‌دهم و هرکس زودتر آن‌ها را حل کرد، برنده است. حل هر جدول، پانزده ثانیه فرصت دارد.

۱. حضرت عیسی علیه السلام هنگامی که متولد شدند، به پیامبری رسیدند و پیامبری خود را به مردم زمان خودشان گفتند.
جدول سودوکو: پیامبری حضرت عیسی علیه السلام هنگام تولد راهنمای حل جدول: جدول بزرگ از چهار جدول 2×2 ساخته شده است که هر جدول 2×2 باید کلمات بدون تکرار در آن بیاید.

پیامبری			تولد
هنگام	تولد	عیسی	
	پیامبری	هنگام	
تولد		عیسی <small>علیه السلام</small>	

۲. حضرت یحییٰ علیه السلام هنگامی که در سن کودکی بودند از طرف خداوند به پیامبری رسیدند.

جدول سودوکو: پیامبری حضرت یحییٰ علیه السلام در کودکی

	پیامبری	یحییٰ <small>علیه السلام</small>	
	در	کودکی	
			کودکی
پیامبری	کودکی		

۳. امام جواد علیه السلام در سن کودکی به عنوان امام نهم ما شیعیان به امامت رسیدند.

جدول سودوکو: امامت امام جواد علیه السلام در کودکی

امامت	در	جواد <small>علیه السلام</small>	
		امامت	
جواد <small>علیه السلام</small>			
در			جواد

۴. امام هادی علیه السلام در سن کودکی به عنوان امام دهم ما شیعیان به امامت رسیدند.

جدول سودوکو: امامت امام هادی علیه السلام در کودکی

		هادی <small>علیه السلام</small>	
	هادی <small>علیه السلام</small>		در
در		امامت	

سودوکوی اعداد

۱. امامت امام جواد علیه السلام در ۸ سالگی

۲. امامت امام ۱۲ در کودکی

۳. امامت امام مهدی علیه السلام در ۵ سالگی

۴. امامت امام مهدی علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری

۲۶۰	۵		۸
		۲۵۰	
	۲۵۰		۱۲

گفتگو در پارک

صبح جمعه‌ای بود، حسن که دانش‌آموز کلاس ششم است در پارک مقابل خانه‌شان روی صندلی نشسته بود و در فکر فرو رفته بود که احساس کرد کسی دست روی شانه‌های او می‌زند. تا به پشت‌سر نگاه کرد چشمش به آقای احمدی، معلم مهربان و دوست‌داشتنی‌اش افتاد، سریع بلند شد و به او سلام کرد.

آقای احمدی گفت: آقا حسن، چرا این‌قدر در فکری؟ چیزی شده؟

حسن گفت: آقا، یادتان هست، چند روز پیش گفتید، سعی کنید هر روز در وقت خاصی، دقایقی را به امام زمانتان اختصاص دهید و درباره آن فکر کنید. الان داشتیم به این فکر می‌کردم که اصلاً ما چه نیازی به امام داریم؟ آقای احمدی گفت: بیا روی صندلی بشینیم و امروز که روز جمعه و

متعلق به امام زمان علیه السلام است، در مورد این موضوع با هم گفتگو کنیم.

داستانی را چند روز پیش در کتابی حدیثی خواندم که برایم جالب بود که دوست دارم آن را برایت بگویم.

جمعی از یاران امام صادق علیه السلام اطراف حضرت نشسته بودند که در میان آنها، هشام که تازه به جوانی رسیده بود نیز حضور داشت.

امام صادق علیه السلام به هشام فرمود: ای هشام! خبر نمی‌دهی که با عمرو بن عبید چه کردی و از او چه پرسیدی؟ هشام گفت: متوجه شدم که عمرو بن

۵. شهادت امام ۱۱ در شهر سامرا
۶. امامت امام مهدی علیه السلام در ۹ ماه ربیع الاول
۷. امامت امام هادی علیه السلام در ۸ سالگی
۸. امامت امام ۱۰ در هشت سالگی

۱۱	۸		۱۰
		۸	
۹			۸
۸			

عبید در بصره،^۱ کلاس درس گذاشته، به همین خاطر به طرف بصره حرکت کردم و در روز جمعه به آنجا رسیدم. وقتی به آنجا رسیدم، دیدم جمعیت زیادی در مسجد جمع شده‌اند و مردم پرسش‌های خود را از عمرو می‌پرسند. از میان جمعیت خود را به جلو رساندم و سپس به عمرو گفتم: آیا چشم داری؟ گفت: پسر جان! این چه پرسشی است؟ چرا از چیزی که خودت می‌بینی، می‌پرسی؟

گفتم: پرسش من همین است، آیا چشم داری؟

گفت: گرچه پرشست احمقانه است، اما... آری! چشم دارم.

گفتم: به چه کارت می‌آید؟

گفت: با آن، رنگ‌ها و آدم‌ها را می‌بینم و تشخیص می‌دهم.

گفتم: بینی هم داری؟ گفت: آری.

گفتم: به چه کارت می‌آید؟ گفت: با آن بوها را استشمام می‌کنم.

گفتم: آیا دهان نیز داری؟ گفت: آری.

گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: غذا می‌خورم و مزه آن را می‌چشم.

گفتم: گوش داری؟ گفت: آری.

گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: صداها را می‌شنوم.

گفتم: آیا قلب^۲ داری؟ گفت: آری.

گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: هر آنچه اعضا و حواسم درک می‌کنند را

به وسیله قلب، از همدیگر جدا می‌کنم و آنها را تشخیص می‌دهم.

گفتم: مگر این اعضای حسی (چشم، گوش و بینی) تو را از قلب بی‌نیاز نمی‌کنند؟ گفت: نه.

گفتم: چطور بی‌نیاز نمی‌کنند و حال آن‌که همه، صحیح و سالم‌اند؟

گفت: پسر جان! وقتی آنها در چیزی شک داشته و سرگردان شده باشند، در تشخیص و شناسایی آن به قلب مراجعه می‌کنند تا برایشان یقین حاصل شود و شک و سرگردانی آنها از بین برود.

گفتم: آیا خداوند، قلب را برای برطرف شدن شک و دودلی از حواس،

قرار داده است؟

گفت: آری.

گفتم: پس قلب باید موجود باشد، وگرنه برای حواس، اطمینان و یقینی

حاصل نمی‌شود؟

گفت: آری.

گفتم: ای عمرو! خداوند، حواس تو را بی‌امام، رها نکرده و برای آنها،

امامی قرار داده است تا چیزی که صحیح و درست است را آشکار کند و

شک و تردید آنها را به یقین تبدیل نماید. حال چگونه این همه انسان را در

شک و سرگردانی رها نموده و امامی بر ایشان قرار نداده تا آنان را از شک و

تردید، خارج سازد؟

عمرو مدتی سکوت کرد، سپس رو به من کرد و گفت: اهل کجایی؟

پاسخ دادم: کوفه.

۱. بصره یکی از شهرهای عراق است.

۲. قلب در این‌جا می‌تواند به معنای قوه عاقله، محل ادراک و شعور و مغز باشد.

گفت: پس تو هشام بن حکمی!

در این هنگام امام صادق علیه السلام خندید و فرمود: ای هشام! چه کسی این مطلب را به تو آموخته است؟

هشام گفت: چیزی است که از شما یاد گرفته‌ام.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب ابراهیم و موسی، نوشته شده است.

پس آقا حسن! همان گونه که خداوند در بدن انسان مرکزی را قرار داده تا به وسیله آن، اعضای بدن هدایت و راهنمایی شوند، به همان شکل در زمین، امام، حجت و راهنمایی قرار داده است که موجوداتی که از جمله آنها انسان‌ها هستند را امامت و رهبری کند و راه درست و صحیح را به آنها نشان دهد و با پیروی و اطاعت از او، راه درست و صحیح را انتخاب کنند.

آنها که امام ندارند راه‌هایی در زندگی انتخاب می‌کنند که آنها را به سعادت و خوشبختی نمی‌رساند، اما اگر انسان امام زمان علیه السلام داشته باشد، راه درست و صحیح را به او نشان می‌دهد، امام زمان علیه السلام تمام راه‌های خوشبختی و سعادت را در دنیا و آخرت برای ما بیان می‌فرماید به شرطی که حرف او را گوش دهیم و از او اطاعت کنیم.

حسن گفت: آقا خیلی ممنون، حکایت قشنگی بود و پاسخ پرسش‌م را هم متوجه شدم. اما اگر فرصت دارید و مزاحم نیستم، پرسش دیگری را بپرسم.

آقای احمدی گفت: حسن جان، چه مزاحمتی، تو مثل پسر خودم هستی، هرچه تو با امام زمانت بیشتر آشنا شوی، من به وظیفه‌ام عمل کرده‌ام، حالا

پرسشت را بپرسم.

حسن گفت: آقا، درست است که می‌گویند: امام زمان علیه السلام در پنج سالگی به امامت رسیده‌اند؟

آقای احمدی، گفت: بله، ایشان در سال ۲۵۵ هـ به دنیا آمدند و در سال ۲۶۰ هـ پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند، بنابراین هنگام شهادت پدر، امام زمان علیه السلام پنج ساله بودند.

حسن گفت: چگونه ممکن است کودکی پنج ساله امام شود، اگر زحمتی نیست، برایم توضیح دهید؟

آقای احمدی گفت: به نظر تو چه سنی مناسب است که امامت امامی آغاز شود؟ حسن گفت: حداقل در سن سی تا چهل سالگی.

آقای احمدی گفت: پرسش بعدی را از تو می‌پرسم و آن این که چرا این سن را برای شروع امامت مناسب می‌دانی؟

حسن گفت: برای این که فرصت باشد مقدار بیشتری علم و تجربه به دست آورد تا امامت بهتر اداره شود.

آقای احمدی گفت: از این پاسخ تو معلوم می‌شود که پرسش از امامت در کودکی زمانی مطرح می‌شود که ما امامت امام را با مقامات و پست‌های انسان‌ها مقایسه می‌کنیم، در صورتی که امامت مانند نبوت و پیامبری از طرف خداوند به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده شده و چون همه چیزش از طرف خداست، سن و سال در آن دخالتی ندارد و قبل از امام مهدی علیه السلام که در نهم ربیع سال ۲۶۰ هـ در پنج سالگی به امامت رسیدند،

امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در سن هفت سالگی به امامت رسیدند و این امر یعنی امامت در سن کودکی نه فقط در امامان ما که در پیامبران گذشته هم اتفاق افتاده است، و همان گونه که گفتیم هم امامت و هم نبوت از طریق خداوند تعیین می شود و به سن و سال ارتباطی ندارد که لازم باشد مدتی را درس بخواند و استاد ببیند و یا تجربه به دست آورد، بلکه در همان لحظه اول که پیامبری و امامت از طرف خداوند به آنها داده می شود، هر آنچه برای پیامبری و امامت لازم است نیز به آنها داده می شود.

حسن جان، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام پیامبری بود که از هنگام تولد، نبوت و پیامبری خود را به طور آشکار بیان نمود. در قرآن می خوانیم:

﴿ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴾^۱

[حضرت عیسی علیه السلام در حالی که کودک بود] گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

حضرت یحیی علیه السلام یکی دیگر از پیامبرانی است که در کودکی به مقام نبوت رسید. خداوند در این باره در قرآن خطاب به او فرمود: ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۲ ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر. ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم.

حسن گفت: آقا، این قدر قشنگ گفتید که دوست دارم پرسش های دیگر هم بپرسم، ولی می دانم که باید برای نماز جمعه آماده شوید.

دوست مهربان

□ مهدی شهبازی^۱

مقطع: ابتدایی

نام درس: دوست مهربان

موضوع: عقاید

هدف کلی:

دانش آموزان در این درس با دوستی و محبت امام زمان علیه السلام نسبت به مومنان آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

اندازه محبت امام

راه های بیشتر کردن محبت و دوستی امام

هدف رفتاری:

امید است دانش آموزان در پایان درس، امام مهدی علیه السلام را بیشتر دوست داشته باشند

روش های مناسب تدریس:

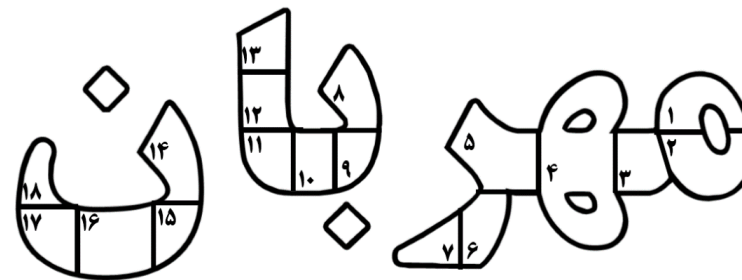
توضیحی، فعال: (پرسش و پاسخ، کارت و جدول)

۱. سوره مریم، آیه ۳۰.

۲. همان، آیه ۱۲.

۱. دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

هم مهربانانه هاشم بن علی را در روز با حل کردن جدول می‌خواهیم مهربانترین انسان تبار بود (کنیه و گج) نیکوار و چقدر مهربان است و ما را چقدر دوست دارد.



خداوند زیبایی و عطر و رنگ خداوند پروانه‌های قشنگ

جدول پنجه‌ها سلام! امیدوارم که حال شما دانش‌آموزان گل خوب خوب خوب باشد. جنگ‌الله که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۱۳ یار داشت؟ (بدر) ۱۳-۱۲-۴

- ۲- برنامه زمانبندی ظهور امام زمان علیه السلام می‌توانیم از او آسمان زیاد می‌بارد و همه جا را سرسبز سجده زوی (با آن اگر از ۵ تا ۸ کربلا باشد خیلی ثواب دارد؟ (مهر)
 - ۳- بایتخت کشور ایران حضرت علیه السلام ۲-۳-۹-۶ (هدهد)
 - ۴- لقب امام هفتم علیه السلام (پر) ۸-۱۱ (رضا)
 - ۵- چشمه آب کنار خانه کعبه؟ (زمزم) ۱-۱۰-۱۵-۱۰ (باقر)
 - ۶- معنای سورج دخان؟ (دود) ۱۷-۱۴-۱۲ (ابراهیم)
- رمز جدولی و اجبات که ستون دین است. (نماز)
- حروفی را پشت سر هم قرار دهید تا یک جمله از امام رضا علیه السلام به دست آورید. بله، کلمه مهربان می‌شود که یکی از صفات معروف خداست.

بچه‌های عزیز چون خداوند مهربان است از همه انسانها خواسته که با

امام رضا علیه السلام فرمودند: مهربانتر از پدر و مادر.^۱

خوب بچه‌ها چه کسی مهربانتر از پدر و مادر است. من خطاهایی را می‌کشم تا شما آن شخص را پیدا کنید.

آفرین، احسنت، دوستان را که کلمه مورد نظر را به دست آورد، خوب تشویق کنید: طیب طیب الله زنده باشی ان شاءالله
بله، کلمه مورد نظر ما «امام» است. بچه‌های خوب! آیا می‌دانید این اعداد چه ربطی به امامان علیهم السلام دارد.

۱۲ ۱۱ ۱

بله، آفرین، ۱۲ نفر امام داریم. ۱۱ نفر از امامان شهید شدند و یک امام هم زنده است.

نام امامی که زنده است، چیست؟ امام مهدی علیه السلام

حالا این داستان زیبا که درباره مهربانی امام زمان علیه السلام است را با دقت گوش کنید:

ابراهیم در حالی که آثار نگرانی و ترس در صورتش نمایان بود در خانه

۱ امام رضا علیه السلام فرمود: «وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ»؛ (فقیه، ج ۴، ص ۴۱۸).

قدم می‌زد و با خود می‌گفت: هر چیزی را که او بگوید عملی خواهد کرد، دیگر امیدی به زندگی ندارم، ای خدای مهربان! یاری‌ام کن، زن و فرزندانم بعد از من چه خواهند کرد؟

همسرش که تازه متوجه ناراحتی شوهرش شده بود، رو به او کرد و گفت: ابراهیم چه چیزی تو را این قدر نگر کرده، مگر اتفاقی افتاده است؟ ابراهیم که عرق ترس بر پیشانی‌اش نشسته بود رو به همسرش سمیه کرد و گفت: آخرین روزهای عمر من است، بیایید تا برای آخرین بار شماها را ببینم و وصیت‌هایم را به شما بگویم.

سمیه با شنیدن این حرف، با دست محکم به صورت خود زد و گفت: ابراهیم چه می‌گویی؟ تو که مرا نصف جان کردی، زودتر بگو چه اتفاقی افتاده است؟

ابراهیم در حالی که عرق پیشانی‌اش را پاک می‌کرد به همسرش سمیه گفت: عمرو پسر عوف را می‌شناسی؟

سمیه تا نام او را شنید، رنگ از صورتش پرید و با صدای لرزان گفت: آری که او را می‌شناسم، چه کسی است که او را نشناسد، حاکم و فرمانروایی ستمگر و ظالم است و تاکنون تعداد فراوانی از پیروان و شیعیان امام حسن عسکری علیه السلام را به شهادت رسانده است.

ابراهیم مانند کسی که دیگر امید به زنده ماندن نداشت به همسرش گفت: عمرو، تصمیم گرفته مرا بکشد و حتماً این کار را خواهد کرد، احساس می‌کنم آخرین روزهای عمر من است و چاره‌ای جز فرار ندارم.

سمیه در حالی که اشک می‌ریخت گفت: تا چه زمانی باید این فرمانروایان ستمگر بر ما حکومت کنند؟ خدایا همسرم را نجات بده.

ابراهیم با زن و فرزندان خود محافظی کرد و آن‌ها را به خدا سپرد و در حالی که تمام وجودش را وحشت و ترس فرا گرفته بود، تصمیم گرفت به خانه امام حسن عسکری علیه السلام برود و آن حضرت را برای آخرین بار ببیند و با ایشان نیز خداحافظی کند. وقتی وارد خانه امام حسن عسکری علیه السلام شد، ایشان را در حالی دید که پسر بچه‌ای در کنار او ایستاده بود و صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید. آن قدر چهره آن پسر بچه زیبا و نورانی بود که ابراهیم فراموش کرد برای خداحافظی به این‌جا آمده است.

درحالی که ابراهیم با تعجب فراوان به آن کودک می‌نگریست، آن کودک رو به ابراهیم کرد و گفت: ای ابراهیم! نیازی به فرار کردن نیست، به زودی خدای مهربان، شرّ او را از تو دور خواهد کرد.

با این حرف کودک، تعجب ابراهیم بیشتر شد و به امام حسن عسکری علیه السلام گفت: فدای شما شوم، این پسر کیست که از فکر من خبر دارد؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: او فرزند من مهدی و جانشین پس از من است. ابراهیم خوشحال و شاد از خانه امام عسکری علیه السلام بیرون آمد و به خانه‌ی خود بازگشت.

هنگامی که سمیه او را دید از روی اعتراض گفت: تو که تازه از خانه بیرون رفته بودی چه شد که دوباره برگشتی؟

ابراهیم داستانی که برایش اتفاق افتاده بود را برای همسرش تعریف کرد

و گفت: به لطف و مهربانی خداوند امیدوارم و به آنچه از مولایم حضرت مهدی علیه السلام شنیده‌ام، اعتماد و اطمینان دارم که عمرو نمی‌تواند مرا بکشد. ابراهیم چند روزی بود که با آرامش و راحتی در کنار زن و فرزندان زندگی می‌کرد.

روزی هنگام غذا خوردن، شخصی در خانه آنها را محکم به صدا درآورد. رنگ از صورت سمیه پرید و به ابراهیم گفت: فکر کنم مأموران حکومت به دنبال تو آمده‌اند، حالا چه کار کنیم؟

ابراهیم همسرش را دلداری داد و گفت: اصلاً نترس که آنچه حضرت مهدی علیه السلام فرموده، راست است و کسی به من آسیبی نمی‌رساند.

ابراهیم این را گفت و به سمت در رفت تا آن را باز کند. هنگامی که در را باز کرد، عموی ابراهیم در حالی که می‌خندید، او را بغل کرد و گفت: مژدگانی بده تا خبر خوشی به تو بدهم.

ابراهیم که حسابی تعجب کرده بود گفت: عمو جان، چه خبر شده؟! تاکنون شما را این قدر خوشحال و خندان ندیده‌ام؟

عموی ابراهیم گفت: بشارت و خوشحالی بر تو و خانواده‌ات که عمرو پسر عوف کشته شد و شرّ او از سر تو و تمام شیعیان برطرف گردید.

ابراهیم تا این حرف را شنید اشک شادی در چشمانش جمع شد و گفت: می‌دانستم بشارتی که امام دوازدهم علیه السلام به من داده‌اند؛ درست است، هرچه زودتر باید به خانه امام عسکری علیه السلام بروم و از آن‌ها تشکر کنم و شاید بتوانم

دوباره صورت زیبای حضرت مهدی علیه السلام را در کنار پدرشان زیارت کنم.^۱
 بچه‌ها حالا به مناسبت نهم ربیع الاول، سالروز امامت امام مهدی علیه السلام
 یک شعر می‌خوانم و شما جواب می‌دهید

یا مهدی یا مهدی

تو یک گل معطری یامهدی، یامهدی
 از همه گل‌ها بهتری یامهدی، یامهدی
 تو گل خوب نرگسی یامهدی، یامهدی
 خوشبوتری، از اطلسی یامهدی، یامهدی
 امام باغ و شبنمی یامهدی، یامهدی
 برای من تو همدی یامهدی، یامهدی
 تویی تو یار و یاورم یامهدی، یامهدی
 دستی بکش روی سرم یامهدی، یامهدی
 یامهدی، یامهدی یامهدی، یامهدی

جشن امامت

غرق نور و شادی است
 جمکران این روزها
 روز امامت شده
 مهدی ای آقای ما!
 آسمان را این خبر
 شاد و خندان کرده است
 کوچه‌های شهر را
 ریشه بندان کرده است
 هست لبخندی قشنگ
 روی لب‌های همه
 دوستت داریم ما
 واقعاً یک عالمه
 جشن امامت شما
 هر کجا برپا شده
 هر کجا با نام‌تان
 مثل گل زیبا شده

۱. اثبات الهداة، ج ۳، فصل ۷، ص ۷۰۰.

فدای تو ااما

رسیده روز شادی

روز امید دل‌ها

فرشته‌ها می‌خونن

فدای تو ااما

پنج سالگی رسیدی

به رهبری دل‌ها

هستی ما کودکان

فدای تو ااما

امام آخر ما

منجی و رهبر ما

تمام زندگیمون

فدای تو ااما

منتظرم به راهت

تمام روز و شب‌ها

نگاه چشمم آقا

فدای تو ااما